



مجموعه احادیث امام یحییٰ بن شرف الدین النووی رحمۃ اللہ علیہ

اربعین نووی

تشریح و توضیح:

دکتر اسرار احمد رحمۃ اللہ علیہ

مترجم: عبدالبصیر الکوزی

اربعین نووی

تشریح و توضیح: دکتر اسرار احمد رحمۃ اللہ علیہ

ویراستار: محمد ابراہیم یوسفی

مترجم: عبدالصیر الکوزی

شمارگان: ۵۰۰ نسخہ

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰



﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾

(الحشر: ۷)

چیزهایی را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجراء کنید، و از چیزهایی که شما را از آن بازداشته است، دست بکشید.



فهرست

مقدمه مترجم	۱۱
زندگی نامه دکتر اسرار احمد رحمته الله	۱۵
اهمیت حدیث و مقام و مرتبه آن	۱۹
حدیث اول: ارزش هر کاری به نیت آن است	۲۹
حدیث دوم: بیان اسلام، ایمان و احسان در روشنی حدیث جبرائیل علیه السلام	۳۴
حدیث سوم: ارکان اسلام	۴۰
حدیث چهارم: ارزش کارها به خاتمه آنهاست	۴۸
حدیث پنجم: ابطال منکرات و بدعت ها	۵۴
حدیث ششم: حلال و حرام واضح اند	۵۷
حدیث هفتم: دینداری، نصیحت و خیرخواهی است	۶۲
حدیث هشتم: پایبندی به سنت	۶۵
حدیث نهم: تکلیف و مسئولیت به اندازه توانایی	۷۱
حدیث دهم: استفاده نمودن از اشیای حلال و گوارا	۷۴
حدیث یازدهم: پرهیز از امور شبهه بر انگیز	۸۰
حدیث دوازدهم: ترک نمودن امور بی فایده	۸۳
حدیث سیزدهم: کمال ایمان	۸۷

- ۹۰ حدیث چهاردهم: حرمت خون مسلمان
- ۹۳ حدیث پانزدهم: آداب اخلاقی و اجتماعی در اسلام
- ۱۰۳ حدیث شانزدهم: پرهیز از خشم و غضب
- ۱۰۷ حدیث هفدهم: رفتار انسانی
- ۱۱۰ حدیث هجدهم: خوش اخلاق بودن
- ۱۱۴ حدیث نوزدهم: خدا را به یاد داشته باش
- ۱۲۳ حدیث بیستم: حیاء جزء ایمان است
- ۱۲۹ حدیث بیست و یکم: ایمان و استقامت
- ۱۳۵ حدیث بیست و دوم: انسان با انجام دادن فرایض وارد بهشت میشود
- ۱۳۹ حدیث بیست و سوم: شتاب کردن در انجام کارهای خیر
- ۱۴۵ حدیث بیست و چهارم: ناروا بودن ظلم
- ۱۵۲ حدیث بیست و پنجم: راه های صدقه
- ۱۵۵ حدیث بیست و ششم: برقراری صلح میان مردم و فضیلت کارهای خوب
- ۱۵۸ حدیث بیست و هفتم: نشانه های نیکی و گناه
- ۱۶۲ حدیث بیست و هشتم: پایبندی به سنت
- ۱۶۷ حدیث بیست و نهم: اعمالی برای ورود به بهشت
- ۱۷۵ حدیث سی ام: حقوق خداوند
- ۱۸۰ حدیث سی و یکم: زهد واقعی
- ۱۸۳ حدیث سی و دوم: نباید به خود و دیگران آسیب رساند
- ۱۸۸ حدیث سی و سوم: شیوه اثبات دعوی
- ۱۹۱ حدیث سی و چهارم: تغییر منکر
- ۱۹۸ حدیث سی و پنجم: حقوق مسلمانان بر یکدیگر

۲۰۴	حدیث سی و ششم: آسان گیری بر تنگدستان، پوشیدن عیوب و خواندن قرآن کریم بصورت دستجمعی
۲۱۰	حدیث سی و هفتم: فضل و رحمت خداوند
۲۱۴	حدیث سی و هشتم: عبادت، وسیله نزدیکی و محبت به خداوند است
۲۲۰	حدیث سی و نهم: اجبار، فراموشی و اشتباه
۲۲۳	حدیث چهلیم: رهگذری بیگانه در صحنه زندگی
۲۲۶	حدیث چهل و یکم: نشانه ایمان
۲۳۲	حدیث چهل و دوم: وسعت مغفرت خداوند و فضیلت توبه
۲۳۹	خاتمه

مقدمه مترجم

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله واصحابه ومن اهتدى بهداه.

اللهم إنا نسألك علما نافعا، وعملا صالحا، وقلبا خاشعا، ودعاء مسموعا، اللهم علمنا ما ينفعنا وانفعنا بما علمتنا وزدنا علما وعملا، آمين يا أرحم الراحمين.

کتاب حاضر اربعین نووی شامل چهل و دو احادیث است که توسط دانشمند جهان اسلام دکتر اسرار احمد رحمته الله تشریح و توضیح گردیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: (تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ، كُنْ تَصِلُوا مَا مَسَكْتُمُ بِهِمَا: كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّتَ نَبِيِّهِ) ^۱

"(مسلمانان!) من در میان شما دو چیز را می گذارم، تا وقتی که شما این دو را محکم بگیرید هرگز گمراه نمی شوید- آن است: کتاب الله و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - چنانچه بنیاد های دین اسلام و شریعت اسلامی همین دو است، اول کتاب الله قرآن کریم و دوم سنت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. کتاب الله وحی جلی و یا وحی باللفظ است، و سنت شامل وحی خفی است- یعنی مفهوم از سوی

الله تعالی آمده است اما الفاظ آن از سوی پیامبر اکرم ﷺ است. گویا سُنَّت وحی بِاللَّفْظ نبوده بلکه وحی بالمعنی است - یک نکته را باید متوجه باشیم که بطور عام مردم سنت و حدیث را مترادف می دانند حالانکه سنت و حدیث دو الفاظ علیده است، یعنی طرز عمل و تعامل حضرت پیامبر اکرم ﷺ را سنت می گوید و حدیث یک یادداشت و متن تحریر شده از سنت پیامبر اکرم ﷺ که توسط اصحاب کرام، تابعین به سلسه متواتر ذخیره گردیده موجود است. قرآن حکیم از سوی الله تعالی برای بشریت پیغام هدایت آخری و تکمیلی است، که بر نبی آخر الزمان حضرت پیامبر اکرم ﷺ نازل گردیده است. تنها فرض منصبی آنحضرت ﷺ این نبوده که این کتاب هدایت را برای بشریت برساند ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾^۱

"(ای فرستاده (خدا، محمد مصطفی!) هر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است (به تمام و کمال و بدون هیچ گونه خوف و هراسی، به مردم) برسان (و آنان را بدان دعوت کن)"

بلکه توضیح و تبیین آنرا نیز به عهده داشت - در قرآن کریم اینگونه آمده است: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۲

"(و قرآن را بر تو نازل کرده ایم تا این که چیزی را برای مردم روشن سازی که برای آنان فرستاده شده است (که احکام و تعلیمات اسلامی است) و تا این که آنان (قرآن را مطالعه کنند و درباره مطالب آن بیندیشند)"

چنانچه حضرت پیامبر اکرم ﷺ توسط اقوال و افعال خویش تشریح و توضیح قرآن کریم را نموده است که بشکل ذخیره حدیث برای رهنمائی امت محفوظ است. این ذخیره حدیث صحاح سته موطا امام مالک، مسند احمد و شامل

۱ - سوره مائده آیه/ ۶۷

۲ - سوره نحل آیه/ ۴۴

دیگر اّمهات الکتب است و در هر دور و زمان اهل علم مطابق ذوق خویش از این کتب احادیث یک گلدسته زیبا انتخاب نموده است. به همین ترتیب "اربعین نووی" یک گلدسته زیبا حدیث است که توسط محدث، فقیه، عابد، زاهد بلند پایه امام یحیی بن شرف الدین النووی رحمته الله (۶۳۱-۶۷۶ هـ) مرتب گردیده است. امام نووی رحمته الله مصنف کتب زیاد است مشهور آنها ریاض الصالحین و شرح صحیح مسلم است. "اربعین نووی" که شامل چهل و دو احادیث بطور مختصر است شهرت عام و خاص را از آن خود کرده است. امام نووی رحمته الله در کتاب "اربعین" خود احادیث را جمع نموده است که در حصه ی دین جایگاه و حیثیت اساسی را دارد و در مورد جامعیت و همه گیری این کتاب باید گفت که کم و بیش تمام مسائل را که حصات لازمی زندگی یک مسلمان را تشکیل می دهد احاطه نموده است. بانی تنظیم اسلامی دکتر اسرار احمد رحمته الله در جریان سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ ع در قرآن اکیدمی لاهور در خطابات جمعه خود مطالعه سلسله وار "اربعین نووی" را بیان نمودند. بعد از تکمیل نمودن "اربعین نووی" بشکل خطابه ها که توسط دکتر اسرار احمد رحمته الله در خطبه های جمعه تشریح و توضیح گردیده بود توسط قرآن اکیدمی شعبه مطبوعات بشکل کتاب ضخیم به زبان اردو تهیه و پیش گردیده است و بعداً بطور خلاصه این کتاب به زبان فارسی ترجمه گردید و هر کس این چهل دو حدیث را بداند و به آنها عمل کند باعث پیروزی و کامیابی دارین او می شود چراکه علمای کرام فرموده اند که مدار کلی اسلام، یا نصف، یا یک سوم اسلام بر این احادیث استوار است، و هر حدیثی از این احادیث، قاعده بزرگی از قواعد اسلام به شمار می رود. در شروع هر حدیث آیات از قرآن کریم ذکر گردیده است تا که واضح شود که بین قرآن کریم و حدیث ربط بسیار عمیق وجود دارد، سخن که در قرآن مجید به شکل بسیار عالی به خطاب آمده است

همان سخن به الفاظ نهایت زیبا در احادیث نیز آمده است تا که توضیح آن کامل شود، و وضاحت قرآن کریم توسط حضرت پیامبر اکرم ﷺ بیان شده است پس برای ما لازم است که برای فهم درست قرآن کریم از احادیث شریف کمک بگیریم. از الله متعال عاجزانه می طلبیم که این خدمت را صرف از برای رضا و خوشنودی خود قبول فرماید، برای دکتر اسرار احمد رحمه الله و کسانی که در حصه ترتیب، تدوین، اشاعت، و طباعت این کتاب ما را یاری کرده و همچنان کافه امت مسلمه باعث سعادت و خیر دارین گردانند و برای همه ما توفیق عمل بر این چهل و دو احادیث عنایت بفرماید تا باشد سبب کامیابی دنیا و آخرت مان گردد. در اخیر جهت بهبود این اثر برای چاپ بعدی از نظریات و پیشنهادات شما گرامیان استقبال می نمایم. امیدوارم که صاحب نظران از ارایه نقدها و دیدگاه های ارزنده خود، بنده را محروم نسازند و ما را از دعای خیر بی بهره نسازند. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه اجمعین.

عبدالبصیر الکوزی

۱/۱۰/۱۳۹۹

زندگی نامه دکتر اسرار احمد رحمته اللہ علیہ

دکتر اسرار احمد رحمته اللہ علیہ به تاریخ ۲۶ اپریل ۱۹۳۲م در منطقه حصار ولایت شرقی پنجاب، آن زمانی که هند تحت حاکمیت انگلیس قرار داشت، چشم به جهان گشود. بعد از فراغت یافتن از مکتب، به شهر لاهور تشریف آورد و در رشته طب دروس خویش را در دانشکده «کنگ ایدورد میدیکل کالج» آغاز کرده و در سال ۱۹۵۴م با پایان دوره لیسانس در رشته طبابت به کار آغاز نمود و همزمان به تحصیل رشته علوم اسلامی داده و در سال ۱۹۶۵م از دانشگاه کراچی به درجه فوق لیسانس فارغ گردید.

دکتر اسرار احمد رحمته اللہ علیہ در سال ۱۹۵۰م عضویت جماعت اسلامی پاکستان را که توسط مولانا ابوالاعلی مودودی رحمته اللہ علیہ رهبری می شد، به دست آورد. اما در سال ۱۹۵۷م بنابر اختلافات سیاسی بر سر موضوع شرکت و عدم شرکت در انتخابات، این جماعت را ترک نمود.

دکتر اسرار احمد رحمته اللہ علیہ به این عقیده بود که در پاکستان و همه ممالک اسلامی باید یک نظام اسلامی بر اساس قانون و احکام قرآن و سنت حاکم گردد؛ در غیر آن، نظام سیاسی که از سوی غرب بالای ممالک اسلامی تحمیل می گردد، مردود و بر خلاف قرآن و سنت می باشد و نظام های پادشاهی و جمهوریت

فعلی به طور کلی بر بنیاد شرک مبتنی اند؛ چرا که پادشاهی تنها از آن الله تعالی است، و قوانین وضعی ساخت بشر بوی شرک می دهد و ما اکنون شاهد این هستیم که نظام بانکداری ممالک اسلامی بر اساس سود و ربا استوار بوده و در محاکم خلاف قرآن و سنت فیصله می گردد، سران و حکام کشورهای اسلامی با دشمنان الله تعالی و رسول اکرم ﷺ دست دوستی دراز کرده اند؛ لذا در چنین حالاتی ضروری است که خلافت اسلامی حاکم شود تا نظام آن بر میزان عدل قرآن و سنت نبوی ﷺ پایدار باشد.

دکتر اسرار احمد رحمه الله با شخصیت های مشهوری مانند امام ابوالاعلی مودودی رحمه الله و مولانا امین احسن اصلاحی رحمه الله، فعالیت اسلامی داشته و آثار و تألیفات امام شاه ولی الله دهلوی رحمه الله تأثیرات عمیقی بر شخصیت ایشان داشته است.

در ارتباط با معارف و علوم قرآن کریم چهار تن از شخصیت های اسلامی: علامه محمد اقبال لاهوری، مولانا ابوالاعلی مودودی، شیخ الہند مولانا محمود حسن و علامه شبیر احمد عثمانی رحمه الله بر دکتر صاحب اسرار احمد بسیار تاثیرگذار بوده اند و در کنار آنان به مسایل مهمی از علوم قرآنی دست یافت.

دکتر اسرار احمد رحمه الله، قرآن کریم را به روش شیخ الہند، محمود حسن رحمه الله و علامه شبیر احمد عثمانی رحمه الله ترجمه نمود، ایشان در عصر حاضر تنها عالمی بود که قرآن کریم و علوم طبیعی روز را با هم مقایسه می نمود تا برای مردم واضح شود که پیشرفت ساینس و تکنولوژی امروزه از برکت قرآن کریم است؛ وی باور داشت که تعالیم قرآن و سنت باید بر تمام شاخصه های یک نظام از قبیل سیاست، اقتصاد، امور اجتماعی، قضایی و فرهنگی عملی گردد. ایشان جهت عملی ساختن این امور، دست به یک سری ابتکارات زدند، ابتدا در پاکستان تنظیم اسلامی را تأسیس کرده و به تعقیب آن تحریک خلافت و مرکز

انجمن خدام القرآن را ایجاد نمودند. هدف اساسی تنظیم اسلامی این بود که در نظام فعلی و حاکم، اصلاحات لازم را به وجود آورد تا با این شیوه بتواند نظام خلافت اسلامی را حاکم گرداند، روی این ملاحظه ایشان همه زندگی خویش را وقف تعلیم و تعلم قرآن و سنت نمود تا از این طریق بتواند سطح آگاهی مردم را بالا ببرد؛ و با این اقدام، مردم از کشش های دنیوی تزکیه گردیده و به سطحی پیشرفت نمایند تا با نظام های طاغوتی امروزی مقابله کرده بتوانند. جهت تربیت و تعلیم عموم مسلمانان، مراکز آموزشی درس های قرآن کریم را در شهرهای مختلف پاکستان به نام مرکز انجمن خدام القرآن تأسیس نمودند. هم چنان برای کسانی که به زبان عربی آشنایی نداشتند، دوره های یک ساله آموزش عربی را ایجاد نمود تا هر مسلمان بتواند به طور مستقیم با قرآن کریم ارتباط داشته و از این منبع ناب الهی، سیراب شده و قلوب شان بطور مستقیم گیرنده انوار الهی گردد.

یکی از ویژگی های این دانشمند گرامی این بود که همیشه، مال و جان خویش را وقف اقامه دین الله متعال نموده بود و در خطبه های خویش همیشه اصرار می نمود که دین الهی حاکم و شریعت ناب اسلامی در سرزمین خداوند قایم گردد.

دکتر اسرار احمد رحمۃ اللہ علیہ، چهل سال از عمر عزیز خویش را صرف بیداری امت اسلامی کرد و هدف تلاش های شان این بود که بر اساس قرآن و سنت، انقلاب اسلامی به وجود آمده و نظام های طاغوتی دگرگون گردند.

سرانجام بعد از تلاش های پیوسته و خستگی ناپذیر، این دانشمند بزرگ جهان اسلام، به سن ۷۸ سالگی به تاریخ ۱۴ اپریل ۲۰۱۰م در شهر لاهور پاکستان، به اثر حمله قلبی جهان فانی را وداع گفته و به جهان ابدیت پیوست، روح شان شاد و یادشان گرامی باد!

اهمیت حدیث و مقام و مرتبه آن

دو بنیاد شریعت اسلامی

همه میدانند که بنیاد دین اسلام و شریعت اسلامی دو چیز است، اول قرآن حکیم و دوم سنتِ حضرت پیامبر اکرم ﷺ - قسمیکه کلمه طیبه دارای دو بخش است: لا اله الا الله و محمد رسول الله یعنی توحید و رسالت. فرق میان قرآن حکیم و سنت حضرت پیامبر اکرم ﷺ این است که قرآن حکیم وحی جلی و یا وحی باللفظ است (یعنی تمام آیاتی که از سوی الله تعالی بر حضرت پیامبر اکرم ﷺ نازل گردیده است ایشان درست همانطور برای عالم بشریت رسانده است، همچنان وحی باللفاظ بر حضرت پیامبر اکرم ﷺ ختم گردیده است). از سوی دیگر سنت حضرت پیامبر اکرم ﷺ وحی خفی و یا وحی بالمعنی است (یعنی مفهوم از سوی الله تعالی آمده است اما الفاظ از حضرت پیامبر اکرم ﷺ است). به خاطر مسلمانانی که در کشورهای غربی زندگی می کنند معاذ الله دچار فتنه و گمراهی مانند مسیحیان نشوند باید متوجه این حقیقت باشند که در آئین مسیحیت وحی بالمعنی دارای یک اصل است (یعنی مسیحیان عقیده دارند که مفهوم کتاب انجیل از سوی الله تعالی بر حضرت عیسی ﷺ آمده

و حضرت عیسی علیه السلام کتاب انجیل را به الفاظ بشری برای امت خود رسانده است). به همین سبب مسیحیان یک انجیل نداشته بلکه اناجیل متفاوت در نزد خود دارند و اناجیل کنونی دچار تحریف و سبب انحراف مردم شده است به این سبب که علمای مسیحی از جانب خود چیز های را در کتب انجیل اضافه نموده اند، چرا که در جنگ های قرون گذشته نسخه های اصلی انجیل حریق شده اند.

این را هم بدانید که سنت و حدیث دو الفاظ کاملاً علیحده است. تعامل و طرز العمل حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را سنت می گویند و حدیث یک یادداشت تحریر شده است.

معنی اصطلاحی حدیث چیست؟ حدیث شامل دو چیز است، یک "اخبار" که جمع خبر است و دیگر "آثار" است که جمع اثر است. تقریر فعل و یا قول حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را خبر گویند. لهذا اقوال، افعال و تقریر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را اخبار گویند و اقوال، افعال و تقریر صحابی را آثار می گویند. به همین دلیل گمان غالب بر آن است آنچه را که صحابه می گویند از طرف خود نمی گفته بلکه ایشان آن سخن را از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیده اند و چیزی را که اصحاب بر آن عمل می کنند در واقع عملکرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بر انجام آن فعل دیده اند- این مجموعه اخبار و آثار را حدیث گویند. حدیث نبوی صلی الله علیه و آله دو بخش دارد: متن و سند. ارشاد و فرمایشات آن حضرت را متن نامیده اند- و سند، سلسله رجال و راویان حدیث را میگویند، کسیکه از آن حضرت شنیده و یا دیده باشد، بگونه مثال! به این ترتیب که صحابه از پیامبر، تابعی از صحابه و تبع تابعین از تابعی روایت کرده باشند و از آن کسی دیگر شنیده باشد- یعنی از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صحابی شنیده، از صحابی تابعی، از تابعی تبع تابعی شنیده باشد و

اهمیت حدیث و مقام و مرتبه آن | ۲۱

این را روایت می گوید، و سلسله این افراد از روای به پیامبر را راویان حدیث می گویند. امام بخاری رحمته الله هر گاه حدیثی را بیان روایت می کردند از شخص خود شروع تا حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تمام زنجیره وصل را بیان می نمودند. به همین ترتیب درجه حدیث مستند است - موجودیت این زنجیره وصل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا محدث الزامی است. در بخش بررسی سند حدیث راویان حدیث زیر بررسی قرار می گیرند، در بررسی نکاتی اساسی از قبیل اینکه آیا از دروغ، سوء حافظه، کردار زشت مبراء است؟ اعمال و سیرت هر راوی بررسی می گردد. بررسی راویان به شیوه فوق واخذ معلومات در مورد آنان را علم "اسماء الرجال" می گویند.

اقسام حدیث از حیث سند قرار ذیل اند:

حدیث مسند: حدیثی است که بوسیله یک زنجیره منظم و متصل راویان به پیامبر صلی الله علیه و آله میرسد. و مسند کسی است که حدیثی را با زنجیره و سند روایت کند خواه اهل فن علم الحدیث باشد یا فقط راوی حدیث باشد.

مرفوع: حدیثی است که به پیامبر متصل شود و در روایت گفته شود (قال النبی و یا قال رسول الله صلی الله علیه و آله).

مرسل: حدیثی است که در روایت آن صحابی حذف شده باشد و تابعی بگوید: قال النبی صلی الله علیه و آله کذا درجه مرسل همانند مرفوع نیست.

حدیث ضعیف: به حدیثی گفته میشود که راوی کردارش و اعمالش مشکل داشته و به سوء حافظه دچار باشد - اگر در سلسله روایت یکی از این دو چیز باشد آن حدیث ضعیف است.

حدیث موضوعی: به آن حدیثی گفته میشود که محدثین کرام بعد از تحقیق فیصله کرده باشند که نسبت دادن این حدیث به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درست نبوده و جعل شده باشد. احادیث موضوعی جمع آوری گردیده و کتاب مستقلی

به نام "کتاب الموضوعات" نامیده میشود. در مورد احادیث ضعیف باید این نکته واضح گردد که هر گاه با حدیثی مواجه گردیم که در حواله آن حدیث "ضعیف" نوشته شده باشد، باید گفت که این چنان احادیث در باب حلت و حرمت به آن استناد نمی گردد! باید این را یاد آور شویم که یکتعداد از مصنفین در کتب خود از آنها استفاده نموده اند مانند امام ابو حامد غزالی در کتاب احیاء العلوم الدین که از احادیث ضعیف استفاده کرده است.

فضیلت حفظ چهل حدیث

در مورد فضیلت حفظ چهل حدیث از پیامبر اکرم ﷺ حدیثی را مطالعه می نمایم- در رواة این حدیث حضرات علی، عبدالله بن مسعود، معاذ بن جبل، عبدالله بن عمر، عبدالله بن عباس، انس بن مالک، ابوالدرداء و ابوسعید الخدری ؓ است که همه آنان اصحاب جلیل القدر پیامبراند- اما در سطح تابعین یا تبع تابعین راوی دیده میشود که قابل اعتماد نیست، سوء حافظه دارد و سیرت و کردارش مشکوک است، لهذا این روایت ضعیف می باشد- و حدیث بر این قرار است [مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِنْ أَمْرِ دِينِهَا بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي زُمْرَةِ الْفُقَهَاءِ وَالْعُلَمَاءِ]

هر کسی از اتم چهل حدیث از احادیث دین را حفظ نماید، الله متعال در روز قیامت او را در زمره علماء و فقها حشر خواهد نمود.
در روایتی دیگر با این الفاظ آمده است، [بَعَثَهُ اللَّهُ فَقِيهًا عَالِمًا] "الله تعالی او را منحیث فقیه و عالم حشر می کند.

در روایت حضرت ابوالدرداء ؓ گفته شده [وَكُنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَافِعًا وَشَهِيدًا] در قیامت گواه و شاهد او خواهم بود.

اهمیت حدیث و مقام و مرتبه آن | ۲۳

در روایت حضرت ابن مسعود رضی الله عنه آمده است [قِيلَ لَهُ ادْخُلْ مِنْ أَيْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شِئْتَ] برای او گفته می‌شود که از هر دروازه جنت میخواهی داخل شو. در روایت عبدالله بن عمر رضی الله عنه گفته شده [كُتِبَ فِي زُمْرَةِ الْعُلَمَاءِ وَ حُشِرَ فِي زُمْرَةِ الشُّهَدَاءِ] نام آن شخص در فهرست علماء نوشته شده، و در روز قیامت با شهداء حشر خواهد گردید.

این حدیث همراه با روایات مختلف را امام نووی رحمته الله در مقدمه "اربعین نووی" آورده است و نوشته اند حفاظ حدیث در این سخن اتفاق دارند که اگر چه این حدیث ضعیف است باز هم طرق آن بسیار زیاد است - این حدیث در "کنز العمال" موجود است. که در آن مجموعه احادیث ضعیف و صحیح هر دو موجود است.

حدیث [مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي...] علماء بر ضعیف بودن آن اتفاق دارند، اما طرق روایات متعدد که بالاتر از پنجاه تن از علمای حدیث آن را روایت نموده‌اند سبب قوت حدیث شده است، و امام نووی رحمته الله چهل حدیث را در این مجموعه گردآوری نموده که اینک ما در صدد شرح آن هستیم، چنانچه امام شاه ولی الله رحمته الله نیز چنین اقدام نیکی نیز نموده اند.

معرفی مصنف کتاب الاربعین

نام کامل شان یحیی بن شرف الدین النووی رحمته الله است - در سال ۶۳۱ هـ ق چشم به جهان گشودند و در سال ۶۷۶ هـ ق رحلت کردند - که در مجموع ۴۵ سال سن داشتند با وجود این عمر کوتاه در حوزه علم حدیث خدمات شایانی انجام داده‌اند - شرح صحیح مسلم، کتاب ارزشمند ریاض الصالحین و الاربعین نووی از آثار با ارزش این امام بزرگوار می‌باشد که در طی قرون مختلف در حوزه بزرگ علمی جهان اسلام مورد استفاده دانشمندان قرار گرفته

است. نام اصلی کتاب در عربی "الاربعون النوویه" و ما در ترجمه فارسی نام آن را اربعین نووی نام گذاری نمودیم.

دو فتنه بزرگ عصر حاضر

در عصر حاضر در دنیا دو فتنه بزرگ وجود دارد و بدبختانه هردوی اینها در حال گسترش است- و این فتنه ها شخصیت پیامبر را نشانه گرفته اند- اول کسانی که مخالف ختم نبوت بوده و ادعای نبوت دروغین را دارند، و دوم انکار حدیث است- در گذشته در ایران کسی به نام بهاء الله مدعی نبوت شده بود- بهائی ها در عصر امروزی در تمام دنیا موجود اند- در بعضی ممالک اسلامی دارای دفاتر و کتابخانه ها اند- نفوذشان در کشورهای غربی نیز چشم گیر است- فتنه بزرگ دیگر فتنه قادنیت است، که در حال گسترش و رونق می باشد- که ذریعه سیتلایت در تمام دنیا پروگرام های آنان پخش و نشر می گردد و از طرف جهان غرب نیز حامی آنان می باشد رأس این فتنه بزرگ میرزا غلام احمد خان قادیانی می باشد- وی جهت کسب خوشنودی انگلیس ها از جهاد فی سبیل الله نفی کرد و آنان (انگلیس ها) فتنه نبوت را توسط میرزا غلام احمد خان قادیانی دامن زدند تا توسط آن جهاد و قتال فی سبیل الله را از بین مسلمانان حذف کنند .

در عصر حاضر فتنه انکار حدیث است- خطر آن جدی تر از فتنه ادعای نبوت است، چون موضوع ختم نبوت برای هر مسلمان مانند روز روشن است و هر مسلمان به آسانی درک و فهم آنرا دارد، اما درک و فهم و شناخت منکرین و شک پراکنان حدیث برای خیلی ها واضح نیست- منکران حدیث، قرآن کریم را قبول دارند اما مقام مناسب برای حدیث نبوی ﷺ قائل نیستند، برای آنان فقط احادیثی که در باب قضایای اخلاقی وارد شده قابل قبول است- بنابر قایل نشدن به جایگاه و مقام خاص احادیث شریف قرآن کریم را اشتباه تفسیر

می‌کنند- دیدگاه آنان این است، اطاعتِ حضرت پیامبر اکرم ﷺ چیزی دائمی نیست، ذات گرامی حضرت پیامبر اکرم ﷺ صرف در زمان خودشان واجب الاطاعة بودند- در قرآن کریم آمده است:

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾

بگو: از خدا و از پیغمبر اطاعت کنید (اطاعت صادقانه‌ای که اعمالتان بیانگر آن باشد). اگر سرپیچی کردید و روی گردان شدید، بر او (که محمد و پیغمبر خدا است) انجام چیزی واجب است که بر دوش وی نهاده شده است (و آن تبلیغ رسالت است و از عهده‌اش هم برآمده است و کار خود را کرده است) و بر شما هم انجام چیزی واجب است که بر دوش شما نهاده شده است (که اطاعت صادقانه و عبادات مخلصانه است) اما اگر از او اطاعت کنید هدایت خواهید یافت (و به خیر و سعادت جهان نائل می‌گردید. در هر حال) بر پیغمبر چیزی جز ابلاغ روشن و تبلیغ آشکار نیست.

به همین ترتیب الله تعالی در سوره مبارک تغابن فرموده است:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾^۱
از خدا و پیغمبر اطاعت کنید. اگر رویگردان شوید، بر فرستاده ما جز رساندن پیام روشن و آشکار نیست.

نزد منکرینِ سنت، شخص پیامبر اکرم ﷺ در عصر خود حیثیت "حاکم" مطاع را دارا بوده و قبول کردن حکم او ضروری بود- یعنی منکرین سنت به این عقیده اند که قبول حکمیت حضرت پیامبر اکرم ﷺ تنها در عصر او ﷺ ضروری بود و برای مسلمانان امروزی امیر و یا حاکم مسلمانان حیثیت محوری را دارد

و پیروی از دستورات آنحضرت بر مسلمانان عصر امروز واجب نیست! اما باید دانست که این بزرگترین فتنه ایست که منکرین سنت ایجاد نموده اند، عقیده ما مسلمانان این است که خلافت اسلامی و انقلاب اسلامی باید بر میزان قرآن کریم و منهاج نبوت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قایم گردد و پیروی از قرآن کریم و منهاج نبوت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه در سطوح فردی، اجتماعی و قانون سازی از ضروریات می باشد و در همه حالات بر مسلمانان فرض است تا از رهنمایی و دستورات عادلانه قرآن کریم و منهج نبوی صلی الله علیه و آله پیروی کنند و آنرا در حیات شان عملی نمایند این فتنه بشدت در حال پخش است - بسیاری چیز ها را شریعت منع نموده است اما منکرین حدیث بخاطر انکار شان از آن صرف نظر نموده اند - از جمله حجاب اسلامی که نزد آنان اهمیت نداشته و با این استدلال خام می گویند، حجاب اسلامی تنها فرهنگ یک دوره خاص بوده و امروزه کاربرد ندارد - آنان ترجمه آیات قرآن کریم را تحریف نموده و مردم عام و آنانی که به زبان عربی آشنا نیستند را به مغالطه می اندازند، عیناً کاری را که قادیانی ها با قرآن کریم می کنند و از این طریق در پی تحریف آن هستند.

چند نمونه قابل ملاحظه از عقاید این دو گروه

در قرآن کریم آمده است که دست مرد و زن دزد را قطع نمائید - آنان می گویند که مراد از این آیه قطع کردن بالفعل نیست، بلکه علماء برداشت درست از این آیه ندارند، چرا که قطع نمودن دست یک فعل وحشیانه است و این دستور قطع دست محاوره یی بیش نیست - حالانکه در قرآن کریم می گوید: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾

دست مرد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند به عنوان يك مجازات الهی قطع کنید، و خداوند (بر کار خود) چیره و (در قانونگذاری خویش) حکیم است (و برای هر جنایتی عقوبت مناسبی وضع می‌کند تا مانع پخش آن گردد). جالب اینجاست که شهر پنجاب دارای دو غلام احمد مشهور است - غلام احمد قادیانی و غلام احمد پرویز - اولی مهر نبوت را شکست و دوم عقیده بر این دارد که حدیث و سنت حضرت پیامبر اکرم ﷺ از شریعت مستقل است - همانطوریکه حامی قادیانیان جهان غرب، به همین شیوه از منکران حدیث نیز حمایت می‌کنند چراکه جهان غرب در پی نابود کردن تمدن اسلامی و جهان اسلام اند، آنان درک نمودند که بستر تمدن اسلامی با سنت پیامبر اسلام ﷺ گره خورده است - طبق سفارشات اندیشکده سیاست جهانی (The Rand Corporation) باید مسلمان تحصیلکرده جهان اسلام از اسلام به گونه‌یی تعبیر کند تا با معیارهای تمدن غربی یکسان باشد برای ایشان حمایت عام و تام داده شود و برای ایشان زمینه اشتراک در برنامه‌های رسانه‌یی فراهم شود. به همین خاطر در عصر امروزی لازم است تا مسلمانان احادیث نبوی ﷺ را مطالعه کنند تا عظمت آن در دلهای شان جایگزین گردد و رشته محبت با پیامبر اکرم ﷺ محکمتر از پیش گردد.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا وَاسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِيْ وَ لَكُمْ وَ لِسَائِرِ الْمُسْلِمِيْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ.

حدیث ۱

ارزش هرکاری به نیت آن است

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ﴾^۱

این که (به هنگام نماز) چهره‌هایتان را به جانب مشرق و مغرب کنید، نیکی (تنها همین) نیست (و یا ذاتاً روکردن به خاور و باختر، نیکی بشمار نمی‌آید). بلکه نیکی (کردار) کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورده باشد.

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رضی الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ إِلَى امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهَاجَرَتْهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ»^۲

۱ - سوره بقره آیه / ۱۷۷

۲ - بخاری / ۱

عمر بن خطاب رضی الله عنه می‌گوید: از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «اعمال به نیت‌ها بستگی دارند و با هر کس، مطابق نیتش رفتار می‌شود. پس هر کس، به خاطر مقاصد دنیوی یا ازدواج با زنی، هجرت نماید، به دنیا دست می‌یابد و با آن زن، ازدواج می‌کند. در نتیجه، دستاورد هجرت هر کس، همان چیزی است که به خاطر آن، هجرت نموده است». قابل تذکر است که در شروع هر حدیث آیاتی از قرآن کریم ذکر گردیده است تا واضح گردد که بین قرآن کریم و حدیث ارتباط بسیار عمیق وجود دارد، آنچه که در قرآن کریم به شکل بسیار عالی با خطاب آمده است همان چیز به الفاظ نهایت زیبا در احادیث نیز آمده است تا توضیح آن آیه کامل شود، همچنان وضاحت قرآن کریم توسط حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان شده است، پس آموختن علم قرآن کریم و احادیث شریف هر دو نهایت ضروری است، چراکه برای فهم کامل قرآن کریم ما نیاز داریم تا به احادیث نبوی صلی الله علیه و آله رجوع کنیم و با این مراجعه فهم درست از آیات قرآن کریم کمایی کنیم.

در تشریح این حدیث باید گفت که مدار و قبولیت همه اعمال انسان مومن بر نیت او وابسته است، و مراد از اعمال در حدیث شریف امور نیک و شایسته است. و هر انسان آنچه را کسب می‌کند که آنرا نیت کرده باشد ظاهر عمل هر گونه که باشد، ارزش آن در نزد الله تعالی وابسته به فاعل آن است، چون نیت است که اعمال انسان را نزد الله تعالی محبوب می‌کند - به عنوان مثال هرگاه وقت انتخابات فرا می‌رسد، بعضی از عالی جنابان و سرمایه داران که تا دیروز هیچ ارتباط خدایی با مساکین و فقراء نداشته کاملاً رفتارشان تغییر نموده شروع به مصافحه کردن و به آغوش گرفتن آنان می‌کند، اطفال مساکین و بی‌نویان را محبت - فیصله این را در اینجا بیننده کرده می‌تواند که برای چی این عمل را انجام می‌دهد و چنین رفتار مهربانانه از خود نشان می‌دهد - این کار در حقیقت

شفقت و محبت نیست، ظاهراً عملی نیکی انجام داده اما نه برای خدا بلکه برای بدست آوردن رای که موافق به برنامه تجارتی اش است- این نوع حرکات ظاهری آن چیزهای است که ما مشاهده کرده می‌توانیم و فیصله در قبال آن به سادگی میشود، اما بعضی چیزهای است که از مشاهده ما مخفی می‌باشد- در این صورت انسان باید خویشتن را محاسبه نماید که من چه کاری می‌کنم، برای کی انجام می‌دهم، آیا در در نیت من کدام فساد پیدا نشده است، آیا شیطان بر من حمله ور نشده است- لهذا هر نیتی که در انجام اعمال باشد همان را حاصل می‌نمائیم، تنها بر انجام اعمال ظاهری جزا داده نمی‌شود- در دنیا کارهای نیک مورد تحسین مردم قرار می‌گیرد، اما در اصل الله تعالی طبق نیت یک شخص با او معامله می‌کند- به تعبیر دیگر آیا مقصد یک شخص در انجام دادن اعمال نیک رضای الله تعالی است و یا در نیت او بدست آوردن دنیا و فریب مردم است. به همین دلیل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مثال داده اند، هر شخص که هجرت او بسوی الله تعالی و رسول او باشد، پس هجرت او بسوی الله تعالی و رسول صلی الله علیه و آله به حساب خواهد رفت. در مورد هجرت باید یاد آور شویم که برای مومنینی که در مکه زندگی می‌کردند و تحت شکنجه مشرکین قرار داشتند، از جانب الله دستور داده شد تا شهر مکه مکره را ترک کنند و به سوی مدینه منوره هجرت کنند- دیده میشود که ظاهر هجرت همین چیز بود، ترک خانه و کاشانه بخاطر عبادت الله تعالی و دعوت بسوی دین او، همین اشخاص را ما مهاجر می‌گوییم، اما سبب اصلی این هجرت چه بود؟ سبب ایمان بر الله تعالی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پیروی از حکم و محبت با ایشان بوده است نه چیزی دیگر - در این مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو مثال ارائه کردند، کسیکه بخاطر دنیا و بدست آوردن آن هجرت کرده و دوم، کسیکه برای نکاح زنی هجرت کرده تا آن زن را از آن خود کند، یعنی آنانیکه هجرت شان بر این اساس است هیچ بهره

پی در نزد الله متعال ندارند، رسول الله ﷺ مثال عینی را از کسانی که هجرت شان بخاطر کسب دنیا و بدست آوردن زن است بیان کردند به هر حال در نزد الله تعالی مدار و قبولی اعمال بر نیت است، این را نیز باید دانست، ما توان فیصله در مورد نیتها را نداریم- و حق نداریم تا بر نیت دیگران شک کنیم یا و حق حمله کردن بر نیت دیگران داشته باشیم- چون برای ما معلوم نیست که حال دلها چیست- حال دلها را فقط الله تعالی می داند- حدیث نبوی ﷺ است:

[إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَ أَمْوَالِكُمْ وَ لَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَ أَعْمَالِكُمْ]¹

"بدرستی که الله تعالی به صورت و اموال تان نگاه نمی کند، بلکه او بر دلها و اعمال تان نگاه می کند"

اگر عمل صحیح و نیک باشد پس آن عمل نزد الله تعالی مقبول است- در این مورد احادیث دیگری نیز از آنحضرت ﷺ روایت شده است، چنانچه در جای دیگری فرمودند [مَنْ صَلَّى يُرَائِي فَقَدْ أَشْرَكَ، وَ مَنْ صَامَ يُرَائِي فَقَدْ أَشْرَكَ، وَ مَنْ تَصَدَّقَ يُرَائِي فَقَدْ أَشْرَكَ]²

"هر کس با نمازش ریا کند بر او تعالی شرک ورزیده است، هر کس با روزه گرفتنش ریا کند بر او تعالی شرک ورزیده است، و هر کس در صدقه دادنش ریا کند بر او تعالی شرک ورزیده است"

حالا ببینید نماز اگر چه یک کار نیک است و از ارکان اسلام است و رکن بزرگ اسلام است به همین ترتیب روزه نیز رکن بزرگ اسلام است و صدقه و خیرات نیز کار خیر است اما با وجود این، اگر این چنین اموری از برای رضای الله تعالی نباشد و جهت ریا کاری انجام داده شود و یا از برای این انجام

۱ - صحیح مسلم، کتاب البر و الصله و الاداب، باب تحریم ظلم المسلم و

۲ - مسند احمد/ ۱۶۵۱۷

داده شود که مردم بگویند فلانی شخص دیندار است و یا به کدام مقصد دیگر پس انجام چنین اموری شرک محسوب می‌گردد- و شرک بزرگترین گناه در نزد الله تعالی است، الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾

بیگمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی‌بخشد، ولی گناهان جز آن را از هرکس که خود بخواهد می‌بخشد". شرک به دو نوع است- اول شرک جلی و دوم شرک خفی- شرک جلی آن است که دیده می‌شود مانند سجده کردن به قبر، شرک خفی آنچه پوشیده است و ظاهراً دیده نمی‌شود و محل او در دل وجود دارد- مثلاً شما در نماز سجده می‌کنید و شما احساس می‌کنید کسی شما را می‌بیند و شما سجده خود را قصد آکمی طولانی می‌کنید این یک نوع شرک خفی است- تجزیه این کار را ما به آسانی انجام داده می‌توانیم- مثلاً شما طبق معمول پنج ثانیه سجده می‌کردید و حالا با مشاهد دیگران جهت برانگیختن تحسین شان بر خود، ده ثانیه سجده کردید پس این پنج ثانیه اضافی از برای کی بود؟ یعنی پنج ثانیه اول از برای الله تعالی بود و پنج ثانیه دوم برای غیر خدا! گویا در یک سجده دو مسجود وجود داشته است- یکی الله و دیگری غیر او تعالی که نظاره گر بر نمازتان بوده است- الله تعالی در همه اعمال ما روح خلوص و تقوا را بدمد و بر ما توفیق دهد تا هر عمل ما برای رضای الله تعالی و وسیله فلاح و نجات ما در آخرت باشد.

حدیث

۲

بیان اسلام، ایمان و احسان در روشنی حدیث جبرائیل علیه السلام

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ
وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیغمبرش (محمد) و کتابی که بر پیغمبر نازل کرده است (و قرآن نام دارد) و به کتابهایی که پیش‌تر (از قرآن) نازل نموده است (و هنوز تحریف و نسیان در آنها صورت نگرفته است) ایمان بیاورید.

﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا
وَأَمِنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَمِنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ
الْمُحْسِنِينَ﴾^۲

بر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، گناهی به سبب آنچه (از مسکرات پیش از تحریم و آگاهی از آن) نوشیده‌اند متوجه آنان نیست،

۱ - سوره نساء آیه/ ۱۳۶

۲ - سوره مائده آیه/ ۹۳

اگر (از محرمات) پرهیزند و (بدانچه درباره تحریم نازل شده است) ایمان بیاورند و کارهای شایسته انجام دهند. بعد از آن (هم از محرمات) پرهیزند و (به احکام نازلۀ درباره تحریم) ایمان داشته باشند. سپس (باز هم درجات تقوا را طی کنند و از محرمات) پرهیزند و همه کارهای خود را نیکو کنند، و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد (و هر گروهی از آنان را به اندازه اخلاصی که دارند پاداش می‌دهد).

﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾^۱

عربهای بادیه‌نشین می‌گویند: ایمان آورده‌ایم. بگو: شما ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگویند: تسلیم (ظاهری رسالت تو) شده‌ایم. چرا که ایمان هنوز به دل‌هایتان راه نیافته است (و نور ایمان سراچه قلوبتان را روشن نکرده است).

عن عمر رضی الله عنه قال: بَيْنَمَا نَحْنُ جُلُوسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ طَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ شَدِيدُ بَيَاضِ الثِّيَابِ، شَدِيدُ سَوَادِ الشَّعْرِ، لَا يَرَى عَلَيْهِ أَثَرُ السَّفَرِ، وَلَا يَعْرِفُهُ مِنَّا أَحَدٌ، حَتَّى جَلَسَ إِلَى النَّبِيِّ فَأَسْنَدَ رُكْبَتَيْهِ إِلَى رُكْبَتَيْهِ، وَوَضَعَ كَفَيْهِ عَلَى فَخْذَيْهِ.

قال: يَا مُحَمَّدُ، أَخْبَرَنِي عَنِ الْإِسْلَامِ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْإِسْلَامُ أَنْ تَشْهَدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَتَقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَصُومَ رَمَضَانَ، وَتَحُجَّ الْبَيْتَ إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَيْهِ سَبِيلًا.
قال: صَدَقْتَ.

قال: فَعَجِبْنَا لَهُ، يَسْأَلُهُ وَيُصَدِّقُهُ.

قال: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِيمَانِ.

قال: أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ،
وَتُؤْمِنَ بِالْقَدَرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ.

قال: صَدَقْتَ.

قال: فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْإِحْسَانِ؟

قال: أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ.

قال: فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّاعَةِ.

قال: مَا الْمَسْئُولُ عَنْهَا بِأَعْلَمَ مِنَ السَّائِلِ.

قال: فَأَخْبِرْنِي عَنْ أَمَارَاتِهَا.

قال: أَنْ تَلِدَ الْأُمَةُ رَبَّتَهَا، وَأَنْ تَرَى الْحَفَاةَ الْعُرَاةَ الْعَالَةَ رِعَاءَ

الشَّاءِ، يَتَطَاوَلُونَ فِي الْبُنْيَانِ.

قال: ثُمَّ أَنْطَلِقُ، فَلَبِثْتُ مَلِيًّا.

ثُمَّ قَالَ لِي: يَا عَمْرُؤُ، أَتَدْرِي مِنَ السَّائِلِ؟

قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ.

قال: فَإِنَّهُ جِبْرِيلُ أَتَاكُمْ يُعَلِّمُكُمْ دِينَكُمْ.^۱

از عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ روایت شده است که گفت: (روزی ما نزد پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم نشستیم، مردی بر ما وارد شد که جامه او کاملاً سفید بود، و موهای سرش بسیار سیاه، کسی از ما او را نمی شناخت، و هیچ اثر سفر بر او نبود که بگوییم از جایی دور آمده است، تا این که نزد پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم نشست و دوزانوی خود را به دوزانوی پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم چسپاند، و دودستش را بر دوران

آن حضرت ﷺ نهاد و گفت: ای محمد ﷺ مرا از اسلام خبر ده. حضرت پیامبر اکرم ﷺ در پاسخ فرمود: اسلام عبارت است از این که گواهی دهی و یقین داشته باشی، معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، و اینکه محمد ﷺ فرستاده خداست، و نماز را برپا بداری، و زکات بدهی، و روزه [ماه مبارک] رمضان بگیری، و حج خانه خدا کنی، اگر توانایی بدنی و مالی و توشه راه و وسیله‌ای برای سفر داشته باشی. آن مرد گفت: راست گفتی. ما به شگفت آمدم که از حضرت رسول اکرم ﷺ سؤال می‌کند [در حالی که سؤال، علامت ندانستن است] و تصدیق می‌نماید [در حالی که تصدیق نشانه دانستن است].

سپس گفت: پس مرا از ایمان خبر ده، حضرت پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ایمان عبارت است از این که به یگانگی خدا ایمان بیاوری [در ذات و صفات و افعالش که هیچ شریکی ندارد]، و به فرشتگان خدا ایمان بیاوری [که پیام‌رسانان بین خدا و پیامبران هستند]، و به پیامبران خدا ایمان بیاوری [که برای راهنمایی بشر فرستاده شده‌اند]، و به روز قیامت ایمان بیاوری [و آنچه شامل آن می‌شود، از جزای اعمال و حساب و بهشت و دوزخ]، و به سرنوشت [یعنی تقدیر] ایمان بیاوری، و به خیر و شر آن ایمان بیاوری. آن مرد گفت: راست گفتی.

گفت: مرا از احسان و نیکوکاری خبر ده. فرمود: نیکوکاری عبارت است از اینکه چنان خدا را بندگی کنی گویا او را می‌بینی، و اگر تو او را نمی‌بینی، یقین بدار که او تو را می‌بیند.

گفت: مرا از روز قیامت خبر ده. فرمود: [در این مسئله] پرسیده شده دانتر از پرسنده نیست. آن مرد گفت: پس مرا از نشانه‌های قیامت باخبر ساز. فرمود: آنکه کنیز آقایش را بزاید [یعنی مادران را خوار و حقیر شمارند و خود را آقای مادر بدانند]، و آنکه پا و تن برهنگان بینوا و چوپان گوسفندان را ببینی که به برافراشتن کاخ [و زیاده روی در ساختمان] پردازند. پس آن مرد رفت، و من

چندی نشستیم، و آن حضرت علیه السلام فرمود: ای عمر، می دانی که سؤال کننده چه کسی بود؟ گفتم: خدا و رسول خدا بهتر دانند. فرمود: او جبرئیل علیه السلام بود، که آمده بود [تا با پرسش و پاسخ کردنش] دینتان را به شما بیاموزاند).

حدیث مشهور به حدیث جبریل است این حدیث را "ام السنه" نیز میگویند و در میان احادیث جایگاه اش مانند جایگاه سوره فاتحه در بین دیگر سوره های قرآن کریم است در تشریح این حدیث باید گفت که تعلق اسلام به ظاهر اعمال یک انسان است (یعنی پنج رکن اسلام را بجای آوردن)، و تعلق ایمان ارتباط به یقین قلبی یک انسان است (یعنی انسان مومن باید از ته دل تصدیق کند و ایمان بر الله تعالی، فرشتگان، کتب آسمانی، پیامبران، روز آخرت و ایمان به تقدیر [خیر و شر] از سوی الله تعالی بیاورد)، باید گفت "اسلام" به زندگی دنیا عنایت خاص نموده است و "ایمان" به آخرت تعلق دارد، برای پی بردن به ایمان شخص مسلمان باید دانست که مدار مسلمانی بر اساس اسلام است نه ایمان، بخاطر آنکه ایمان یک حقیقت قلبی است، ما فیصله ایمان و مومن بودن یک انسان را در این دنیا کرده نمی توانیم. این را نیز باید بدانیم خواهان نیل به درجات عالی و معنوی است، باید تقاضاهای ایمانی که قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعریف نمودند را در خود پیاده کند. باید دانست با اظهار کلمه شهادت از نقطه نظر قانونی، انسان در دایره اسلام قرار میگیرد.

مفهوم "احسان" یعنی انسان با دل و جان و با توجه کامل باید فرایض را انجام داده و از نواهی خودداری نماید و بر ادای عبادات نفلی توجه خاص نشان دهد، در چنین حالتی انسان به درجه احسان می رسد - به همین خاطر من اصطلاح "احسان اسلام" و یا "سلوک محمدی صلی الله علیه و آله و سلم" را استفاده نموده ام. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است که "احسان" این است که بندگی الله تعالی را به گونه یی انجام دهی گویا خدا را می بینی و اگر تو خدا را دیده نمی توانی خدا تو

را می بیند، یا به تعبیری دیگر بالاترین درجه احسان این است که احساس کنی الله را می بینی و پائین ترین درجه ایمان آن است باور داشته باشی او تو را می بیند، و این بالاترین جایگاه ایمان به غیب است، حال به این نتیجه رسیدیم که ایمان اگر تنها به اقرار زبانی باشد این اسلام است، اگر در دل داخل شود مفهوم "ایمان" مصداق پیدا می کند و اگر در عمق دل داخل شود، آنگاه به درجه "احسان" می رسد. همچنان از این حدیث ثابت می شود که علم وقوع قیامت فقط نزد الله تعالی است و وظیفه حضرت پیامبر اکرم ﷺ دعوت و اقامت دین است. در مورد علایم قیامت چند علامت را آن حضرت ﷺ به بیان گرفته اند. اولاد در مقابل والدین به حدی سرکشی می کنند که او گویا حاکم والدین خود است یعنی والدین از اولاد می ترسند، این حالت در زندگی امروزی ما آشکار است.

علامت دیگر قیامت این است، که انسان های پابرهنه، جان برهنه و بی نهایت مفلس و چوپان در اعمار ساختمان های بزرگ با یکدیگر رقابت می کنند، چیزی که امروزه نمونه آن در دنیا عرب مشاهده می گردد و بسیار آسانی دیده می شود، شصت و یا هفتاد سال قبل از امروز در جهان عرب هیچ اثری از پیشرفت ها و ساختمان سازی ها وجود نداشت، اما می بینیم که چگونه در حال رقابت بر سر اعمار بلند منزل ها هستند به گونه ای که حتی جهان غرب در برابرشان احساس عقب ماندگی می کنند.

حدیث

۳

ارکان اسلام

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾^۱

در حالی که جز این بدیشان دستور داده نشده است که مخلصانه و حقگرایانه
خدای را بپرستند و تنها شریعت او را آئین (خود) بدانند، و نماز را چنان که باید
بخوانند، و زکات را (به تمام و کمال) بپردازند. آئین راستین و ارزشمند این است و بس.

عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ:
سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ:
شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ
الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَحَجِّ الْبَيْتِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ^۲

۱ - سوره بینه آیه/ ۵

۲ - صحیح البخاری، کتاب الایمان، باب بنی الاسلام علی خمس - و صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب
بیان ارکان الاسلام

ارکانِ اسلام | ۴۱

از ابو عبد الرحمن (ابو عبد الرحمن کنیه عبدالله پسر امیر المؤمنین عمر بن خطاب است) رضی الله عنه، روایت شده است که گفت: شنیدم که فرستاده برحق خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: اسلام بر پنج قاعده بنا شده است: گواهی دادن به آنکه معبودی بحق جز خدای یکتا نیست، گواهی به آنکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست، بر پا داشتن نماز، دادن زکات، حج خانه خدا، و روزه گرفتن در (ماه مبارک) رمضان.

در تشریح این حدیث باید گفت، این حدیث متفق علیه است یعنی در کتاب (صحیح بخاری و صحیح مسلم) که این دورا "صحیحین" نیز می گویند ذکر گردیده است. و هر حدیثی که در آن امام بخاری و امام مسلم اتفاق داشته باشند آن حدیث از حیث سند به قرآن کریم بسیار نزدیک می شود. گویا مانند قرآن کریم قطعی الثبوت است و از حیث یقین جایگاه بس بالایی بر خود میگیرد.

ارکانِ اسلام کُلِ اسلام نیست

در مورد این حدیث بعضی مردم در غلط فهمی افتاده اند، آنان ارکان اسلام را اینگونه تعبیر کرده اند که گویا ارکانِ اسلام تمام اسلام است - حال آنکه جمله اول حدیث این تصور را رد می کند و بیان می کند که اساس اسلام بر این پنج چیز است - واضح است که "اساس" یک چیز و عمارت چیزی دیگر است، لهذا ارکانِ اسلام همه اسلام نیست، بلکه در اسلام مسایل مهم و بسیار اساسی دیگری وجود دارد که باید بر آن عمل شود، تا بتوان به عنوان مسلمان کامل در نزد پروردگار محسوب گردیم، یکی از آن مسایل اقامه دین خدا بر روی زمین است که وظیفه هر مسلمان است تا در این راه تلاش پیوسته و خستگی ناپذیر داشته باشد.

هدف از خلقت انسان: عبادت پروردگار

در قرآن کریم هدف از خلقت انسان اینگونه تعریف شده است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

«من پریها و انسانها را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام».

مقصد خلقت انسانیت عبادت الهی است، و همه انبیاء کرام ﷺ به همین چیز بشریت را دعوت نمودند.

مفهوم جامع عبادت

حالا فهم این موضوع ضروری است که مفهوم "عبادت" چیست؟ لفظ عبادت از عبد استخراج شده است، عبد غلام را می‌گویند و غلام ملکیت آقا می‌باشد، کارگر نیست، کارگر تنها چند ساعت کار می‌کند بعد از کار فارغ می‌شود و هر چه بخواهد می‌انجام می‌دهد و هر جا بخواهد می‌رود- مگر حیثیت غلام کاملاً متفاوت است- غلام حق پسند و ناپسند را ندارد و نه صاحب کدام ملکیت است، چراکه غلام خودش مملوک است- غلام صرف به دستور بادار خود عمل می‌کند و از خود هیچ نوع اختیاری ندارد- تعامل انسان در مقابل امر پروردگار به این مفهوم می‌باشد، که الله تعالی (آقای ما است) تصور اطاعت در عبدیت (غلامی) هر وقت چنین تصویری در ذهن ما باشد. این را بندگی می‌گویند- شیخ سعدی رحمه الله تعبیر از بندگی را چنین بیان می‌کند:

زندگی آمد برای بندگی زندگی بی بندگی شرمندگی!

یعنی زندگی برای بندگی به الله تعالی است، اگر در زندگی بندگی نباشد پس آن زندگی در حقیقت چیزی جز شرمندگی نیست. یک نکته باید بخاطر داشته

باشیم که در بندگی باید جذبه محبت وجود داشته باشد تا مقام اصلی عبادت بدست آید.

اهمیت ارکان اسلام

کلمه شهادت، اساس داخل شدن در اسلام

اساس داخل شدن در اسلام کلمه شهادت است که رکن اول اسلام است. اگر بالای چهار ارکان اسلام انسان عمل نکند کافر نمی شود، اما از انکار آنان کافر می شود- برای شامل شدن در اسلام همین کافی است که کلمه شهادت را بر زبان آوریم- اگر کدام کسی نزد ما آمد و گفت: "اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله" پس ما گفته نمی توانیم که او مسلمان نیست، اگر چه حالت و شرایط گواه بر آن باشد که او از دل کلمه شهادت را نمی گوید، با وجود این هم ما گفته نمی توانیم که آن مسلمان نیست- در قرآن کریم نیز الله تعالی فرموده است که هر کس اسلام را اظهار کند پس تو برایش نگو که مومن نیستی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا﴾ "ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که (برای جهاد) در راه خدا به مسافرت رفتید تحقیق کنید (که با چه کسانی می جنگید. آیا مسلمانند یا کافر) و به کسی که به شما سلام کرد (و سلام نشانه پذیرش اسلام است) مگویید تو مومن نیستی".

اقامه نماز

برای اینکه مقام عالی عبادت دست پیدا کنیم و جذبه بندگی و پرستش الله تعالی را تازه نگهداریم چهار عبادات برای ما فرض گردیده است، که در واقع

چهار رکن اسلام را تشکیل می‌دهد- که از میان آنان، مقدم‌ترین و مهم‌ترین اقامه نماز است- نماز برای این در روز پنج مرتبه فرض گردیده است تا انسان مقصد خلقت خود را که "عبادت رب" است فراموش نکند- به همین دلیل در هر رکعت از نمازها سوره "فاتحه" خوانده می‌شود که دارای هفت آیه است (این سوره را "سبع مثانی" یعنی آیات که تکرار را تلاوت می‌شود نیز می‌گویند). آیه مرکزی این سوره (ایاک نعبد و ایاک نستعین) است. حفیظ جالندهری چقدر زیبا فرموده:

سرکشی نے کر دیے دھندلے نقوش بندگی

آو سجدے میں گریں ، لوح جیس تازہ کریں

ترجمه: سرکشی (گناه و معصیت یعنی نافرمانی الله تعالی و حضرت پیامبر اکرم ﷺ) نقوش بندگی را از پیشانی ما شسته و پاک کرده است، بیائید در سجده بیفتیم و با خواندن نماز لوح پیشانی را تازه کنیم. پس برای نگهداشتن نقوش بندگی در پیشانی نماز مهم‌ترین ذریعه است.

روزه رمضان

دوم اینکه در شما نفس حیوانی نیز موجود است، و خواهشات نفس نیز حیوانی است- در بین غرایز نفسانی دو چیز حیاتی است (۱) غریزه خوردن و نوشیدن (۲) غریزه جنسی و شهوت- برای برقراری و استمرار زندگی خوراک از ضروریات است و الله متعال این غریزه را در انسان بسیار قوی خلق نموده است، و برای بقای نسل بشر غریزه شهوت را در انسان به بالاترین حد ممکن انسان به ودیعه نهاده است - این دو غریزه بسیار قوی است و هنگامیکه انسان گرسنه می‌شود شکم می‌گوید در من چیزی بیانداز خواه حلال باشد و یا حرام

و به همین ترتیب هنگامیکه غریزه شهوت شعله ور می شود در پی اشباع بر می آید و راه برای تسکین خود را می طلبد خواه از طریق حلال باشد و یا حرام- وجود حیوانی ما انسانها مانند اسب است و وجود روحانی و حقیقی بر آن سوار است- اگر اسب قدرتمند باشد و سوار آن ضعیف باشد، آنگاه است که اسب با سواری خود هرکاری بخواهد انجام می دهد، بناءً بر سوارکار لازم است تا با روحیه تقوا حیات روحانی خود را تقویت نماید تا بر غرایز شکم و شهوت کنترل حاصل کند، برای رسیدن به هدف و پیروزی در میدان شهوت و کشش نفسانی، روزه بر انسان مومن فرض گردیده است- چراکه عبادت روزه اوج طغیان و طوفان شهوات در هم می شکند، حتی با ادای این فریضه الهی انسان با منکوحه خود نیز میل به نزدیک شدن ندارد، یکی دیگر از حکمت روزه همانا این است تا اسب قدرتمند شهوات بوسیله تقوا که مهمترین فلسفه روزه است لجام زده شود و تحت کنترل قرار گرفته و از یک نوع توازن برخوردار شود.

پرداخت زکات

این یک حقیقت است که انسان مال را زیاد دوست دارد (وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ)^۱ "و او علاقه شدیدی به دارائی و اموال دارد" برای زندگی دنیوی تا حد ضرورت انسان باید امکانات و پول داشته باشد، اما انسان از این هدف گاهی اوقات دچار غفلت شده و به پرستش دنیا روی می آورد، به گونه ای که فرق بین حلال و حرام برایش دشوار میگردد، صبح و شام به فکر جمع کردن دنیا است، و لو که جمع آوری مال دنیا با ظلم و ستم بر دیگران باشد، برای جلوگیری از یک چنین حالتی، یکی از راه کارهای سازنده از دید اسلام عزیز نظام زکات است، تا با پرداخت مال خود فقط بخاطر دستور پروردگار

مقداری مشخص از مال خود به نیازمندان صرف نماید- این را باید دانست که تنها با دادن زکات انسان مومن از مسؤولیت مالی خلاص نمی‌شود، چنانچه در حدیث نبوی ﷺ به این نکته ارشاد شده است: (اَنَّ فِي الْمَالِ لِحَقًّا سَوَى الزَّكَاةِ) (سنن الترمذی: ابواب الزکوة، باب ما جاء ان فی المال حقاً سوا الزکوة).
 "بدون از زکات در مال شما (برای غریب‌ها) حق است"

که در اصطلاح فقها این نوع حق مالی را "صدقات نفلی" می‌گویند- زکات چون فرض است، بطور علنی داده می‌شود، اما پرداخت صدقات نافله باید با کمال رازداری و پنهانی داده شود، و یا به تعبیر حدیث شریف، وقتی دست راست می‌دهد دست چپش خبر نشود تا از خطر ریا و تظاهر در امان بماند.

حج بیت الله

آخرین رکن از ارکان پنجگانه اسلام حج است، در حج حکمت‌های سه عبادت جمع گردیده است- حج ذکر و یاد الهی را به همراه دارد، چنانچه تلبیه یکی از شعائر آن است که با آواز بلند باید گفته شود، در انجام طواف نیز ذکر خدای تعالی را باید حاجی داشته باشد، و به همین ترتیب در دیگر مناسک حج باید هریک همراه با ذکر او تعالی انجام پذیرد که از این ناحیه شباهت بسیار زیادی با فریضه نماز دارد، به مجردیکه حاجی احرام می‌بندد، خیلی از اشیای حلال بر وی منع می‌گردد و نباید به آنها نزدیک گردد، که از این ناحیه (ممنوعات) شباهت زیادی با فریضه روزه دارد، و نباید فراموش کرد که یکی از اسباب فریضه حج توانایی مالی است، یعنی باید برای زیارت بیت المال پول خرج کرد و این مصرف فقط بخاطر الله تعالی باشد، که از این جهت زیارت بیت الله شباهت نزدیک با فریضه زکات دارد، پس میتوانیم بگوئیم که حج جامعترین عبادت در اسلام است، و بخاطر زحمات و مشقاتی

که در این عبادت است، در حدیث شریف گفته شده، هرکس حج کند و در آن از ممنوعات دوری کرده باشد، چنان بر می گردد که گویا تازه از مادر متولد شده باشد (یعنی از گناهان پاک میگردد).

حدیث



ارزش کارها به خاتمه آنهاست

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ﴾^۱

ما انسان را از عصاره‌ای از گِل آفریده‌ایم.

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ﴾^۲

سپس او را به صورت نطفه‌ای در آورده و در قرارگاه استوار (رحم مادر) جای

می‌دهیم.

﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا

فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾^۳

سپس نطفه را به صورت لخته خونی، و این لخته خون را به شکل قطعه

گوشت جویده‌ای، و این تکه گوشت جویده را بسان استخوانهای ضعیفی

در می‌آوریم، و بعد بر استخوانها گوشت می‌پوشانیم، و از آن پس او را آفرینش

تازه‌ای بخشیده و (با دمیدن جان به کالبدش) پدیده دیگری خواهیم کرد. والا

مقام و مبارک یزدان است که بهترین اندازه‌گیرندگان و سازندگان است.

۱ - سوره مومنون آیه/ ۱۲

۲ - سوره مومنون آیه/ ۱۳

۳ - سوره مومنون آیه/ ۱۴

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ﴾^۱

بعد از آن (که مدّت روزگاری بر این کره خاکی زندگی کردید) شما خواهید مرد.

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ﴾^۲

سپس (به دنبال سپری شدن دوره حیات مردمان) شما در روز قیامت دوباره زنده خواهید گردید (و به حساب عمرتان رسیدگی می شود).

عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رضی الله عنه قَالَ: حَدَّثَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، وَهُوَ الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ: «إِنَّ أَحَدَكُمْ يَجْمَعُ خَلْقَهُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نُطْفَةً، ثُمَّ يَكُونُ عَلَقَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يَكُونُ مُضْغَةً مِثْلَ ذَلِكَ، ثُمَّ يُرْسَلُ إِلَيْهِ الْمَلَكُ فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ، وَيُؤَمَّرُ بِأَرْبَعِ كَلِمَاتٍ: بِكُتُبِ رِزْقِهِ وَأَجَلِهِ وَعَمَلِهِ وَشَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ فَوَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ، إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَتَّى مَا يَكُونَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ، فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ فَيَدْخُلُهَا، وَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ حَتَّى مَا يَكُونَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ، فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ، فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُهَا»^۳

از ابی عبدالرحمن عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر راستگو

۱ - سوره مومنون آیه/ ۱۵

۲ - سوره مومنون آیه/ ۱۶

۳ - (صحیح البخاری، کتاب احادیث الانبیاء، باب خلق آدم و ذریته - و صحیح مسلم، کتاب القدر

و راستگو دانسته شده ﷺ به ما خبر داد که: در حقیقت، خلقت یکی از شما در شکم مادرش چنین انجام می‌گیرد: چهل روز به حالت نطفه است، پس از آن، به قدر همان زمان و مدت [یعنی چهل روز طول می‌کشد که] به پاره خونی تبدیل می‌شود، سپس به اندازه همان مدت و زمان به پاره گوشتی تبدیل می‌شود، سپس خدای تعالی به سوی او فرشته می‌فرستد تا روح در آن بدمد و فرشته به نوشتن چهار کلمه مأمور است: روزیش، مدت عمرش، کردار و رفتارش، و اینکه بدبخت یا نیکبخت است. پس سوگند به خدای که هیچ معبود بحقی غیر او نیست، همانا یکی از شما به کردار و رفتار اهل بهشت می‌پردازد تا آنکه میان او و رسیدن به بهشت، فاصله‌ای نمی‌ماند مگر یک ذرع [حدود یک متر]. در آن هنگام، سرنوشت و فرجام کردارش بر او پیشی می‌گیرد و به عمل مردم دوزخی می‌پردازد و پایان بد، سبب رفتنش به دوزخ می‌گردد، و همانا یکی از شما به کردار و رفتار اهل دوزخ می‌پردازد تا آنکه میان او و رسیدن به دوزخ، فاصله‌ای نمی‌ماند مگر یک ذرع. در آن هنگام، سرنوشت بر او پیشی می‌گیرد و به کردار بهشتیان و فرجام نیک می‌پردازد و سبب رفتنش به بهشت می‌شود.

روایت الفاظ "و هو الصادق المصدوق" توسط حضرت عبدالله بن مسعود استفاده شده است! بخاطریکه در این روایت یک نوع سخن جدید می‌آید که در آن زمان از سطح ذهن و معلومات مادی مردم قابل فهم نبود- لهذا پیش از روایت حدیث بطور خاص تاکید می‌کند تا به یاد داشته باشید که گوینده سخن یعنی پیامبر اکرم ﷺ راستگو اند و الله تعالی صداقت او را تصدیق کرده است- خلقت انسان از روح که عالم امر است و از جسم که از عالم خلق است آفریده شده است- در عالم خلق برای خلقت ماده و زمان ضروری است اما در عالم ارواح هر چیزی که صورت می‌گیرد به زمان و ماده وابستگی

ندارد- گفته می‌توانیم که انسان یک موجود مرکب است که از دو بعد تشکیل شده است، بعد مادی و دیگر بعد معنوی، و اینکه انسان مسجود ملایکه قرار میگیرد بخاطر همان روحانیتی است که در او قرار داده شده و الایجنیات که خلقت شان از ماده آتش و آتش به ذات خود برتر از خاک است، به مقام انسان نرسیدند - اما ابلیس در مورد روح ربانی که در انسان دمیده شده است و سبب عظمت آدم گردیده و بخاطر آن در نزد الله متعال شرف حاصل نموده است چیزی نمی‌داند، الله تعالی روح انسانی را به خود منسوب نموده است. ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾

"پس آن گاه که او را آراسته و پیراسته کردم و از روح متعلق به خود در او دمیدم. (برای بزرگداشت و درودش) در برابرش به سجده افتید"

همچنان در سوره مبارکه حشر پیرامون این موضوع الله تعالی می‌فرماید ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؟ و همسان کسانی نباشید که خدا را از یاد بردند، و خدا هم خودشان را از یاد خودشان برد! آنان بیرون روندگان (از حدود شرائع الهی) و خارج شوندگان (از دایره ایمان) هستند. امروزه انسانیت از عظمت مقام خویش در غفلت است. این حقیقت که ما مسجود ملایک هستیم، را نباید فراموش کنیم، اما متأسفانه در سده اخیر افکار شیطانی یک عده از انسان‌های شیطان صفت مانند داروین و دیگر فیلسوفان جهان غرب ضربه مهلکی بر پیکر بشریت وارد نمودند، آنان ادعا می‌کنند که نژاد انسانها از حیوانات است، یعنی موجودی بدون روح و تک محور که زندگی اش بر محور مادیات دور می‌زند و بس. و بدبختانه دیده میشود که یک عده از مسلمانان نیز این فکر غلط را پذیرفته اند. منظور از "روح" در

حدیث شریف جان نیست بخاطریکه تعلق جان با جسم و عالم مادی است و این جان در حیوانات نیز است، منظور از "روح" روحی است که از عالم امر از جانب الله متعال در انسان دمیده شده است و آن "نور" است، و ارواح همه انسانها از زمان آدم ﷺ تا آخر دنیا همه در یک زمان خلق شده است، ماده خلقت ارواح انسانی و ملائکه "نور" است. در مورد تقدیر باید تذکر داد که مسئله تقدیر را فهمیده می‌توانیم، اما بیان کرده نمی‌توانیم و اگر در مورد آن به بحث مجادله پردازیم مورد مغالطه قرار خواهد گرفت، به همین دلیل اسلام عزیز ما را رهنمایی نموده است که آنچه مربوط تقدیر است و از حوزه درک ما بیرون است باید به آن ایمان داشته و از علت آن پرسان نکنیم - تفکر در ذات باری تعالی از دیدگاه شریعت ممنوع است چراکه، ذات او تعالی از کنه فکر و عقل ما بالاتر و برتر است و علت دیگر نهی از این کار این است تا دچار فتنه نشویم - اما در مورد نعمات او تعالی حق تفکر و تدبیر برای ما داده شده است - ایمان به قضا و قدر جزء لا ینفک از ایمان انسان مومن است، و بدون آن ایمان کامل نمی‌شود؛ و همچنان باید توجه داشت که مباحثه پیرامون قضاء و قدر از جمله مسائل ممنوعه در دین می - او تعالی برای هر چیزاندازه لازم مقرر نموده است - نقش ایمان به قضاء و قدر در زندگی بسیار موثر است، به گونه ایکه داشتن ایمان به این موضوع سبب آرامش در زندگی خواهد - تعلق بنده با الله تعالی باید بر بنیاد تسلیم و رضا باشد - یعنی به تقدیر الله تعالی راضی باشد و هیچگاه زبان شکایت را از الله تعالی نگشاید، و این کیفیت را "نفس مطمئنه" می‌گویند. هر کس بر الله تعالی و علم قدیم او تعالی ایمان داشته باشد میتواند از میدان مشکلات و مصائب کامیاب و موفق بیرون آید. تقاضای ایمان به قضاء و قدر این است که بغیر اجازه الله تعالی و توفیق الله تعالی هیچ چیزی به انجام نمی‌رسد. در اخیر باید تذکر داد که مدار اعمال انسان بر

ارزش کارها به خاتمه آنهاست | ۵۳

خاتمه کار اوست و او تعالی بر اساس خاتمه با بندگان فیصله می‌کند، لهذا ضروری است که تقوای الله تعالی همیشه در دل انسان زنده باشد، و همواره باخوف و رجاء بسر برد، و بر انجام کارهای نیک اش مغرور نگردد.

ه حدیث

ابطال منکرات و بدعت‌ها

﴿وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾^۱

پیروان اورهبانیت سختی را پدید آوردند که ما آن را بر آنان واجب نکرده بودیم، ولیکن خودشان آن را برای بدست آوردن خوشنودی خدا پدید آورده بودند (و بر خویشان نذر و واجب نموده بودند). اما آنان چنانکه باید آن را مراعات نکردند. ما به کسانی که از ایشان (به محمد) ایمان آوردند پاداش درخورشان را دادیم، ولی بیشترشان (از راه راست منحرف و) خارج شدند (و سزای اعمال بد خود را دیدند).

عَنْ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ أُمِّ عَبْدِ اللَّهِ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ). رواه البخاري ومسلم. وفي رواية لمسلم: (مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُوَ رَدٌّ)^۲

۱ - سوره حدید آیه ۲۵

۲ - صحیح مسلم، کتاب الافضیه، باب نقض الاحکام الباطله و رد محدثات الامور

ام المؤمنین که پیغمبر کنیه‌اش را ام عبدالله قرار داد و نام او عایشه صدیقہ رضی اللہ عنہا است، گفت: رسول اللہ ﷺ فرمود: کسی که چیز تازه و با بدعتی در دین ما (اسلام) آورد، آنچه از این دین نیست پس آن بدعت بر خودش برگردانده می‌شود و به دین نمی‌چسبد، چنانکه در صحیح بخاری و مسلم است، و در روایتی از مسلم چنین آمده است: کسی که کاری کند که برابر دستور ما نیست، پس آن کاری است مردود.

بدعت از "بدع" گرفته شده است یعنی چیزی را نو آفریدن و پدیدار کردن - در اصطلاح بدعت چیزی را گویند که در بخش عبادات برای کسب ثواب ایجاد کنند و در کتاب و سنت نبوی ﷺ نباشد - لفظ "محدث" که در حدیث شریف به کار رفته به چیزی گفته می‌شود، نو و تازه باشد و در هیچ جای کتاب و سنت موجود نباشد. این را باید ما بدانیم که ابتکارات و اختراعات سائنسی بدعت نیست. آموزه‌های دین مبین اسلام ما متوجه ساخته تا دچار غلو و بدعت در دین نشویم چراکه بدعت‌ها و غلو بی حد و اندازه در حق اشخاص سبب ویرانی و انحراف دین از آموزه‌هایش خواهد شد، چنانچه مسیحیان در دوستی حضرت مسیح ﷺ غلو نموده و بجای رسیدند که سیدنا عیسی را فرزند خدا معرفی کردند، و متأسفانه دچار شرک به اللہ تعالی شدند. باید دانست بدعت یکی از راه‌های منتهی به رهبانیت است. بدعت روح عبادت را از بین برده و چهره آن را مسخ می‌کند، و از دیگر آثار ویرانگر بدعت این است، آنجا که قد علم و در زدودن آن اقدام صورت نگیرد به مرور زمان جای سنت نبوی ﷺ را اشغال می‌کند. اخیراً باید گفت آنحضرت در بیشتر خطبه‌های شان این هشدار میدادند: [وَشَرُّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا، وَكُلُّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ، وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ]۱

"بدترین کارها امور نو پیدا (در دین) است، و هر پدیده نو پیدا در دین بدعت است، و هر بدعت گمراهی است و نتیجه گمراهی در آتش جهنم رفتن است".

حدیث ۶

حلال و حرام واضح اند

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾

به پیغمبران گفته ایم تا به پیروان خود برسانند. گفته ایم ای پیغمبران! از غذاهای حلال بخورید و کارهای شایسته بکنید، بی گمان من از آنچه انجام می دهید بس آگاهم.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید! از چیزهای پاکیزه ای بخورید که روزی شما ساخته ایم.

عن أبي عبد الله النُّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ رضی اللہ عنہ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم يَقُولُ: إِنَّ الْحَلَالَ بَيْنَ وَبَيْنَ الْحَرَامِ بَيِّنٌ، وَبَيْنَهُمَا أُمُورٌ مُّشْتَبِهَاتٌ لَا يَعْلَمُهُنَّ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ

فَقَدْ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعِرْضِهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي
الْحَرَامِ، كَالرَّاعِي يَرْعَى حَوْلَ الْحِمَى يُوشِكُ أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ، أَلَا
وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، أَلَا وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ، أَلَا وَإِنَّ فِي
الْجَسَدِ مُضْغَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، وَإِذَا فَسَدَتْ
فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ، أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ^۱

"روایت است از ابی عبدالله نعمان بن بشیر رضی الله عنه که گفت: شنیدم که رسول
الله صلی الله علیه و آله می فرمود: محققاً حلال روشن و آشکار است، و محققاً حرام روشن و
واضح است، و در میان حلال و حرام کارهایی است که به گونه ای شباهت به
حلال یا حرام دارد و این کارهای همانند را بسیاری از مردم نمی دانند، پس کسی
که خود را از همانند ها نگه داشت، به حقیقت از شک و شبهه دور گشته و دین
و ناموس خود را حفظ کرده است، و کسی که در شک ها و گمان ها افتاد و از
آنها پرهیز نکرد، در حرام می افتد؛ مانند چوپانی که شتران خود را در اطراف
مکان حفاظت شده برای چرا آزاد می گذارد و در این حال، به چرا کردن در آن
حریم نزدیک می شود. هان! بدانید که هر شاهی، حریمی دارد که مخصوص
خود اوست. آگاه باشید که به یقین منطقه ای که خدا منع فرموده، از محرمات
است. آگاه باشید که در بدن آدمی پاره گوشتی است که هر زمان به صلاح آمد
و شایسته شد، تمام بدن شایسته می گردد، و هر زمان آن پاره گوشت، فاسد شد
همه بدن به تباهی می رود. بدانید که آن پاره گوشت، قلب و دل آدمی است"

شرح حدیث:

خواسته تقوا این است که ما از مشتبهات (چیزی های مشکوک و یا چیزی
که دل ما گواهی بدهد که این کار غلط است) پرهیزیم و به تعبیر دیگر گفته

۱ - صحیح البخاری، کتاب الایمان، باب فقل من استبرا لدينه - و صحیح مسلم، کتاب المساقاه، باب اخذ
الحلال وترك الشبهات

می توانیم آنچه در دل ما سبب شک و شبهه ایجاد نماید، باید از آن پرهیزیم. باید دانست، در دلی که ایمان حقیقی باشد آن دل توان فیصله بین خوب و بد را دارا می باشد و چنین دلی منبع صدور فتوا است، اما به یاد داشته باشیم که ایمان حقیقی شرط لازم آن است یعنی با نور ایمان به الله تعالی آن دل مزین شده باشد.

در مورد استقامت و رعایت تقوا و دوری از شبهات داستان جالب و پند آمیزی از شخصیت نام آور مسلمان، نور الدین زنگی رحمته الله علیه را برای تان بازگو میکنم، - مسیحیان حدود هشتاد و هشت سال بیت المقدس را در اختیار داشتند، صلاح الدین ایوبی رحمته الله علیه از دوستان نورالدین زنگی و سرباز او بود و کسی بود که بیت المقدس را از سلطه مسیحیان آزاد کرد- می گویند پسر نورالدین زنگی رحمته الله علیه شدیداً مریض می شود- و تلاش های پدرش برای بهبود و علاجش نتیجه یی نداد، نهایتاً اطبا گفتند تنها یک راه برای علاج فرزندت وجود دارد! و آن اینکه باید به وی شراب بنوشانی و چون علاجش در این ماده می باشد؛ سلطان نور الدین زنگی گفت: معاذ الله! من برای پسر خود اجازه بدهم تا از ماده و نوشیدنی حرام را بنوشد! اطباء در جوابش گفتند که در این مورد فتوای علما وجود دارد، انسان می تواند برای نجات جان در حالی که مضطر باشد استفاده کند، این سخن اطباء تسلی خاطر سلطان نشد و فوراً چهار مکتوب برای چهار مکتب از مکاتب فکری علمای موجود در عصرش فرستاد تا در این مورد به وضاحت بهتری دست پیدا کند، این نمونه یی از یک شهزاده با تقوا است، اولاد برای هر کس عزیز است، اما تقوای نور الدین زنگی را ملاحظه کنید که حتی بعد از حاصل نمود فتوا تسلی او نشد و آرام نگرفت و دل او ناآرام بود- علمایی که فتوای روا بودن شراب را برای پسر او داده بودند را نزد خود خواست و گفت: اگر طبق مشیت الله تعالی اجل فرزندم رسیده باشد آیا شراب او را نجات داده

می‌تواند؟ علماء در جوابش گفتند: هرگز! دوباره سوال کرد که: اگر الله تعالی برای پسر من از صحتندی برخوردار کند آیا او به شراب محتاج است؟ علماء در جوابش گفتند: هرگز! در این وقت سلطان فرمود: شما این فتوای خود را نزد خود نگهدارید! این نمونه از تقوای الهی است که در پادشاهان مسلمان ما از آن برخوردار بودند. درس دیگری که حدیث بر ما دارد، اینکه به حرام نزدیک نشویم چرا که نزدیکی به آن سبب خواهد شد تا در آن واقع شویم. بعضی مردم می‌گویند که در قرآن کریم لفظ قطعی حرام بودن شراب موجود نیست، اما من برایشان می‌گویم در قرآن کریم در باره تحریم شراب الفاظ سخت آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّمَّنْ عَمِلَ الشَّيْطَانُ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱ "ای مؤمنان! میخوارگی و قماربازی و بتان (سنگی که در کنار آنها قربانی می‌کنید) و تیرها (و سنگها و اوراقی که برای بخت‌آزمایی و غیبگویی به کار می‌برید، همه و همه از لحاظ معنوی) پلیدند و (ناشی از تزیین و تلقین) عمل شیطان می‌باشند. پس از (این کارهای) پلید دوری کنید تا این که رستگار شوید". پس واضح گردید که برای حرام بودن از این الفاظ واضح چیزی دیگر نیست- در ادامه آیات الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ﴾^۲

"اگر می‌خواهد از طریق میخوارگی و قماربازی در میان شما دشمنانگی و کینه‌توزی ایجاد کند و شما را از یاد خدا و خواندن نماز باز دارد. پس آیا (از این دو چیزی که پلیدند، و دشمنانگی و کینه‌توزی می‌پراکنند، و بندگان را از یاد خدا غافل می‌کنند، و ایشان را از همه عبادات، به ویژه نماز که مهمترین آنها

۱ - سوره مائده آیه / ۹۰

۲ - سوره مائده آیه / ۹۱

است، باز می دارند) دست می کشید و بس می کنید؟!"

چرا الله تعالی در اینجا به طرز قهر آمیز سخن میگوید؟ چرا که در شراب و قمار گناه آن به مراتب بالاتر از فایده مادی آن است، و ارتکاب فعل قمار و نوشیدن شراب از جمله گناهان کبیره در دین ما است. منظور از چراگاه در حدیث شریف یعنی محرّمات و ممنوعات است، لهذا باید به محرّمات نزدیک نشویم تا مبادا ندانسته گرفتار آن شویم!

حدیث ۷

دینداری، نصیحت و خیرخواهی است

﴿قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۱
گفت: ای قوم من! هیچ گونه گمراهی در من نیست و دچار سرگشتگی هم
نیستم.

﴿أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾^۲
ولی من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم. من مأموریت‌های (محوّله از
سوی) پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و شما را پند و اندرز می‌دهم و از
جانب خدا چیزهایی (به من وحی می‌گردد و) می‌دانم که شما نمی‌دانید.
﴿فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ
وَلَكِن لَّا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ﴾^۳

پس (صالح با دلی پر اندوه) از آنان روی برتافت و گفت: ای قوم من! من پیام
پروردگارم را به شما رساندم و شما را پند دادم، ولی شما اندرزگویان را دوست نمی‌دارید.
﴿فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ

۱ - سوره اعراف آیه/ ۶۱

۲ - سوره اعراف آیه/ ۶۲

۳ - سوره اعراف آیه/ ۷۹

فَكَيْفَ آسَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ^۱

سپس شعیب از آنان روی برتافت و گفت: ای قوم من! من پیامهای پروردگارم را به شما رساندم و اندرزان دادم (و در حق شما خیرخواهی نمودم). ولی حق را نشنیدید و جز بر طغیان و عصیان نیفزودید (پس با این حال چگونه بر حال قوم بی‌ایمان (و بی‌دینی چون شما) اندوه بخورم؟

عن أبي رُقَيْةَ تَمِيمٍ بنِ أَوْسٍ الدَّارِيِّ رضي الله عنه أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ:
«الدِّينُ النَّصِيحَةُ. قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ: لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ
وَلِأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ»^۲

از ابی رقیه، تميم بن اوس داری رضي الله عنه، روایت شده که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: همهٔ دین، سفارش و نصیحت است. گفتیم برای چه کسانی؟ فرمود: برای خدا و برای قرآن و برای پیغمبرش و پیشوایان و فرمانداران و حکام مسلمین، و برای همه مسلمانان.

لفظ "نصح" در زبان عربی به چیزی می‌گویند که بر اصل خود ثابت باشد و در آن چیزی دیگری شامل نشود- همین طور وقتی که نیت انسان صاف و شفاف باشد و در آن چیزی دیگر مخلوط نباشد آنرا نصیحت می‌گویند، بطور مثال اگر شما کسی را به چیزی خوب دعوت می‌دهید این کار در اصل خوب است اما اگر شما می‌خواهید که توسط این دعوت برتری خود را بر کسی ثابت کنید در این صورت نیت تان ناخالص است چراکه شما در آن چیزی

۱ - سوره اعراف آیه ۹۳/

۲ - صحیح البخاری، کتاب الایمان، باب قول النبی ﷺ الدین النصیحه لله و لرسوله و لأئمه المسلمین و عامتهم و صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب بیان ان الدین النصیحه

خراب را مخلوط کردید- خلوص و اخلاص هنگامی است که مقصود شما تنها خیر خواهی برای آن شخص باشد، اینطور نباشد که شما برتری علمی خود را بر وی اظهار کنید و یا تقوی خود را برای او اعلان کنید، و یا نفس خود را بر این مطمئن کنید که این شخص از من کمتر است و من از او بهترم، اگر این چنین باشد، پس نیت و نصیحت نا خالص است (یعنی حالا این شیر خالص نیست بلکه آب گندیده‌یی از کدام جوی آب در آن خلط گردیده است)- پس "نصح" به چیزی گویند که کاملاً خالص باشد- حضرت پیامبر اکرم ﷺ فرموده است که [دین] نام خیر خواهی، وفاداری، خلوص و اخلاص است- و در این حدیث پیامبر اکرم ﷺ حقیقت دین را در یک جمله به گونه کوتاه و اختصار بیان فرمودند، و این خلاصه آن است. هنگامیکه حضرت تمیم بن اوس رضی الله عنه فرموده که ما پرسیدیم که ای رسول خدا ﷺ خیر خواهی، خلوص و اخلاص با کی؟ در جواب پیامبر اکرم ﷺ فرمودند که (۱) برای الله تعالی (۲) برای کتاب او (۳) برای رسول او (۴) برای امامان مسلمانان (۵) برای مسلمانان عام- بنده مسلمان باید به این پنج نکته وفادار باشد. تقاضای ایمان در این پنج نکته این است که در آن خلوص نیت و اخلاص باشد یعنی بدون خلط کردن، کم و اضافه نمودن حقوق این پنج چیز را اداء کنیم.

۸ حدیث

پایبندی به سنت

﴿فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ
وَاحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ
فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۱

هنگامی که ماههای حرام (که مدّت چهار ماهه امان است) پایان گرفت،
مشرکان (عهدشکن) را هرکجا بیابید بکشید و بگیرید و محاصره کنید و در
همه کمینگاه‌ها برای (به دام انداختن) آنان بنشینید. اگر توبه کردند و (از کفر
برگشتند و به اسلام گرویدند و برای نشان دادن آن) نماز خواندند و زکات دادند،
(دیگر از زمره شمايند و ایشان را رها سازید و) راه را بر آنان باز گذارید. بیگمان
خداوند دارای مغفرت فراوان (برای توبه‌کنندگان از گناهان)، و رحمت گسترده
(برای همه بندگان) است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ
غُلَظَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾^۲

ای مؤمنان! با کافرانی بجنگید که به شما نزدیکترند، و باید که (در جنگ) از

۱ - سوره توبه آیه / ۵

۲ - سوره توبه آیه / ۱۲۳

شما شدت وحدت (و جرأت و شهادت) ببینند. و بدانید که خداوند (پاری و لطفش) با پرهیزگاران است.

﴿فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَّنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَّنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾^۱

ما هر يك از اينها را به گناهانشان گرفتيم: برای بعضی از ایشان طوفان همراه با سنگریزه حواله کردیم، و بعضی از ایشان را صدای (رعب‌انگیز صاعقه‌ها و زمین‌لرزه‌ها) فرا گرفت، و برخی از ایشان را هم به زمین فرو بردیم، و برخی دیگر را (در آب دریا) غرق کردیم. خداوند هرگز بدیشان ستم نکرده است و آنان خودشان (با ارتکاب کفر و فسق و فجور) به خویشتن ستم کردند (و نتیجه آن را هم دیدند و چشیدند).

عن ابنِ عُمَرَ رضی اللہ عنہ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: أُمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَيَقِيمُوا الصَّلَاةَ، وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّ الْإِسْلَامِ، وَحِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى^۲

"از عبدالله بن عمر رضی اللہ عنہ روایت شده که رسول الله ﷺ فرمود: مأمور شدم با مردم بجنگم تا آن که گواهی دهند که معبودی به حق جز خدای یکتا نیست،

۱ - سوره عنکبوت آیه/ ۴۰

۲ - صحیح البخاری، کتاب الایمان، باب "فان تابوا و اقاموا الصلوه واتوا الزکوه فخلوا سبیلهم" - و صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب الامر بقتال الناس حتی یقولوا لا اله الا الله محمد رسول الله

و آن که محمد رسول الله است، و نماز را بر پا بدارند، و زکات بدهند، پس اگر اینها را انجام دادند خون‌ها و اموال خود را از من نگهداشته‌اند، مگر به حق اسلام، و حساب آنها بر خدای تعالی است. (حق اسلام، یعنی آنچه اسلام، کیفری بر آن ثابت نماید، مانند قصاص، و سنگسار کردن مرد زناکاری که زن داشته باشد و غیر آن)

این حدیث از خود شان ورود خاصی دارد و باید درست فهمیده شود، در غیر آن مردم این مطلب را از ظاهر حدیث می‌گیرند که اسلام به زور شمشیر در جهان پخش و نشر گردیده است، حال آنکه این برداشت حقیقت نیست - برای فهم درست این حدیث معلومات در باره شان نزول دو آیه از سوره توبه نهایت ضروری است، شش آیه نخست سوره مبارکه توبه در سال نهم هجری هنگامی نازل شد که قافله حجاج به قصد حج بیت الله الحرام از مدینه به سوی شهر مکه حرکت کردند - در این سفر پیامبر اکرم ﷺ تشریف حضور نداشتند و ریاست آن بر عهده سیدنا ابوبکر صدیق ؓ بود.

قافله قسمت عمده از راه را طی کرده بود که آیاتی نازل گردید - در این آیات پیامبر اکرم ﷺ حکم خاص قتل عام مشرکین مکه را دید و نهایتاً حضرت علی ؓ را پشت قافله فرستادند تا به عنوان نماینده ایشان در اجتماع حجاج این آیات را بطور علنی اعلان کند - هنگامی که سیدنا علی ؓ به قافله حجاج رسید، سیدنا ابوبکر صدیق ؓ سوال کرد: ای علی از سوی پیامبر اکرم ﷺ به عنوان "امیر" فرستاده شدیدی و یا "مامور"؟ سیدنا علی ؓ فرمود: خیر من مامور فرستاده شدم، البته برایم از طرف پیامبر اکرم ﷺ وظیفه سپرده شده است تا شش آیتی که بر آنحضرت نازل گردیده را برای تان اعلان کنم - و آن اعلان مهم این بود که بعد از این روز تمام معاهدات با مشرکین ختم است، به استثنای معاهداتی که از برای مدت خاص تعیین شده باشند و در قبال آن کدام تخطی

نکرده باشند، اما بعد از این با مشرکین هیچ نوع معاهده جدیدی صورت نمی‌گیرد و نه هیچ کدام معاهده تجدید می‌گردد- آیه اول سوره توبه چنین است: ﴿بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ﴾^۱

(این، اعلام) بیزاری خداوند و پیغمبرش از مشرکانی است که شما (مؤمنان) توسط فرستاده خدا، فرمانده کلّ قوا) با آنان پیمان بسته‌اید و ایشان آن را به دلخواه شکسته‌اند و به دشمنان اسلام پیوسته‌اند.

به آنان چهار ماه فرصت داده می‌شود که در این فاصله یا به اسلام بگردند، یا سرزمین عربستان را ترک کنند، و یا این که آماده نبرد با مسلمانان شوند).^۲ یعنی از طرف الله تعالی و رسول او از مشرکینی که با آنها عهد بسته شده بود اعلان بیزاری است- و هیچ نوع پیمانی از طرف الله و رسول او قابل قبول نیست و تنها برای مشرکان یک راه باقی می‌ماند و آن اینکه اگر مسلمان شوند مورد عفو قرار می‌گیرند. ﴿فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُحْزِي الْكَافِرِينَ﴾^۳

"پس (ای مؤمنان! به کافران بگوئید: آزادانه چهار ماه در زمین بگردید (و از آغاز عید قربان سال نهم هجری، یعنی روز دهم ذی‌الحجه همان سال، تا روز دهم ماه ربیع‌الآخر ه.ق. سال بعدی، یعنی سال دهم هجری، به هر کجا که می‌خواهید بروید و برگردید و بدانید که شما در همه حال و همه آن، مغلوب قدرت خدائید و از دست او نجات پیدا نمی‌کنید و هرگز نمی‌توانید خدا را در مانده کنید، و بیگمان خداوند کافران را خوار و رسوا می‌سازد"- یعنی برای آنها چهار ماه مهلت داده شده است. و اگر در مدت این چهار ماه ایمان نیارند برای مسلمانان حکم داده شده است که: ﴿فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا

۱ - سوره توبه آیه ۱ /

۲ - سوره توبه آیه ۲ /

الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخَذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ...»^۱
 "هنگامی که ماههای حرام (که مدّت چهار ماهه امان است) پایان گرفت،
 مشرکان (عهدشکن) را هرکجا بیابید بکشید و بگیرید و محاصره کنید و در همه
 کمینگاهها برای (به دام انداختن) آنان بنشینید". - قبلاً صورت استثنائی نیز بیان
 گردیده است: ﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ
 عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۲ "اگر توبه کردند و (از کفر برگشتند و به اسلام گرویدند و برای
 نشان دادن آن) نماز خواندند و زکات دادند، (دیگر از زمره شماینده و ایشان را رها
 سازید و) راه را بر آنان باز گذارید. بیگمان خداوند دارای مغفرت فراوان (برای
 توبه‌کنندگان از گناهان،) و رحمت گسترده (برای همه بندگان) است"

باید تذکر دهیم که از قرآن کریم و سیرت رسول اکرم ﷺ چنین برداشت
 میشود که قتال بر سه نوع است: نوع اول همان فریضه بنیادی است که
 حضرت پیامبر اکرم ﷺ جهت غالب کردن دین الله تعالی توسط آن، البته
 بعد از اتمام حجت بوسیله دعوت و تبلیغ انجام شده است، و زمانی بوده که
 آنحضرت همه راه‌های منتهی به هدایت مردمان را روی دست گرفتند، و نهایتاً
 قتال فی سبیل الله آخرین گزینه‌ای است که اسلام آنرا پیشنهاد می‌کند. نوعیت
 دوم قتال آن است که تنها دستور قتال صادر شده باشد، اما بالفعل کدام جنگ و
 کشتاری صورت نگرفته باشد - نمونه آن در ابتدای آیات سوره توبه بیان شده، به
 چنین دستوری قتال گفته نمی‌شود، بلکه این یک دستور به قتل عام آنان است،
 چراکه آیه صراحت دارد (فاقتلوهם حیث وجدتموهم) (آنان در هر جای یافتید
 بکشید شان) - در نوع سوم قتال از قرآن کریم و سیرت نبی ﷺ اخذ می‌گردد و
 آن زمانی است اسلام عزیز دست بالای داشته باشد و غالب بر اوضاع باشد،

۱ - سوره توبه آیه ۵/

۲ - سوره توبه آیه ۵/

که برای پخش و نشر آن در صورتی که موانع سر راه دعوت اسلامی قرار داد شود، باید از گزینه قتال فی سبیل الله استفاده کرد، نمونه آن در این آیه قرآنی بیان گردیده است قتال کردن - ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾. ای مؤمنان! با کافرانی بجنگید که به شما نزدیکترند، و باید که (در جنگ) از شما شدت وحدت (و جرأت و شهامت) ببینند. و بدانید که خداوند (یاری و لطفش) با پرهیزگاران است.

حدیث ۹

تکلیف و مسئولیت به اندازه توانایی

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^۱

چیزهائی را که پیغمبر برای شما (از احکام الهی) آورده است اجراء کنید، و از چیزهائی که شما را از آن بازداشته است، دست بکشید.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ صَخْرٍ رضی الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَا نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَاجْتَنِبُوهُ، وَمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ فَافْعَلُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَثْرَةُ مَسَائِلِهِمْ وَاخْتِلَافُهُمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ^۲

"از ابی هریره: عبدالرحمن بن صخر رضی الله عنه روایت شده که گفت: از رسول الله ﷺ شنیدم که می فرمود: از آنچه شما را از آن باز داشتم دوری کنید، و آنچه شما

۱ - سوره حشر آیه/۷

۲ - صحیح البخاری، کتاب الاعتصام بالکتاب و السنه، باب الاقتداء بسنن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - و صحیح مسلم، کتاب الفضائل، باب توقیر و ترک اکثار سواله..... و اللفظ له

را به آن امر کردم، انجام دهید تا آنجا که توانایی آن را دارید؛ زیرا به حقیقت، مردمی که پیش از شما بودند به هلاکت رسیدند، به خاطر سؤال و پرسش بسیارشان، و اختلاف نمودن و مخالفت با پیامبرانشان"

از حضرت پیامبر اکرم ﷺ باید اطاعت صورت گیرد و از دو چیز باید جدی خودداری شود (۱) کثرت سوالهای بی مورد (۲) بحث و مناقشه با انبیاء کرام (علیهم السلام)، چراکه سبب هلاکت امت های گذشته وابسته به همین دو عامل بوده است. به عنوان مسلمان آن چه را که اسلام برای ما حلال کرده است استفاده کنیم و آن چیزهای را که حرام نموده از آن اجتناب نمائید و آنچه که از امور مشتبّهات (مشکوک) است و در باره آن اسلام چیزی نگفته است بخاطر سلامتی ایمان از آن دوری نمائیم. در امور مشتبّهات اجازه داریم تا به دل خود مراجعه نمائیم، تا به یک فیصله درست برسیم، شخصی نزد حضرت پیامبر اکرم ﷺ آمد و در مورد نیکی و گناه سوال نمود، آنحضرت ﷺ فرمودند: ﴿اِسْتَفْتِ نَفْسَكَ، اِسْتَفْتِ قَلْبَكَ﴾ "از نفس و دل خود استفتاء کن" و در اخیر فرمودند: [وَ اِنْ اَفْتَاكَ النَّاسُ وَ اَفْتَوْكَ]

"اگر چه مردم در مورد این برای تو هر چه فتوی بدهند"

حدیث میرساند، اگر کدام مفتی در مورد جواز مسئله یی برای فتوا داد، اما دلت بر آن مطمئن نباشد باید آنرا رها کنی، باید دانست برای این نجات و خلاصی از این شک و تردید از سوی الله تعالی برای تو یک مفتی در جسم به نام دل موجود است، که تو باید به آن هم مراجعه کنی - چیز دومی که حضرت پیامبر اکرم ﷺ از انجام آن منع نموده این است که نباید با انبیاء کرام اختلاف داشته باشیم و یا با آنان وارد مناقشه شویم یعنی، دین مبین اسلام پیروانش را از سوال ها و مناقشاتی که نتایج مثبت به همراه نداشته باشد منع نموده است،

و آن دایره وسیعی که برای پیروانش ترسیم کرده حق ندارد کسی آنرا محدود و تنگ کند. در عصر حاضر فرقه پرستی در اوج خود قرار دارد و مردم به گروه‌های مختلف تقسیم شده‌اند، حتی کار به جایی کشیده است که حکم بر کفر یکدیگر صادر می‌کنند.

برای نجات از این وضعیت سالم‌ترین راه همانا پیروی از دستورات و سنت مطهر رسول اکرم است، چراکه هر راه و شیوه دیگر غیر از دین خدا و سنت پیامبر ما را با محدودیت‌ها دچار می‌سازد، خدای تعالی در کتاب خود برای ما از وضعیت و سرنوشت یهود یادآوری می‌کند، آنان با سختی و بهانه‌گیری، و باریک بینی‌های شان خود را با مشکلات فراوان مقابل ساختند- در اخیر تذکر داده میشود که پیامبر اکرم ﷺ بر ما دستور عمل بر تعلیمات واضح اسلام میدهند و از جدال و مناقشات بیجا و کثرت سوال اکیداً منع می نمایند، تا با هلاکت و نابودی دچار نگردیم، الله تعالی برای مان توفیق عمل عنایت بفرماید- آمین!

۱۰ حدیث

استفاده نمودن از اشیای حلال و گوارا

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لَتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^۱

و اموال خودتان را به باطل (و ناحق، همچون رشوه و ربا و غصب و دزدی...) در میان خود نخورید و آن را به امراء و قضات تقدیم نکنید تا از روی گناه، بخشی از اموال مردم را بخورید و شما بر آن آگاه باشید (و بدانید که ستمکار را یاری داده‌اید و مرتکب گناه شده‌اید).

عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا، وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ، فَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا﴾^۲ وَقَالَ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾^۳

۱ - سوره بقره آیه / ۱۸۸

۲ - سوره مؤمنون / ۵۱

۳ - سوره بقره / ۱۷۲

ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلَ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ، يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى
السَّمَاءِ يَا رَبِّ! يَا رَبِّ!، وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ، وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ،
وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ، وَغُذِيَ بِالْحَرَامِ، فَأَنَّى يُسْتَجَابَ لِذَلِكَ!

«از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: محققاً که خداوند پاک است و جز پاکیزه را نمی پذیرد، و به حقیقت که خدای تعالی به مؤمنان امر فرمود آن چه را به پیامبران امر فرموده که: «ای پیامبران از روزی های حلال و پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید»، و خداوند فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از نعمت های پاکیزه که به شما روزی داده ایم بخورید». سپس پیامبر از کسی یاد کرد که سفر خود را طولانی می کند و ژولیده موی و گرد آلود، دو دستش را به سوی آسمان بلند کرده، می گوید: «ای پروردگار من» در حالی که غذایش حرام، و آبش حرام، و پوشاکش حرام، و پرورش یافته به حرام است؛ با این حال، چگونه خداوند او را اجابت کند و دعایش را بپذیرد!»، معیار اصلی تقوی چه چیز است؟ در جامعه ما هر کس از تقوی یک تعریف دارد و این لفظ بسیار مورد استفاده قرار میگیرد که فلان شخص بسیار متقی است، فلان شخص پرهیزگار است - هر شخص یک تصور از تقوی در ذهن خود دارد - بطور عام مردم تقوی را صرف با انجام بعضی از عبادات می شناسند و این که فلان شخص چقدر اهل تقوا است، به این چیز ارتباط می دهند که او چقدر نماز را با پابندی و خشوع و خضوع اداء می کند، و روزه می گیرد، بر علاوه پرداخت زکات، چه اندازه مال در راه الله تعالی صرف می کند، چقدر به حج و عمره می رود - تمامی اینها معیارهای تقوی در تعریف جامعه کنونی ما است - و حتی عده یی از مردم ظاهر یک شخص را نیز معیاری بر تقوی

میدانند، حال آنکه در آیاتی قرآنی الله تعالی یاد آور شده ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾^۱

و اموال خودتان را به باطل (و ناحق، همچون رشوه و ربا و غصب و دزدی ...) در میان خود نخورید"

در این آیه مبارکه الله تعالی معیار و پیمانه تقوی را بیان نموده است - و معیار تقوی "اکل حلال" است - و اگر چنین نباشد پس هیچ چیز نیک، نیکی شمرده نمی شود.

معامله [خرید و فروش] در زندگی ما انسان جزء ضرورت ها است، و اینکار بطور روزمره صورت می گیرد، برای انجام این کار تقوا نقش بسیار سازنده در معاملات میتواند داشته باشد، بناءً هرگاه با همدیگر معامله انجام میدهیم باید هرگز به فکر فریب همدیگر نباشیم، چرا مفاد و متاعی که از راه فریب بدست آوریم حرام محسوب میگردد، در حدیث از آن حضرت روایت شده که به بازار مدینه تشریف بردند، و خرمنی از گندم را مشاهده نمودند، برای بررسی دست شان را به داخل گندم ها نمودند و متوجه شدند که قسمت پائین گندم ها نمناک است و رطوبت دارد، خطاب به صاحب نموده و فرمودند [مَنْ عَشَّ فَلَيْسَ مِنَّا]^۲ "هر کس فریب کاری کند از ما نیست"

پنهان کردن عیب کالا نوعی از فریب است و بدست آوردن مفاد با شیوه فریبکارانه نوعی از مفاد حرام محسوب میگردد.

باید بخاطر بسپاریم که اصل معیار تقوی در توجه به رزق حلال و اکل حلال است در غیر آن درازی ریش، و بلند نمودن پاچه ها معیار تقوی نیست - اگر رزق و روزی انسان به شیوه حلال و شرعی نباشد، همه عبادات ما از قبیل

۱ - سوره بقره آیه / ۱۸۸

۲ - صحیح مسلم

فرائض و نوافل در نزد الله تعالی بی ارزش خواهد بود.

کسیکه از گوشت خنزیر تغذیه می‌کند، و کسیکه با در آمد حرام از گوشت گوسفندی که ذبح حلال هم شده استفاده می‌کند، هر دوی مرتکب اعمال زشت و حرام گردیده اند.

باید تذکر داد که دلیل عدم قبولیت دعاها خوردن حرام است، برای کسب مفاد حرام هیچ کس نزد الله تعالی هیچ عذر پیش کرده نمی‌تواند که قابل قبول باشد- برای اینکه اعمال مان را الله تعالی قبول فرماید باید حرام را ترک کنیم- و در دنیا طور زندگی کنیم که گویا مسافر هستیم، چرا که حضرت پیامبر اکرم ﷺ فرموده است [كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرُ سَبِيلٍ]^۱ "باش در دنیا مانند غریب، یا مانند مسافری رهگذر"

در این حدیث برای ما دو نصیحت شده است یک زندگی کردن مانند "غریب و بیگانه" و دیگر زندگی "مسافر" مردم به دنیا خیلی دلچسپی دارند، و هر کس می‌خواهد که بهترین خانه، و آخرین مدل موتر را داشته باشد- در عین حال از بین مردم کسانی هستند که راه حق را اختیار کرده نموده‌اند، و خویشتن را وقف خدمت به دین اسلام کرده‌اند، چنین مردمانی در ظاهر خود را در بین مردمانی که به دنیا دل داده‌اند خود را غریب و بیگانه احساس می‌کنند. سخن دیگر که در این حدیث ذکر گردیده است این است که در دنیا مانند "مسافر" باشیم همانطوریکه مسافر در سفر راه را طی می‌کند و قطعاً با راه دوستی ندارد چراکه هدف اصلی او مقصود است نه راه، لهذا راه فقط وسیله برای رسیدن است که او را به هدف مقصود می‌رساند. قرار نیست در این دنیا از راه‌های حرام ثروت و مادیات کسب کنیم، و زندگی را در خوش گذرانی‌ها، عیش و عشرت بگذرانیم، چرا که این دنیا شبیه یک مسافر خانه است، و عنقریب وقت مان تمام

شده و مرگ به سراغ ما خواهد آمد، و آنگاه در میدان حشر در محضر پروردگار تک و تنها مورد حساب دهی قرار می گیریم و از همه اعمال خود باید حساب بدهیم - باری سیدنا حضرت عمر فاروق رضی الله عنه از حضرت اُبی بن کعب رضی الله عنه که قاری قرآن کریم بودند و پیامبر این صحابه را مورد ستایش خود قرار دادند، خواستند تا یک تعریف جامع از تقوی بنمایند - اُبی بن کعب گفتن ای امیر المومنین! اگر کسی بخواهد از جنگلی انبوه بگذرد و آن جنگل راه مشخص نداشته باشد، و مملو از درختان و خار خاشاک باشد، به نظر شما کسی که می خواهد از این جنگل سالم عبور کند باید چگونه حرکت ؟ جواب واضح است، باید بگونه بیدار و هوشیارانه قدم هایش را بر دارد تا دچار آسیب نگردد، به همین قسم در زندگی دنیا با توجه به شرایط و مساعد بودن گناه و معصیت به همین گونه حرکت کنیم تا مصداق عینی از انسان های متقی در نزد الله متعال محسوب گردیم در حقیقت انسان اگر در تمام زندگی خود از معصیت الهی و از انجام گناهان دوری کند، از نافرمانی الله تعالی خود را نگهدارد، و از حدود شریعت تجاوز نکند، و از تمام خرافات، رسومات بد و بدعات اجتناب کند نمود عینی از تقوا در خود ایجاد نموده است. در قسمت اخیر حدیث حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تذکر رفته [فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ] خوشا بر حال غریبان .

یعنی آنگاه که اسلام دوره غربت را سپری کند، دوره در مقابل انسان مومن باقی می ماند اول اینکه انسان دامن اسلام را ترک کند و پشت کسب عزت و مقام دنیا برود و تمام سعی و تلاشش در بدست آوردن دنیا صرف می گردد، دوم اینکه بر همه این زیب و زینت ها پشت پا زده و زرق و برق دنیا سبب فریب انسان نگردد و انسان مومن خود را به دامن اسلام گره میزند، چرا وقتی میبیند اسلام در حال غربت است، او نیز غربت را اختیار می کند - در این حال کسی نمی خواهد با تو ارتباط داشته باشد و ظاهراً تو در جامعه یی زندگی میکنی

که پیوند و تعهدی به اسلام ندارند و اگر تو خواهی با اسلام زندگی کنی در دید دیگران یک غریبه و اجنبی خواهی بود، وقتی چنین حالی پیدا کردی بدان که مورد تحسین و تقدیر پیامبر قرار گرفتی [فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ] "خوشابر حال غریبان"

الله تعالی همه ما را مستحق این تهنیت و مبارکباد حضرت پیامبر اکرم ﷺ بگرداند- آمین یا رب العالمین!

حدیث



پرهیز از امور شبهه بر انگیز

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید آن چنان که باید از خدا ترسید از خدا بترسید (و با انجام واجبات و دوری از منہیات گوهر تقوا را به دامن گیرید) و شما (سعی کنید غافل نباشید تا چون مرگتان به ناگاه در رسد) نمیرید مگر آن که مسلمان باشید.

عن أبي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، سِبْطِ رَسُولِ
اللَّهِ ﷺ وَرِيحَانَتِهِ ۞ - قَالَ: حَفِظْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ: (دَعُ
مَا يَرِيْبُكَ، إِلَى مَا لَا يَرِيْبُكَ)^۲

از ابو محمد حسن بن علی بن ابی طالب ۞ پسر دختر رسول الله ﷺ و
ریحانه (خوشبو) پیغمبر، روایت شده که گفت از رسول الله ﷺ این جمله را

۱ - سوره آل عمران آیه/ ۱۰۲

۲ - سنن ترمذی

حفظ نمودم: آنچه تو را به شک اندازد، آن را رها کن و بگذار، و آنچه تو را به شک نمی اندازد بگیر.

در آیه ۱۰۲ سوره آل عمران الله تعالی در مورد تقوی بسیار تاکید نموده است، با نازل شدن این آیه اکثر صحابه کرام نگران شدند که چه کسی می تواند حق تقوای الله تعالی را اداء کند، و چه کسی است که حق عبادت و معرفت الله تعالی را ادا کند، اما بعداً که در سوره تغابن این آیه نازل گردید ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾^۱

"پس آن قدر که در توان دارید از خدا بهراسید و پرهیزگاری کنید"

نهایت صحابه کرام اطمینان حاصل نمودند، و پی بردند که رعایت تقوای الهی باید تا به حد توان انسان باشد و الله تعالی انسان را بالاتر از توانش مکلف ننموده است. و در سوره مبارکه تحریم الله تعالی چنین ارشاد می فرماید ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾^۲

ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی بر کنار دارید که افروزینه آن انسانها و سنگها است. فرشتگانی بر آن گمارده شده اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی کنند، و همان چیزی را انجام می دهند که بدان مأمور شده اند.

پیام کلی آیه مبارکه فوق تاکید بر نجات ما و خانواده های ما نجات از آتش جهنم است - در مورد مفهوم حدیث شریف باید گفت! هنگامی که در دل ما بر انجام کاری (شک و تردید) ایجاد شد سر انجام درست و غلط بودن

۱ - سوره تغابن آیه/۱۶

۲ - سوره تحریم آیه/۶

آن بر ما روشن نبود، باید از انجام آن کار اجتناب نمائیم - بر عکس آن در دل های که نور ایمان زنده باشد و بر خوردار از یقین کامل به الله تعالی باشد، بدینوسیله انسان بر خوردار از نیروی می گردد که توان تفکیک بر انجام و عدم انجام کارها پیدا میشود، باید به خاطر بسپاریم که انجام گناه و معصیت قلب انسان را تاریک کرده و قوه تفکیک بین خوب و بد را از وی سلب می کند، و اگر در چنین اوضاعی کسی دچار (شک و تردید) در انجام و عدم انجام کاری تصمیم میگیرد باید بسیار احتیاط کند تا دچار توهّم نشده و در تصمیم گیری هایش مرتکب گناه نگردد، چون دلی که با گناه و معصیت آبیاری میگردد، بر خوردار از نور کامل ایمان نخواهد بود.

در اخیر تذکر داده میشود که این حدیث مبارک از جمله احادیث "جوامع الکلم" پیامبر اکرم ﷺ است، به این معنی که حدیث با کوتاه بودن الفاظش معانی بس فراوانی در دل خود گنجانیده است و پیام های فراوانی در آن نهفته است، به تعبیری دیگر، حفظ این حدیث برای انسان مسلمان نهایت ساده و از طرف ضروری می باشد.

حدیث ۱۲

ترك نمودن امور بی فایده

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾^۱

ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی بر کنار دارید که افزون‌تر از انسانها و سنگها است. فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی‌کنند، و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده‌اند.

عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: مِنْ حُسْنِ
إِسْلَامِ الْمَرْءِ تَرْكُهُ مَا لَا يَغْنِيهِ^۲

"از ابی هریره رضي الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله ﷺ فرمود: از زیبایی اسلام

۱ - سوره تحریم آیه/۶

۲ - سنن الترمذی، ابواب الزهد، باب فیمن تکلم بکلمه یضحک بها الناس - و مسند احمد، کتاب مسند اهل البيت، باب حدیث الحسين بن علی

شخص این است که چیزهایی را که به او مربوط نیست ترک کند."

علامه حسن اسلام یک انسان این است! هر آن چیزیکه برایش فایده در بر نداشته باشد را رها می‌کند- در مورد (حسن الاسلام) قبلا در حدیث جبرئیل به نکاتی در مورد جوانب عملی اسلام تذکر رفت، اینکه باید احکام و برنامه های عبادی اسلام را به طور احسن انجام دهیم- به عنوان مثال نماز رکنی از ارکان اسلام است، هرگاه این عبادت با ایمان کامل و از عمق دل اداء گردد شأن آن نهایت بالا میرود و همانطوریکه گفته شده معراج انسان مومن قرار میگیرد، یعنی انجام حرکات نماز با چنین روح عاشقانه رنگ و شکل دیگری بر خود میگیرد، حسن نماز با حسن ایمان تقویه میشود" و همین حالت را به تصوف نیز تعبیر کرده می‌توانیم- می‌توانیم که "حسن الاسلام" را به تصوف ارتباط دهیم چرا که اصل تصوف در قرآن کریم، واحادیث نبوی صلی الله علیه و اله وسلم و سیرت صحابه کرام موجود است- گاهی با لفظ "احسان" و در جای دیگر با لفظ "حسن الاسلام" تعبیر شده است. تصوف به هیچ عنوان چیزی جدا از اسلام نیست، بلکه تصوف همان تزکیه است که الله تعالی هدف از بعثت پیامبرش را در آن خلاصه نموده است. رعایت تصوف شرعی در زندگی رنگ و کیفیت زیبایی از خود در عبادات بر جای میگذارد که در حدیث سیدنا جبرئیل از آن به "احسان" تعبیر شده است.

در حدیث مبارک فوق گفته شده که از علایم نیکی و خوبی اسلام انسان که هم نشانی بر کامل بودن ایمان می‌باشد، دوری از اموریست که هیچ فایده‌ی برای دین و دنیای انسان نداشته باشد.

به این نکته باید دقت کنیم، عمر ما در این دنیا بطور اوسط ۶۰ سال است- در مدت این ۶۰ سال یک دوره از عمر به گونه میگذرد که برخوردار از شعور کامل نیست و در اخیر عمر نیز باز دچار این عارضه میگردد [لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ

بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئاً] بین این دو دوره سی‌الی چهل سال انسان بر خوردار از شعور کامل می‌باشد، طبق اراده، عزم و برنامه ریزی خود فیصله و عمل می‌کند- و هر گونه عملی که انسان در این دوره انجام دهد نتایج آنرا در زندگی آخرت خواهد دید- چنانچه گفته شده دنیا کشتزار آخرت است، هر چه اینجا کشت کند در آخرت حاصل را خواهد چید، اگر در دنیا کشت نداشته باشی که همانا (پیروی از الله تعالی و حضرت پیامبر اکرم ﷺ) است، پس در آخرت انتظار چیدن کدام حاصلی را نداشته باش! و این را بدان اگر در این دنیا خار کشت کنی در آخرت خار درو خواهی نمود و اگر در این دنیا درخت میوه و یا گل کشت کنی در آخرت نیز برایت میوه و گل خواهد بود- اگر در زندگی دنیوی نیکی کنی پس در آخرت نیز عوض نیکی خود را بدست خواهی- زندگی ما در این دنیا بسیار محدود است و در این وقت محدود باید برای آخرت خود چیزی کمائی کنیم، پس سوال اینجاست که آیا انسان با شعور و بر خوردار از عقل در این زندگی دنیا که وقت آن بسیار محدود است باید وقت خود را ضائع کند؟ در حالیکه مدت زندگی در این دنیا بسیار کوتاه است و به تعبیر حدیث نبوی محل استراحت موقت است، و حال آنکه زندگی ابدی و جاویدانه همانا در آخرت است.

بناء بنده مومن باید از انجام اموری فایده اجتناب کند، از ضایع نمودن وقتش جداً اجتناب کند چون وقت برای انسان مومن با ارزشتر از طلا است، آنچه مایه تاسف است دیده میشود که تعداد زیادی از مسلمانان در کشورهای اسلامی به اموری فایده از قبیل شب نشینی، وقت کشی، جدل و مناقشات بی اثر مصروف اند- و این وضعیت جای نهایت نگرانی برای آینده امت اسلامی دارد، ما به عنوان مسلمان یقین کامل داریم که بعد از مرگ دوباره زنده می‌شویم و از هر کار خود حساب می‌دهیم پس باید از این فرصت عمر خود

درست استفاده نموده و برای آن روز آماده گی داشته باشیم.
 باید تذکر داد این حدیث مبارک نیز از جمله احادیث "جوامع الکلم" نبوی
 صلی الله علیه وسلم است، الفاظش کوتاه و دنیای از معانی و مفاهیم سازنده
 را در دل خود برای امت اسلامی دارد، و از جانبی حفظ آن نهایت آسان است و
 امکان آن را دارد که همیشه همراه انسان باشد.

حدیث ۱۳

کمال ایمان

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۱

فقط مؤمنان برادران همدیگرند، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید، و از خدا ترس و پروا داشته باشید، تا به شما رحم شود.

عن أبي حمزة أنس بن مالك رضي الله عنه خادم رسول الله ﷺ عن النبي ﷺ قال: لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ^۲

از ابی حمزه انس بن مالک رضی الله عنه که خادم رسول الله ﷺ بوده است، روایت شده که او از پیغمبر ﷺ روایت نمود که حضرت رسول ﷺ فرمود: هیچ یک از شما ایمان نیاورده

۱ - سوره حجرات آیه ۱۰/

۲ - صحیح البخاری، کتاب الایمان، باب من الایمان ان یحب لایخیه ما یحب لنفسه- و صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب الدلیل علی، ان من خصال الایمان ان یحب لایخیه

است، تا اینکه دوست بدارد برای برادرش، آنچه که برای خودش دوست می‌دارد. این حدیث نیز از جمله احادیث "جوامع الکلم" پیامبر اسلام ﷺ است - حدیث فوق در مورد اصل جوهر ایمان است. آیه دهم سوره حجرات در مورد اخوت است و این را اخوت ایمانی نیز می‌گویند است، اما در آیه سیزدهم سوره مبارکه حجرات تنها ذکر اخوت بین اهل ایمان نیست بلکه بین همه انسانها است، خواه آن مسلمان باشد و یا کافر، این را باید به یاد داشته باشیم که رشته اخوت ایمانی در اسلام از جایگاه و فضیلت برخوردار است. تقاضای شرافت و مروت در این است تا انسان مسلمان دوست بدارد به برادر مسلمان خود آنچه را که به خود دوست میدارد - الله تعالی با پیوند دادن اخوت ایمانی بین اهل ایمانی، یک دایره بزرگ از اخوت ایمانی بر اهل ایمان ترسیم می‌کند، و همه مومنان را در این دایره بزرگ قرار می‌دهد، و دایره وسیعتر دیگری نیز برای همه انسانیت ترسیم نموده که شامل همه انسان ها صرف نظر از اعتقادات شان میگردد، چون خالق تمام بنی نوع انسان الله تعالی است و چون تمام بنی نوع انسان از اولاد آدم و حوا ﷺ اند، بناءً ما با کفار یک رشته و تعلق داریم و بنابر همین رشته تعلق است که، خیری که از سوی او تعالی به نام اسلام بر ما داده شده باید برای آنان نیز برسانیم.

سلسله مراتب اخوت اسلامی و انسانی باید رعایت گردد، ابتداء از نزدیک ترین افراد خانواده، بعداً اقرباء سپس همسایه‌ها، بعداً توجه به جامعه اسلامی که در هر جای از کره زمین زندگی می‌کنند، و در نهایت توجه به همه انسان و انسانیت. مثالی دیگر از تقاضاهای اخوت ایمانی، اگر الله تعالی شما را بر خوردار از نعمت صحت نموده است، در حالیکه برادر مسلمان تان مریض است باید برای بهبود وضعیت صحتی او دعای سلامتی و عافیت کنید، و یا اینکه الله تعالی شما را برخوردار از مال و ثروت نموده است، تقاضای اخوت ایمانی این است تا شما

برادر تان را در تنگ دستی رها نکرده و او را با مشکلات تنها نگذارید- و از همه بالاتر بزرگترین هدیه خدا نعمت "هدایت" است، وقتی که شما را الله تعالی هدایت کرده است پس تقاضا و شکر گذاری آن این است تا شما برای برادر تان دعا کرده و در هدایتش از هیچ تلاش و کوششی دریغ نورزید تا خداوند او را نیز "هدایت" کند و برای این همه از دل و جان کوشش کنید و محنت کنید- لهذا هدایت را عام و پخش کردن بین مردم لازمه این حدیث است- برای نوع انسان و خلق الله تعالی باید تبلیغ دین صورت گیرد تا آنان نیز از نعمت "هدایت" بهره مند شوند- و انسان باید تمام توانائی های خود را به بهای اندک بفروشد بلکه اگر خداوند تعالی او را قوت، مهلت عمر، صحت، قدرت تقریر و تحریر داده است باید آنرا برای "هدایت" و "خوبی" خلق الله استفاده کند و توانایی هایش را به قیمت کم بفروشد و یا صرف چیز های بی ارزش دنیوی نکند، تا باشد که بواسطه این توانایی و امکانات برای نوع انسان فلاح و رستگاری را به ارمغان آورد، با تلاش هایش در پی آن باشد تا بندگان خدا از دوزخ نجات حاصل کنند و وارد بهشت شوند- به همین ترتیب وقتی که انسان بر خوردار از ایمان حقیقی گردد و به آخرت یقین کامل داشته باشد در نتیجه قیمت هر چیز را در مقابل پاداش اخروی تعیین کرده می تواند و هر کاری را که انجام می دهد با این روحیه انجام می دهد که خداوند چه یک پاداش عظیم در آخرت برایش در وعده نموده است؟ با توجه به گفته های فوق بر ما لازم است تا موجود بودن فرصت دنیای حاضر، آخرت خویش را آباد کنیم، و از تمام توانایی و امکانات خود برای تبلیغ اسلام و اقامه دین بر منهای نبوی ﷺ تلاش نموده تا باشد رستگاری دنیا و آخرت را کسب کنیم.

۱۴ حدیث

حرمت خون مسلمان

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾

ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حواء) آفریده‌ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده‌ایم تا همدیگر را بشناسید (و هر کسی با تفاوت و ویژگی خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود، و در پیکره جامعه انسانی نقشی جداگانه داشته باشد). بی گمان گرامی ترین شما در نزد خدا متقی ترین شما است."

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يَحِلُّ دَمُ
أَمْرِيٍّ مُسْلِمٍ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَّا
بِأَحَدِي ثَلَاثٍ: الثَّيِّبِ الزَّانِي، وَالنَّفْسِ بِالنَّفْسِ، وَالتَّارِكِ لِدِينِهِ
الْمُفَارِقِ لِلْجَمَاعَةِ^۲

۱ - سورة حجرات آیه/ ۱۳

۲ - صحیح مسلم، کتاب القسامه و المحاربين و القصاص والديات، باب ما یباح به دم المسلم

"از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: ریختن خون فرد مسلمان روا نمی شود مگر به سبب یک از این سه چیز: بیوه زنی که زنا کند، کسی که دیگر را بکشد، و کسی که دینش را ترک کرده و از جماعت مؤمنان جدا شود»

این حدیث نیز از جمله احادیث "جوامع الکلم" پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم است - و این حدیث از حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه که از جمله فقهاء صحابه است روایت گردیده است - حدیث فوق در مورد نظام قانونی اسلام است - همچنان تذکر رفته که تحت کدام شرایط یک مسلمان به قتل می رسد - این یک مسئله بزرگ فقهی و قانونی است - در اصل ذکر رجم (سنگسار) و قتل مرتد در اسلام وجود دارد اما در قرآن کریم از این دو ذکر صورت نگرفته است، در شریعت سیدنا موسی نیز این دو حکم (سنگسار زانی و قتل مرتد) وجود داشت و در کتب آسمانی سابقه نیز از آنان یاد آوری به عمل آمده است - هر گاه مسلمانی اسلام را ترک کند مرتد می شود و باید قتل گردد، و زن و مرد مسلمانی که متاهل باشند و مرتکب عمل زنا گردند و این عمل شان به اثبات محکمه اسلامی برسد حد سنگسار بر آنان جاری میگردد، اما در صورتیکه زن و مرد مجرد باشند و مرتکب عمل زنا گردند جزای شان در سوره مبارکه نور بیان شده است (یعنی زانی و زانیه هر دو باید صد دره زده شوند و این عمل باید به شکل عام صورت گیرد تا جماعت مسلمانان شاهد آن باشند)، به همین ترتیب رجم (سنگسار) نیز باید بطور عام صورت گیرد. هدف از جزا دادن در اسلام این است که جرم از جامعه ریشه کن شود و دهشت از جامعه ختم گردد و برای دیگران درس عبرت باشد تا اگر مرتکب چنین جرم ها گردیدند در نتیجه جزاء داده می شوند - باید به خاطر بسپاریم که در صورت عدم اجرای عملی این حدود، هیچگاه ما شاهد جرم و جنایت ها از جامعه نخواهیم بود.

به گونه مثال امروزه امریکا یکی از تعلیم یافته و پیشرفته ترین کشورهای دنیاست اما آمار سطح جرایم در آن کشور نهایت بالا است و هیچگاه هم سطح جرم کم نمی شود چرا که با بلند رفتن سطح تعلیم و پیشرفت تمدن جرم و جنایات پایان پذیر نبوده، بلکه با پیاده کردن حدود اسلامی و الهی میتوان به پدیده جرم و جنایت پایان داد. به همین ترتیب اگر کسی مرتکب قتل "عمد" قصدی گردد، باید در مقابل آن قتل شود و این اختیار برای ورثه مقتول داده می شود و هیچ مرجع دیگری نمی تواند که در این قضیه دخالت کند، یک حاکم و رئیس جمهور نمی تواند که قاتل را ببخشد بلکه این اختیار را ورثه مقتول دارد که قاتل را عفو و یا به عنوان حکم قصاص به قتل رسانند.

اگر برای قاتل حکم قصاص جاری نگردد، بناءً هیچ وقت انتظار نداشته باشیم که جنایات هولناک از ریشه ختم گردد و بساط آن چیده شود. قسم سومی که در آن جواز قتل داده شده است، قتل مرتد است، یعنی کسیکه دین خود را ترک کرده و از جماعت مسلمانان بیرون شود او را مرتد گویند و جزای مرتد نیز قتل است، که در قوانین اسلامی ما شاهد آن هستیم، به همین ترتیب این حکم در تورات نیز موجود است برای تفصیل معلومات بیشتر لطف نموده به داستان سامری مراجعه کنید -

در اخیر باید تذکر داد که غیر از این سه صورت (زنای محصنه، قتل عمد و ارتداد) قتل هیچ مسلمانی جایز نیست.

حدیث ۱۵

آداب اخلاقی و اجتماعی در اسلام

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا * وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا * وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا * إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا * وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾

و بندگان (خوب خدای) رحمان کسانیند که آرام (و بدون غرور و تکبر) روی زمین راه می روند (و تواضع در حرکات و سکنت ایشان و حتی در راه رفتن آنان آشکار است)، و هنگامی که نادانان ایشان را مخاطب (دشنام ها و بد و بیراه های خود) قرار می دهند، از آنان روی می گردانند و به ترك ایشان می گویند. و کسانیند که (بخش قابل ملاحظه ای از شب، و گاهی تمام) شب را با سجده و قیام به روز می آورند (و با عبادت و نماز سپری می کنند). و کسانیند که پیوسته می گویند: پروردگارا! عذاب دوزخ را از ما به دور دار. چرا که عذاب آن (گریبانگیر هر کس که شد از او) جدا نمی گردد (و تا ابد ملازم وی می شود). بی گمان دوزخ بدترین قرارگاه و جایگاه است. و کسانیند که به هنگام خرج کردن (مال

برای خود و خانواده) نه زیاده‌روی می‌کنند و نه سختگیری، و بلکه در میان این دو (یعنی اسراف و بخل، حد) میانه‌روی و اعتدال را رعایت می‌کنند.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصُمْتُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ جَارَهُ، وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ^۱

«از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که گفت رسول الله ﷺ فرمود: هرکس به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید گفتار نیک بگوید یا خاموش شود، و هرکس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، پس همسایه‌اش و میهمانش را گرمی بدارد».

آیات مبارکه و حدیث شریف که در فوق ذکر گردیده است در مجموع "آداب معاشرت اسلامی" نامیده می‌شود. که در آنها از حسن معاشرت، حسن آداب، شرافت، مروّت، تحمل، بردباری، تهذیب و شایستگی سخن به میان آمده است، و شخصیت عالی یک مسلمان به تصویر کشیده شده است، آیات فوق مربوط رکوع آخر سوره مبارکه فرقان است، در این آیات الله تعالی از اوصاف بندگان محبوب خود یاد آوری نموده است، آنان "عباد الرحمن" و یا بنده گان محبوب الله تعالی نامیده شده اند که اوصاف شان چنین است:

۱. تواضع و فروتنی:

بنده گان محبوب الله تعالی در رفتار، کردار، گفتار و جمله اعمال خود نهایت

۱ - صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب حفظ اللسان.... و صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب الحث علی اکرام الجار و الضیف...

تواضع و فروتنی دارند، طوریکه در زبان انگلیسی ضرب المثلی است: (Face is the index of mind) یعنی تبدیلی چهره، تغییر رنگ چهره، و عرق در پیشانی برای ما حکایت از حال و کیفیت درونی یک انسان می‌کند- به همین ترتیب در رفتار و سلوک ما که ارتباط به کیفیت ذهنی ما دارد نشان می‌دهد که آیا در احساسات ما تکبر و غرور است و یا تواضع و عاجزی؟ در مورد عجز، و تواضع آیات فراوان در قرآن کریم نازل شده است و گفته شده بنده گان محبوب الله تعالی کسانی اند که در رفتار شان تواضع دارند.

۲. جواب بدی را به بهترین شیوه میدهند:

صفت دوم "عباد الرحمن" بنده گان محبوب الله تعالی این است، آنان هنگامیکه با انسان‌های احساساتی و مشتعل مزاج روبرو می‌شوند که با او بحث و مجادله می‌پردازند، در نهایت خونسردی جواب آنان را می‌دهد، اصلاً شیوه دعوت الی الله باید به گونه حکیمانه باشد، دعوتگر هوشیار در دعوت دیگران به دین و اصلاح باید ظروف و شرایط را مد نظر داشته باشد، کیفیت ذهنی مخاطب را متوجه بوده اگر متوجه شد که مخاطب در حالتی قرار دارد که حوصله شنیدن دعوت او را نداشته نباید، در چنین حالتی وارد عمل گردد، چراکه رعایت نکردن شرایط ذهنی و روانی مدعو و مخاطب میتواند سبب تنفر وی از دعوت و یا حتی از اسلام گردد، باید هنگام دعوت دیگران رفتار و سلوک حکیمانه اختیار نماید- اگر با کسیکه دچار احساسات شده، مواجه گردیم در آن هنگام نباید وارد جدال و مباحثه گردیم، و لهذا صحبت با وی و دعوت نمودن وی را برای وقتی موکول کنیم که از آرامش بهتری برخوردار است، و بهترین عکس العمل در چنین وقتی این است تا شعار قرآنی را سر دهیم (قالوا سلاما) باید توجه داشت که با مجادله های بی مورد با کسانی که از سر احساسات

برخورد می‌کنند نباید همه پل های پشت سر خود را خراب کنیم، بلکه باید به فرصت دادن در زمان مناسب با آنان وارد گفتگو گردیم.

۳. اهتمام قیام اللیل:

سومین صفت بندگان محبوب خداوند این است که قیام اللیل و نماز تهجد را اداء می‌کنند- باید بخاطر داشته باشیم تا ادای نماز تهجد سبب ضایع شدن نماز صبح و یا جماعت نگردد چراکه این چنین تعاملی در قسمت ادای نوافل و فرایض نشان از نقصان فهم و از دست دادن فضایل و مصروف شدن به امور کم اهمیت قبل از امور با اهمیت می‌باشد، در حدیثی از پیامبر مکرم اسلام داریم که فرمودند:

[مَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ وَالْفَجْرَ فِي جَمَاعَةٍ كَانَ كَقِيَامِ لَيْلَةٍ]

"هرکس نماز عشاء و فجر را با جماعت اداء نماید، گویا تمام شب را قیام نموده است" پس باید در مورد ادای فرایض و نوافل دقت داشته باشیم، و این چنین نباشد که با توجه بیش از حد به نوافل از انجام فرایض غافل بمانیم.

۴. عدم تکبر در نیکی کردن

چهارمین صفت از اوصاف بندگان محبوب الله تعالی این است که ایشان با وجود پابندی در دین و انجام اعمال نیک، نمی‌گویند که بهشت برای من بطور یقینی داده می‌شود و از دوزخ نجات حاصل نمودم- هرگز! بندگان محبوب الله تعالی بر انجام دادن نیکی های خود مغرور نمی‌گردند، بلکه همیشه از عذاب الهی می‌ترسند و در هراس دارند که اعمال ایشان ضایع نگردد- آنها عبادت، خدمت به خدا و دیگر امور نیکی را که انجام میدهند حقیر و کم می‌شمارند.

جان دی، دی هوئی اسی کی تهی حق تو یه به که حق ادا نه هوا!

یعنی در راه الله تعالی اگر انسان جان را فدا کند پس چه کارنامه را انجام داده است! این جان مربوط الله تعالی بود و دوباره جان را از ما گرفت از این بیشتر چیزی اضافه برای الله تعالی نداده ایم.

ه. در تعاملات شان میانه رو اند:

پنجمین صفت از صفات "عباد الرحمن" این است! آنگاه که مصرف می کنند از اسراف اجتناب می نمایند. یعنی انسان باید به اندازه توان خود مصرف کند و اگر در وقت ضرورتی که ایجاب نماید قرضدار گردید، کدام اشکالی دیده نمی شود، اما شرط آن این است که نیت پرداخت قرض را داشته باشد و در اولین فرصت بدست آمده خود را از قرض خلاص کند، اما بهترین روش این است تا انسان به اندازه گلیم خود پای خود را دراز نکند.

سخن خوب بگو یا خاموش باش!

در این حدیث حضرت پیامبر اکرم ﷺ اوصاف نیک انسان مسلمان را بیان می فرمایند، مسلمان کسی است که بر خوردار از حسن ادب بوده، انسانی است مهذب و شایسته - حضرت پیامبر اکرم ﷺ فرمود که هرکس به الله تعالی و روز آخرت ایمان دارد، باید سخن خوب بزند و یا سکوت کند - باید از سخنان پوچ، استهزاء، مزاح های بی جاء، خنده قهقهه، طعنه زدن به دیگران، دروغ... باید جداً خودداری کند چراکه چنین صفات و اعمال با شخصیت او مناسب نیست، برای او لازم است تا سخنی بگوید که در آن خوبی و خیرخواهی است و در غیر آن به خیرش است تا سکوت اختیار کند، گاهی اوقات انسان در خاموشی احساسات خود را بهتر و خوبتر از حرف زدن اظهار کرده می تواند،

همچنان گاهی اوقات خاموش بودن بهترین ترجمان شخصیت اوست - لهذا اگر در صورت نیاز سخنی میزنی سخن خوب بگو، سخنانت جنبه نصیحت و تذکر داشته باشد، برای مردم سخن نیک بگو، مردم را به سوی خیر دعوت نما، بخاطر داشته باشیم، سخن زدن بالاترین مسؤولیت ها را به انسان متوجه میسازد، مسؤولیتی که از جانب خدا بر انسان داده شده است، بناء باید به گونه مسؤولیت اش را اداء نماید که او تعالی و پیامبرش را راضی بسازد - باید از زبان که آله تکلم در وجود ما است، درست استفاده کنیم چرا که با استفاده نادرست از زبان، سبب میشود تا انسان رهسپار دوزخ گردد، چنانچه در یکی از فرموده های آن حضرت ﷺ به حضرت معاذ چنین گفته شده است، «ثَقَلَتْكَ أُمُّكَ يَا مُعَاذُ، وَهَلْ يَكُفُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ أَوْ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ»^۱ "مادرت به داغت بنشیند، آیا مردم بر روهایشان (یا این که فرمود بر بینی هایشان) در آتش میاندازد، مگر سخنان یاوه، بیهوده و درو شده زبان هایشان؟! " به همین ترتیب با استفاده درست از زبان است که وارد بهشت پروردگار میشویم، چنانچه حضرت پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «مَنْ يَتَكَفَّلُ لِي مَا بَيْنَ حَيِّهِ وَ مَا بَيْنَ رِجْلَيْهِ اتَّكَفَّلُ لَهُ بِالْجَنَّةِ»^۲ "هرکس ضمانت این را بدهد که، دو عضو کوچک بدن خویش (زبان و شرمگاه اش) را حفاظت در مقابل من برایش ضمانت بهشت را می نمایم" با استفاد درست از "زبان و شرمگاه" تمام اعضای بدن، حرکات و سکناتش صحیح میگردد - اگر انسان گاهی اوقات از روی احساسات دچار قصور می گردد، اگر به الله رجوع کند و مسیر قرآن کریم و سنت را اختیار کند، الله تعالی او را مورد عفو و بخشش خود قرار می دهد.

۱ - سنن الترمذی، ابواب الایمان، باب ما جاء فی حرمة الصلاة

۲ سنن الترمذی، ابواب الزهد، باب ما جاء فی حفظ اللسان.

اهمیت حقوق همسایه

قسم دوم این حدیث در مورد حقوق همسایه است، [عَنْ أَبِي شَرِيحٍ الْخَزَاعِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ [مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ جَارَهُ،...]^۱

"هر کس به الله و روز آخرت ایمان دارد برای او لازم است که به همسایه خود احترام کند"

همسایه بر سه قسم است که قرار ذیل اند:

۱. همسایه که سه حق دارد

همسایه‌ای که بر خوردار از سه حق است کسی است که حق قرابت، حق مسلمانی و حق همسایگی دارد، این چنین همسایه از حقوق بالای بر خوردار است، پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی که حضرت ابوهریره از ایشان روایت کرده‌اند می‌فرمایند:

[أَنَّ النَّبِيَّ قَالَ: وَاللَّهِ لَا يُؤْمِنُ، وَاللَّهِ لَا يُؤْمِنُ، وَاللَّهِ لَا يُؤْمِنُ، قِيلَ: مَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَائِقِهِ]^۲

"قسم به الله که ایمان ندارد، قسم به الله که ایمان ندارد، قسم به الله که ایمان ندارد! اصحاب عرض کردند یا رسول الله چه کسی ایمان ندارد! آن کسی که همسایه اش از آزار و اذیت او در امان نباشد."

۲. همسایه که دو حق دارد:

همسایه که بر خوردار از دو حق است همسایه بیگانه می‌باشد، و او کسی است

۱ - سنن دارمی

۲ - متفق علیه

که حق مسلمانی و حق همسایگی بر ما دارد، چنانچه در بعضی احادیث نبی مکرم اسلام آمده است که حد فاصل این همسایگی در حدود چهل خانه می باشد، متأسفانه تعاملات امروزی ما کاملاً متفاوت است، ما با همسایه دیوار به دیوار خود سالها نا آشنا از غم و شادی او هستیم و کدام معرفتی حتی ماه و سالها میگذرد از همدیگر نمی داشته باشیم- در زندگی شهری انسان آنقدر غرق معاملات، و دیگر قضایا میگردد که حتی "حسن معاشرت" از بین رفته و ختم می شود.

۳. همسایه که یک حق دارد:

همسایه موقتی در درجه سوم قرار دارد- یعنی با تو همنشین است اما با او قرابت موقتی داری، این هم یک نوع همسایگی است- مثلاً در یک موتر کسی با تو نشسته و یا در طیاره و یا در سفر کسی با تو همراه است باید ملاحظه او را داشته باشیم و حق او را اداء کنیم. و به همین ترتیب حتی کسیکه در همسایگی ما قرار دارد اما مسلمان نیست باید حق همسایگی با او را رعایت کنیم، چنانچه پیامبر بزرگوار اسلام چنین همسایه های داشتند و حقوق آنان را بطور کامل رعایت می نمودند.

مهمان نوازی

در قسمت سوم حدیث که حضرت پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: [وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ] ^۱
 "و هرکس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، پس میهمانش و همسایه اش را گرامی بدارد"

در مورد مهمان نوازی از زمان حضرت پیامبر اکرم ﷺ و صحابه کرام حکایات

بسیار جالب و پند آموزی در اختیار ما قرار دارد- از میان آنان، این حکایت بسیار مشهور است، باری یک تن از یاران نبی اکرم صلی الله علیه و سلم، مهمانی را به خانه اش دعوت نمود، وضعیت اقتصادی اش به گونه یی بود که تنها در خانه اش قوت اولاد اش بیشتر نبود، آنچه به خانه بود به مهمان مهیا نمود و چیزی به اولادش در نظر نگرفت، چراغ خانه را خاموش نموده تا آنان به خواب روند، در سر دسترخوان با مهمان نشست تا مهمان خود را راحت احساس کند و به گونه یی وانمود کرد تا در ذهن مهمان چیزی از مشکلات اش آشکار نگردد و روحیه او خراب نشود. این یکی از هزاران حکایتی است از تعامل سلف صالح ما در باب مهمان و مهمانداری، اما افسوس امروزه تشریفات و خیلی از قضایا دیگر سبب شده تا این سنت در بین ما کمرنگ گردد و محروم از این ارزش بزرگ گردیم.

خلاصه حدیث

برای آنکه مسلمان کامل و دارای شخصیت نیکو باشیم، باید متصف به اوصاف سه گانه باشیم

۱. هر گاه خواستیم سخنی بر زبان آوریم باید جوانب آن را سنجیده اگر به خیر ما بود بگوئیم در غیر آن سکوت را اختیار کنیم.

۲. حقوق همسایه را مراعات نمائیم، به غم و شادی شان خود را شریک بدانیم، در صورتیکه شرایط اقتصادی خوبی داشته هرگاه به اولاد خود چیزی تهیه می نمائیم اولاد همسایه فقیر خود را فراموش نکنیم، در صورتیکه چنین نکردیم باید تهیه غذا و میوه مان به گونه پنهانی و دور از انظار همسایه و اولادش باشد، تا این کار سبب آزار آنان نگردد، و متوجه باشیم تا همسایه ها از دست و زبان ما دچار آزار و اذیت نگردند.

۳. مهمان نواز باشیم و مهمانان خود را احترام کنیم، مهمان را مایه زحمت

نه، بلکه مایه رحمت بپنداریم، الله تعالی برای ما توفیق دهد تا از این
اوصافِ حمیده بر خوردار گردیم - آمین یا ربّ العالمین!

حدیث ۱۶

پرهیز از خشم و غضب

﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ* الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱

و (با انجام اعمال شایسته و بایسته) به سوی آمرزش پروردگارتان، و بهشتی بشتابید و بر همدیگر پیشی گیرید که بهای آن (برای مثال، همچون بهای) آسمانها و زمین است؛ (و چنین چیز با ارزشی) برای پرهیزگاران تهیّه دیده شده است. آن کسانی که در حال خوشی و ناخوشی و ثروتمندی و تنگدستی، به احسان و بذل و بخشش دست می‌یازند، و خشم خود را فرو می‌خورند، و از مردم گذشت می‌کنند، و (بدین وسیله در صف نیکوکاران جایگزین می‌شوند و) خداوند (هم) نیکوکاران را دوست می‌دارد.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه، أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله : أَوْصِنِي، قَالَ: لَا تَغْضَبُ (فَرَدَدَ مَرَارًا، قَالَ: (لَا تَغْضَبُ)^۲

۱ - سوره آل عمران آیات ۱۳۳ و ۱۳۴

۲ - صحیح البخاری، کتاب الادب، باب الحذر من الغضب

از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده که مردی عرض کرد یا رسول الله ﷺ! مرا سفارش ده به کرداری سودمند. فرمود: خشم مگیر. آن مرد چند بار همین سؤال را پرسید، و باز پیامبر فرمود: خشم مگیر و غضب مکن.

در شرح این حدیث مبارک حضرت پیامبر اکرم ﷺ به شدت و با تکرار از خشم و غضب منع شده است- و برای شرح بیشتر موضوع دو آیه از سوره آل عمران بشکل تمهیدی نیز ذکر گردید- در آیات مذکور ذکر گردیده است، برای اینکه مغفرت الله تعالی را حاصل نمایم با یکدیگر مسابقه دهیم، تا جنت پرودگار را حاصل نمائیم، جنتی که گستره آن به پهنای آسمانها و زمین است و این همه برای اهل تقوی مهیا شده است- در آیه دوم اوصاف اهل تقوی بیان گردیده است، و آن انفاق مال در راه خدا جهت کسب خوشنودی الله تعالی است- انفاق مال بر دو قسم است، قسم اول کمک و همکاری با فقراء، مساکین، ایتام، مسافران... است، و قسم دوم، انفاق مال برای ترویج و گسترش دین الله تعالی می باشد. نکته که قابل تذکر در آیه مبارکه پیرامون اهل تقوا است، اهل تقوا کسانی اند که در حالت وسعت و تنگدستی انفاق می کنند و فشار محبت مال و مشکلات اقتصادی مانع شان نمی گردد. وصف دوم اهل تقوی این است، هرگاه چیزی سبب خشم شان شد خشم خود را فرو می خورند و از خطاء و اشتباهات مردم گذشت می کنند- درست است که بعضی اوقات بنا بر اشتباه و خطای دیگران دچار خشم و غضب می گردیم، اما تقوی زمانی به نمایش گذاشته می شود که در مقابل خشم و غضب از خود عکس العمل منفی نشان ندهیم در چنین حالتی است که جزء گروه محسنان شده و محبوب او تعالی می گردیم.

در شرح حدیث نبوی باید بگوئیم- حضرت پیامبر اکرم ﷺ فرمودند، تا از خشم و غضب اجتناب نمائیم، و تسلیم آن نگردیم- حضرت حسن بصری

رحمه الله فرموده که خشم انسان به سه نوع است - نوع اول آن مکمل انسان است، نوع دوم سبب نیمه شدن انسان می‌گردد و انسان را از کامل شدن پائین می‌آورد، و نوع سوم برعکس دو نوع اول و دوم است و آن این است که: (لَيْسَ بِرَجُلٍ) یعنی در او چیزی به نام انسانیت یافت نمی‌گردد، بلکه حیوان است - انسان کامل آن است که دیر به خشم و غضب آمده و در صورتیکه خشمگین شد زود از او رفع می‌گردد - انسان نامکمل آن است که زود خشمگین شود و زود نیز خشم او رفع شود.

و آنکه چیزی از انسانیت در او سراغ نمی‌گردد، کسی است که زود بر سر خشم آمده و دیر خشم و غضبش رفع می‌گردد، با تعاریفی که از انسان شده است این نوع تعامل را تعامل انسانی گفته نمی‌توانیم، لهذا در مورد خشم فهمیدن این سه نوع ضروری است و بر ما لازم است تلاش نموده تا انسانی کامل باشیم.

این نکته را باید یاد آوری کنم که در بین تعصب و غیرت ذاتی و تعصب و غیرت دینی بسیار فرق است یعنی در تعصب ذاتی اگر کدام کسی بر ذات، شهرت، عزت، خاندان، قوم و یا وطن حمله ور شود. در نتیجه انسان خشمگین می‌شود که چنین خشم نه اینکه ارزشی ندارد بلکه گناه هم محسوب می‌گردد، و هرگاه بر دین الله تعالی بی حرمتی صورت گیرد، تعصب و غیرت دینی اگر شعله ور شود، چنین تعصب و حمیتی دارای ارزش و قیمت است، چراکه مورد اول برای شخص خود است و مورد دوم برای الله متعال و دین او می‌باشد. در اخیر تذکر داده می‌شود، حضرت پیامبر اکرم ﷺ سه بار با تاکید اکید فرموده‌اند [لَا تَغْضَبْ، لَا تَغْضَبْ، لَا تَغْضَبْ] - از این طرز بیان پیام بزرگی را حاصل کرده می‌توانیم و آن اینکه در حقیقت این تاکید برای تشخیص و علاج شخص فرد مقابل بوده است - برای معالج امراض روحانی اشخاص و تشخیص

امراض روحانی توسط مشایخ بسیار مهم است که به همین گونه به علاج دیگران پردازند.

بدون شک انبیاء و رسل علیهم السلام مربی انسانیت بودند، و یک قسمت عمده رسالت شان در واقع تربیه روحی مردم بوده است، به همین ترتیب مشایخ بزرگوار همانطوریکه تربیه و تزکیه را از اساتید دلسوز شان فرا گرفته اند، کار تربیه زیر دستان شان را به همین شیوه پیش می برند.

کار تربیه و تزکیه بیماران روحی و معنوی به یک شیوه نیست، بلکه نظر به مزاج و طبیعت افراد که دچار امراض اند با در نظر گرفتن نوع مرض شان باید به معالجه شان پرداخته شود.

شیوه معالجه افراد به گونه تدریجی از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ثابت است ایشان صلی الله علیه و آله ورد یکی از دعاها را برای همه توصیه فرموده اند مانند دعای بعد از نماز (اللهم اعنی علی ذکرک و شکرک و حسن عبادتک) و غیره، اما بعضی اذکار را مشخصاً برای یک تعداد از افراد مشخص توصیه نموده و او را ملزم بر انجام آن میدانستند، بناءً بر بیان و مشایخ عظام باید حالات افراد را دیده و مطابق به وضعیت شان اقدام به معالجه نمایند، عده از افراد حب دنیا و کالاهای آن در قلب شان لانه کرده، عده به شهوات دل بسته و معتاد آن شده اند، عده بر گناه عادت کرده اند، بناءً باید مطابق به منهج تربیتی نبی مکرم اسلام در رفع امراض اقدام صورت گیرد و بر هر یک دارویی مخصوص مرض شان تجویز گردد. لهذا حدیثی را که از نظر گذرانیدیم آن حضرت صلی الله علیه و آله برای شخصی که همواره دچار خشم و غضب گردیده، و زمانی که به محضر مبارک آن حضرت آمده و از ایشان نصیحت می طلبد، مبارک صلی الله علیه و آله با تاکید برای وی او را از اعمال خشم و غضب باز میدارند و با تجویز یک نسخه موثر طبق مرض او (Personal Prescription) این گونه به علاج او می پردازند.

حدیث ۱۷

رفتار انسانی

﴿بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۱

آری! هرکس خالصانه روبه خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او در پیش خدایش محفوظ است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین خواهند گردید (و بهشت و سعادت اخروی در انحصار هیچ طائفه و نژاد خاصی نیست).

عن أَبِي يَعْلَى شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ رضی اللہ عنہ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ:
إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا
الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَةَ، وَلْيُحِدَّ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ،
وَلْيُرِخْ ذُبِيحَتَهُ^۲

۱ - سورة بقره آیه/ ۱۱۲

۲ - صحیح مسلم، کتاب الصيد و الذبائح و ما یوکل من الحيوان، باب الامر باحسان الذبح والقتل و تحديد الشفرة

"از ابی یعلی که نام او شداد بن اوس رضی الله عنه است روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: خدا نیکویی نمودن در حق هر چیز را واجب کرد، پس هرگاه چیزی را کشتید، کشتن را به بهترین صورت انجام دهید، و هرگاه ذبح نمودید، پس به بهترین حالت ذبح کنید و کارد خود را تیز کنید و حیوان مورد ذبح را زود راحت کنید"

حدیث فوق از جمله احادیث جوامع الکلم است - حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند که الله تعالی برایم کلمات نهایت جامع عطا نموده است [او تیت جوامع الکلم] - یعنی خاصیت کلام حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این است که در مختصرترین الفاظ شان به اندازه بحر معانی و هدیایات نهفته است.

لزوم احسان بر هر چیز

حدیثی را که ما مطالعه می‌نمائیم در آن لفظ "احسان" ذکر گردیده است و ما بطور عام از لفظ "احسان" دیگر معنی داریم یعنی با کسی نیکی کردن اما در زبان عربی "احسان" به این معنی است (انجام کار را با نهایت زیبایی و دقت) چنانچه احسان اسلام به این مفهوم است که اسلام یک شخص بسیار زیبا و مقبول باشد - یعنی در آن خوبی ها موجود باشد، در آن روشنی باشد، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند! حتی اگر حیوانی را میکشید، کشتن آن را به بهترین وجه ممکن انجام دهید، چراکه خدای تعالی نیکی نمودن در حق هر چیز را واجب کرده است، و اگر معاشرت و تعاملات هر کسی در کار به گونه خوب انجام داده شود در آن کار خوبی ها بوجود آمده و بر خوردار از خیر و برکت خواهد شد، در ادامه گفتار آنحضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند، هرگاه چیزی را کشتید، کشتن را به بهترین صورت انجام دهید، مثالش کسیکه مرتد می‌گردد، بناءً در صورتیکه از کار خود توبه نکند، سزایش کشتن است، اما این کشتن باید به شیوه انسانی باشد و از مثله نمودن و دیگر امور غیر انسانی و اخلاقی

باید اجتناب صورت گیرد، در حقیقت الله تعالی این نوع جزاها را برای عبرت گرفتن مردم وضع نموده است، تا جامعه انسانی و اسلامی دچار آشوب و هرج مرج نگردیده و اوقات مردم با تلخی همراه نباشد، در ادامه حدیث شریف ذکر گردیده است حتی اگر کدام حیوانی را ذبح می‌کنید پس به خوبی ذبح کنید، مثلاً شما وقتی حیوانی را ذبح می‌کنید لازم است تا حیوان را به شیوه درست ذبح نموده تا حیوان دچار آزار و اذیت اضافی نگردد، چاقوی تان باید تیز و آماده باشد، در صورتی که شما این کار را انجام داده نمی‌توانید، باید توسط یک فرد ماهر این کار به انجام رسد، تا حیوان اذیت نشود، چون حیوان هم دارای جان و احساس است، وقتی گوشت حیوان ذبح شده بر ما حلال گردیده باید در ذبح آن کمترین تکلیف را به حیوان بدهیم.

حدیث

۱۸

خوش اخلاق بودن

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾^۱
آئین چه کسی بهتر از آئین کسی است که خالصانه خود را تسلیم خدا کند،
در حالی که نیکوکار باشد و از آئین راستین ابراهیم پیروی کند که مخلص و
حقّ جو بود (وحدت دینی مسلمانان و یهودیان و مسیحیان در او به هم می‌رسد).

عن أبي ذرٍّ جُنْدُبِ بْنِ جُنَادَةَ وَأَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُعَاذِ بْنِ
جَبَلٍ رضی اللہ عنہ عن رسولِ الله صلی اللہ علیہ وسلم قَالَ: (اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ،
وَاتَّبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا، وَخَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ)^۲

”از ابوذر رضی اللہ عنہ که نام او جندب بن جناده است و از ابو عبد الرحمن رضی اللہ عنہ که نام او
معاذ بن جبل است روایت شده که فرستاده برحق خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: ”بترس از

۱ - سورة نساء آیه / ۱۲۵

۲ - سنن الترمذی، ابواب البر و الصله، باب ما جاء فی معاشره الناس

خدا هر جا که باشی و به دنبال بدی کار خوبی را انجام بده، تا آن کار نیک بدی را پاک کند، و با مردم به خلق و خوی خوش رفتار کن"

حدیث فوق از دو صحابه رضی الله عنهما که مرتبه بلندی در صحابه دارند روایت گردیده است، به همین سبب اهمیت این حدیث نیز زیاد است - حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند، از خداوند بترسید در هر جایی که قرار دارید، و بعد از انجام دادن هر بدی ضرور است تا نیکی انجام بدهی که سبب کفاره گناه گردد، با مردم با اخلاق نیک رفتار کن - این توصیه ها در اصل تهذیب و تربیه اسلامی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی دیگر فرمودند [خشیه الله فی السرّ و العلانیه] "یعنی تقوی و ترس از او تعالی را در نهان و آشکار بر خود لازم بگیر" چه در حال خفا که کسی ما را جز الله تعالی نمی بیند و چه آنگاه که در آشکارا کاری انجام میدهیم، باید ملاحظه مراقبت و حضور پروردگار را در نظر داشته باشیم. همچنان در حدیث شریف تذکر داده شده است، هرگاه اگر انسان مرتکب کدام گناه و معصیت شود باید فوراً توبه نموده و کاری نیک انجام دهد، کارهای نیک عبارت از صدقه دادن، خیرات، انجام نوافل و یا به نحوی وقت خویش برای خدمت به دین صرف کردن است. با انجام دادن این اعمال آثار گناه و معصیت محو می شود چنانچه از آنحضرت در باره توبه خالصانه روایت شده که فرمودند: [التائب من الذنب کمن لا ذنب له] (سنن ابن ماجه، کتاب الزهد، باب ذکر التوبه) "کسی که از گناه توبه می کند انگار که او هیچ گناه نکرده است"

در آموزه های اسلامی دروازه توبه بسیار فراخ توصیف شده است و آنکس که بگونه حقیقی توبه کند، چنان از گناه پاک میشود که انگار گناهی نکرده است، در سوره مبارکه فرقان الله تعالی می فرماید: ﴿فَأُولَٰئِكَ يَبْدَلُ

اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ^۱

"که خداوند (گناهان چنین کسانی را می‌بخشد و) بدیها و گناهان (گذشته) ایشان را به خوبیها و نیکیها تبدیل می‌کند"

موضوع سومی که در این حدیث بیان گردیده، این است که با مردم با اخلاق نیکو تعامل نمائیم، حضرت عمرو بن عبسہ رضی الله عنه بیان نموده که من خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حاضر شدم تا از جناب شان چند سوال نمایم، پرسیدم! بهترین ایمان کدام است؟ ایشان در جواب فرمودند: (خلق حسن)^۲

"ایمانی برتر است که همراه با اخلاق حسنه باشد (یعنی با مردم به خوبی رفتار کند)"

حضرت ابوالدرداء رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: [ما شیء اثقل فی میزان المؤمن یوم القیامه من خلق حسن]^۳

"در روز قیامت در عمل نامه بنده مومن از حسن اخلاق بالاتر هیچ عملی سنگین تر نخواهد بود"

به همین سبب حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: [تَبَسُّمُکَ فِی وَجْهِ اخِیکَ لَکَ صَدَقَه]^۴ "با برادر خود با چهره متبسم ملاقات کردن برایت صدقه است" یعنی اگر با برادر خود با چهره متبسم گفتگو کنی یا با چهره متبسم استقبال کسی را کنی و در دل او خوشی ایجاد شود، این کار به ذات خود نوعی صدقه در نزد خداوند محسوب می‌گردد- پیامبر رحمت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله هنگامیکه با کسی مصافحه می‌کرد تا وقتی که شخص مقابل دستش را رها نمی‌کرد ایشان صلی الله علیه و آله دستش را رها نمی‌کردند، چرا که دست خود را کشیدن خلاف

۱ - سوره فرقان آیه / ۷۰

۲ - مجمع الزوائد للهیثمی

۳ - ترمذی

۴ - ترمذی

مروت و شرافت است - به همین ترتیب هنگامیکه کسی با آنحضرت ﷺ گفتگو می کرد آنحضرت ﷺ متوجه اش بوده و کاملاً سخنان او را استماع می کردند، بگونه متواضعانه با طرف مقابل صحبت می نمودند که اصلاً آثار تکبر در ایشان دیده نمی شد.

اهمیت اخلاق حسنه

در تعلیمات اسلامی اخلاق حسنه دارای اهمیت زیاد است - در این مورد حدیثی از حضرت عائشه صدیقۀ (رض) روایت شده است، یکبار آنحضرت ﷺ در حجره ایشان تشریف داشتند برایشان گفته شد که فلانی به ملاقات تان آمده است - آنحضرت ﷺ او را داخل حجره خواستند - آنحضرت به شیوه بسیار عالی از آن مرد پذیرایی نموده و سخن زدند، هنگامیکه از محضر شان مرخص شد، حضرت عائشه (رض) فرمود: یا رسول الله ﷺ: شما در مورد این شخص چیزهای می گفتید (یعنی از رویه نادرست او) و در عین حال از او استقبال خوب نمودید، با او بسیار محبت نمودید، و از او اکرام نمودید، آنحضرت ﷺ فرمودند، او اگر هر کاری بدی کرده باشد، خود جوابگوی اعمالش است، اما من چرا با او به خوبی رفتار نکنم و اخلاق نیکو را در مقابلش رعایت نکنم!

مهمترین پیام حدیث شریف همانا داشتن رابطه نیکو با مردمان است، و مسلمان باید از چنین اخلاقی نیکو بر خوردار باشد، چون تقاضای ایمان چنین است، ایمانی که با خود اخلاق نیک به همراه نداشته باشد، دارای ارزش بوده نمی تواند، الله متعال برای همه توفیق انجام اعمال نیک و رعایت اخلاق حسنه عنایت فرماید. آمین یا رب العالمین!

حدیث

۱۹

خدا را به یاد داشته باش

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ* الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ* إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ
نَسْتَعِينُ* اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ* صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ
عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ*﴾^۱

"ستایش خداوندی را سزا است که پروردگار جهانیان است. بی نهایت
بخشنده بی نهایت مهربان است. مالک روز سزا و جزا است. تنها تو را
می پرستیم و تنها از توییاری می طلبیم. ما را به راه راست راهنمایی فرما. راه
کسانی که بدانان نعمت داده ای؛ نه راه آنان که بر ایشان خشم گرفته ای، و نه راه
گمراهان و سرگشتگان"

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۲

"هیچ واقعه و حادثه ای جز به فرمان و اجازه خدا رخ نمی دهد، و هر کس
که به خدا ایمان داشته باشد، خدا دل او را (به ثبات و آرامش، و خوشنودی به

۱ - سوره فاتحه آیات ۱/۱۱ الی ۷

۲ - سوره تغابن آیه ۱۱

قضا و قدر الهی می‌رساند و) رهنمود می‌گرداند، و خداوند از هر چیزی کاملاً آگاه است"

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾

"هیچ رخدادی در زمین به وقوع نمی‌پیوندد، یا به شما دست نمی‌دهد، مگر این که پیش از آفرینش زمین و خود شما، در کتاب بزرگ و مهمی (به نام لوح محفوظ، ثبت و ضبط) بوده است، و این کار برای خدا ساده و آسان است"

﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾^۱

"این بدان خاطر است که شما نه بر از دست دادن چیزی غم بخورید که از دستتان بدر رفته است، و نه شادمان بشوید بر آنچه خدا به دستتان رسانده است. خداوند هیچ شخص متکبر فخرفروشی را دوست نمی‌دارد"

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾^۲

"چرا که همراه با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است، مسلماً با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است"

عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ رضي الله عنه قَالَ: كُنْتُ خَلْفَ النَّبِيِّ ﷺ يَوْمًا، فَقَالَ: يَا غُلَامُ! إِنِّي أَعَلَّمُكَ كَلِمَاتٍ: أَحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ، أَحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ تُجَاهَكَ، إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ، وَإِذَا اسْتَعْنَيْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ الْأُمَّةَ لَوِ اجْتَمَعَتْ عَلَىٰ أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَنْفَعُوكَ إِلَّا

۱ - سوره حدید آیه/ ۲۲

۲ - سوره حدید آیه/ ۲۳

۳ - سوره انشراح آیات/ ۵ و ۶

بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ لَكَ، وَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَيَّ أَنْ يَضُرُّوكَ
بِشَيْءٍ لَمْ يَضُرُّوكَ إِلَّا بِشَيْءٍ قَدْ كَتَبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، رُفِعَتْ
الْأَقْلَامُ وَجَفَّتِ الصُّحُفُ» (رواه الترمذی وقال حدیث حسن
صحیح، وفي رواية غير الترمذی: (أَحْفَظُ اللَّهَ تَجِدُهُ أَمَامَكَ،
تَعْرِفُ إِلَى اللَّهِ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفُكَ فِي الشَّدَّةِ، وَاعْلَمْ أَنَّ مَا
أَخْطَاكَ لَمْ يَكُنْ لِيُصِيبِكَ، وَمَا أَصَابَكَ لَمْ يَكُنْ لِيُخْطِئَكَ،
وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ، وَأَنَّ الْفَرَجَ مَعَ الْكُرْبِ، وَأَنَّ مَعَ
الْعُسْرِ يُسْرًا^۱

از ابوالعباس عبدالله بن عباس رضی اللہ عنہ روایت شده که گفت: من روزی پشت
سر پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم بودم، فرمود: ای جوان! من تو را چند کلمه می آموزم: خدا را
نگهدار تا خدا تو را نکه دارد، خدا را نکه دار تا او را روبرویت بیابی، هرگاه
چیزی خواستی از خدا بخواه، و هرگاه خواستی کمک بجویی پس از خدا
کمک بجوی، و یقین بدان که اگر همه امت جمع شوند تا نفعی به تو برسانند
نمی توانند، مگر نفعی که خدا بر تو نوشته باشد، و اگر همه امت جمع شوند
تا زیانی به تو برسانند نمی توانند، مگر زیانی که خدا بر تو نوشته باشد، قلمها
برداشته شدند و نامه ها خشک شدند.

این حدیث را ترمذی روایت نمود و گفت: این حدیث حسن و صحیح است،
و در روایت غیر از ترمذی به این لفظ است: خدا را نگهدار تا او را جلو خلوت
بیابی، خودت را به خدا بشناسان در خوشی، تا خدا تو را در سختی بشناسد، و
یقین بدان که در واقع آنچه به تو نرسید، امکان نداشت که به تو برسد، و آنچه به
تو رسید، ممکن نبود که به تو نرسد، و یقین بدان که در حقیقت یاری خدا همراه

شکیبایی است و گشایش همراه سختی است، و با هر دشواری آسانی است. اولین نصیحت و ارشاد آن حضرت پیامبر ﷺ این است که باید از حافظ احکام الله تعالی باشیم، یعنی حکم و فرمان او تعالی را زیر پا نکنیم، و نتیجه محافظت از احکام الهی این است که حفاظت خدا شامل حال ما خواهد گردید.

دومین ارشاد آنحضرت این است که، یاد الله تعالی را در دل‌های خود زنده داشته باشیم و خانه دل ما خالی از یاد و ذکر او تعالی نباشد، نتیجه این کار در حقیقت حفاظت الله تعالی را متوجه ما میسازد چنانچه در سوره مبارکه بقره الله تعالی چنین ارشاد می‌کند ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ﴾^۱
 "پس شما مرا یاد کنید، من شما را یاد می‌کنم"

سومین ارشاد نبوی صلی الله علیه و سلم این است تا الله تعالی را همواره یاد کنیم، در نتیجه الله تعالی را در مقابل خود خواهیم یافت، جای الله در قلب انسان مومن است، هر زمان بخواهیم میتوانیم با الله تعالی به راز و نیاز پردازیم - در دعا‌های مان از او کمک بخواهیم، چنانچه در سوره مبارکه "ق" می‌فرماید ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَمُ مَا نُوسُوهُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾^۲

"همانا ما انسان را آفریدیم و میدانیم آنچه را که نفس او وسوسه می‌کند و ما از شاه‌رگ گردن هم به او نزدیکتر هستیم"

الله تعالی در دل‌ها موجود است، لهذا متوجه دل‌های مان باشیم - حضرت بیدل فرموده است:

۱ - سوره بقره آیه / ۱۵۲

۲ - سوره ق آیه / ۱۶

ستم است اگر هوست کشد که بسپرِ سر و سمن در
تو زغنچه کم ندیده ئی در دل کشا بچمن در

نهایت ستم است که برای برآورده کردن خواهشات خود در باغچه بروی و گلها را نظاره کنی، در صورتیکه خودت کمتر از گل نیستی، چراکه الله تعالی انسان را اشرف مخلوقات معرفی نموده است، تو خود دروازه دلت را باز کن و در چمنی که در دل تو است سیر و نظاره کن!

نصیحت چهارمی که حضرت پیامبر اکرم ﷺ نموده اند این است! هر زمان طالب چیزی شدیم باید از الله تعالی بخواهیم و بغیر از الله دست سوال پیش هیچ کسی دراز نکنیم - در قواعد و قوانین دنیوی از کسی کمک و همکاری خواستن حرام نیست، اما آنچه باید به آن توجه داشت این است که بر خواسته مان زیاد اصرار نکنیم - چراکه در حالات عادی از همدیگر کمک و همکاری خواستن و به همدیگر کمک کردن اساس دنیا قیام و قوام دنیا است، با کمک و دستگیری به یک دیگر امور دنیا به سر انجام میرسد، اما بلند ترین مقام این است که غیر از الله تعالی از هیچ کسی سوال نکنیم.

از دیدگاه اسلام عزیز، اعمال فردی و اجتماعی انسان باید مبتنی بر ایمان به الله تعالی باشد، و ایمان به او تعالی از خود خواسته های نیز به همراه دارد و آن اینکه؛ عبادت صرف باید برای الله تعالی باشد و دیگر اینکه برای رفع نیازمندی ها باید به آدرس او تعالی مراجعه صورت گیرد و همه نیازها و خواسته به او تعالی عرضه گردد.

پنجمین ارشاد پیامبر اکرم ﷺ این است تا هنگام بر خوردار بودن از آسایش به یاد و ذکر الله تعالی باشیم، تا او تعالی هنگام سختی و شدايد به داد و فریاد ما رسیدگی کند، بناءً باید هنگام رفاه و بر خوردار بودن از نعمات الهی از یاد

و ذکرش غافل نگردیم، چون زندگی ما انسانها همراه است با فراز و نشیب‌ها، اگر می‌خواهیم بار شدائد و مصیبت‌ها بر شانه‌های ما سنگینی نکند، باید هنگام رفاه و آسایش به یاد و ذکر الله تعالی باشیم.

مالک نفع و ضرر فقط الله تعالی است!

در ادامه حدیث نبوی صلی الله علیه و سلم مربوط به بحث قضا و قدر می‌باشد، آنحضرت ﷺ ارشاد نمودند! یقین داشته باش اگر همه امت جمع شوند تا نفعی به تو برسانند نمی‌توانند، مگر نفعی که خدا بر تو نوشته باشد. در ادامه سخنان و ارشادات شان فرمودند! و اگر همه امت جمع شوند تا زیانی به تو برسانند نمی‌توانند، مگر زیانی که خدا بر تو نوشته باشد، هرگاه انسان به چنین یقینی دست پیدا کرد، بر خورد از شجاعت کامل می‌گردد و هیچ ترسی و هراسی به خود راه نخواهد داد و مصداق این آیه قرآنی قرار خواهد گرفت، ﴿إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

"هان! بیگمان دوستان خداوند (سبحان) ترسی بر آنان (از خواری در دنیا و عذاب در آخرت) نیست و (بر از دست رفتن دنیا) غمگین نمی‌گردند (چرا که در پیشگاه خدا چیزی برای آنان مهیا است که بسی والاتر و بهتر از کالای دنیا است)"

باید دانست، که اولیاء الله مخلوق علیحده غیر از دیگران نمی‌باشند، بلکه فرق شان با دیگران در این است که آنان به یقین کامل رسیدند که نفع و ضرر در زندگی شان فقط در دست خدا است و الله تعالی آنها را به سبب ایمان، تقوی، نیکوکاری و صبر که دارند دوست دارد!

در آخرین بند حدیث، پیامبر اکرم ﷺ فرمودند! «رُفِعَتِ الْأَقْلَامُ» قلم‌ها

برداشته شدند، زیرا نوشته تمام شده است، «وَجَفَّتِ الصُّحُفُ» و نامه‌ها خشک شدند، زیرا نوشته به آخر رسید، پس وقتی نوشته و سرنوشت حتمی است، چرا روبه نویسنده نیاوری؟ و وقتی که از امور کاینات فراغت حاصل شده، چرا با فراغ خاطر به درگاه خدای متعال نزدیک نشوی؟

در متن دوم حدیث شریف ذکر گردیده است، و یقین داشته باش که در واقع آنچه به تو نرسید، امکان نداشت که به تو برسد، و آنچه به تو رسید، ممکن نبود که به تو نرسد، بنابر این بدست آوردن و از دست دادن نعمات چیزهای اند که در تقدیر ما نوشته شده است و باید به آن تسلیم بود. چنانچه ارشاد الله تعالی چنین است، ﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

"هیچ واقعه و حادثه‌ای جز به فرمان و اجازه خدا رخ نمی‌دهد، و هر کس که به خدا ایمان داشته باشد، خدا دل او را (به ثبات و آرامش، و خوشنودی به قضا و قدر الهی می‌رساند و) رهنمود می‌گرداند، و خداوند از هر چیزی کاملاً آگاه است"

در این آیه معنی "هدایت" به معنی "تسلیم و رضا" است، یعنی معامله بنده با الله تعالی بر بنیاد تسلیم و رضا می‌باشد، یعنی ای الله! از سوی تو برایم هر مشکلی که پیش بیاید قبول دارم، ظاهراً من در تکلیف هستم، اما یقین دارم که در بطن این مصیبت خوبی‌های نیز برایم نهفته است.

صبر و کامیابی، تنگی و گشایش، سختی و آسانی باهم اند!

در این بند حدیث حضرت پیامبر اکرم ﷺ سه حقیقت مهم را بیان نمودند!
اول: بیان فرمودند (واعلم ان النصر مع الصبر) "و بدان! که مدد الله با صبر

می آید - هر مصیبت و ناخوشی که از سوی الله تعالی به طرف تو آمد، آن را بپذیر و از آن شکوه و شکایت نکن - مولانا محمد علی جوهر بار اول به زندان انداخته شد و یکی از دخترانش فوت نمود، بار دوم باز به زندان انداخته شد و دختر دومی او به همان مریضی فوت کرد - هنگامیکه اطلاع حاصل نمود این اشعار را زمزمه میکرد؛

تیری صحت همین منظور بی اما
اُس کو نہیں منظور تو پھر ہم کو بھی نہیں منظور

دخترم! من می خواهم که صحتمند شوی، اما اگر الله تعالی این را قبول نکند پس من را نیز قبول نیست. سر تسلیم خم است به هر چه که مزاج یار بیاید!

حقیقت دوم: (و ان الفرج مع الكرب) "و گشایش خدا همراه سختی است" فرج به معنی باز شدن و گشادگی و این گشادگی، به کرب و تکلیف وابسته می باشد، و این چنین سنت الله تعالی بر کائنات حاکم است.

حقیقت سوم: (و ان مع العسر يسرا) "و با هر دشواری آسانی است" - به همین دلیل من دو آیه از سوره مبارکه انشراح را ذکر نمودم: ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾

«چرا که همراه با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است. مسلماً با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است»

الله تعالی نظام دنیا را به گونه آفریده که سختی ها و هم آسانی همراه هم اند و برای رسیدن به آسانی باید از پل سختی ها عبور کنیم، چرا که سختی و مشقت ها بر زندگی انسانها گره خورده است - به همین سبب الله تعالی در

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾

"ما انسان را در میان مشقت پیدا کردیم"

از الله تعالی می‌خواهیم بر ما توفیق عنایت فرماید تا به ارشادات همه جانبه

نبوی ﷺ در این حدیث مبارک جامه عمل بپوشیم - آمین یا ربّ العالمین!

حدیث ۲۰

حیاء جزء ایمان است

﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾^۱

یکی از آن دو (دختر) که با نهایت حیاء گام بر می داشت (و پیدا بود که از سخن گفتن با یک جوان بیگانه شرم دارد) به پیش او آمد و گفت: پدرم از تو دعوت می کند تا پاداش این که (لطف فرموده و آب از چاه بیرون کشیده ای و بدان گوسفندان) ما را آب داده ای، به تو بدهد. هنگامی که موسی به پیش پدر او آمد و سرگذشت خود را برای وی بیان کرد، گفت: نترس که از مردمان ستمگر رهائی یافته ای (و اینجا از قلمرو آنان بیرون است و دسترسی به تو ندارند).

عَنْ أَبِي مَسْعُودٍ عُبَيْدَةَ بْنِ عَمْرِو الْأَنْصَارِيِّ الْبَدْرِيِّ رضی الله عنه قَالَ:
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ مِمَّا أَدْرَكَ النَّاسُ مِنْ كَلَامِ النَّبُوَّةِ

الأولى إِذَا لَمْ تَسْتَحِ فَاصْنَعْ مَا شِئْتَ^۱

"از ابی مسعود که نام او عقبه بن عمرو انصاری بدری است رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: محققاً از آنچه مردم از سخن پیغمبران پیشین دریافته‌اند، این است که هرگاه شرم نداشتی، آنچه خواستی انجام بده"

این حدیث مبارک نبوی نهایت مختصر است اما از لحاظ موضوع جامع ترین می‌باشد- حدیث از ابو مسعود عقبه بن انصاری بدری روایت شده است، ایشان از یاران بدر بودند و از مردم انصار می‌باشند، این حدیث را امام بخاری در صحیح خود روایت نموده است- حضرت ابو مسعود رضی الله عنه می‌فرماید که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: (ان مما ادرك الناس من كلام النبوه الاولى) (یعنی در کلام نبوت اولی یا انبیای گذشته) این است که: (اذا لم تستح فاصنع ما شئت) "اگر پرده حیاء از تو برداشته شد و شرم نکردی، پس آنچه خواهی کن!". بطور مثال انسان که شراب می‌نوشد شراب در تمام قسمت‌های دماغ پخش می‌شود و در نتیجه مغز را بی‌حس می‌سازد و به همین ترتیب خوف و حیاء از انسان شارب الخمر برطرف می‌شود و چنین کسی که شراب می‌نوشد عاری از حیاء و تهی از خوف الله متعال است. به همین سبب پیامر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند که حیاء شعبه و بخشی از ایمان است- ماده حیاء در زنان از مردان بیشتر است و این از زیبایی‌های زنان محسوب می‌گردد.

در سوره قصص به گونه زیبا از داستان دختران شعیب یاد آوری گردیده است، هنگامی که حضرت موسی علیه السلام از صحرا سیناء عبور کرد، بسیار گرسنه و تشنه بود و به دیار مدین رسید در آنجا نزدیک چاه آب رفت و دید که دو دختر نزدیک چاه آب در گوشه‌ی ایستاده‌اند و گوسفندان شان را از نوشیدن آب جلوگیری

می‌کنند. حضرت موسی (ع) پرسید چرا اجازه نمی‌دهید تا گوسفندان تان آب بنوشند؟ آن دو دختر گفتند که پدر ما پیر و افتاده است و این چوپان‌ها بسیار سخت دل‌اند- لهذا تا وقتی که آنها رمه‌های خود را آب ندهند ما برای رمه خود آب داده نمی‌توانیم- چون حضرت موسی (ع) طبیعت جلالی داشت، لهذا او نزدیک چاه آب رفت و دیگر چوپان‌ها و رمه‌ها را از چاه دور کرد و به همین ترتیب رمه آن دو دختر را آب داد و آن دو دختر رمه خود را بردند- بعداً حضرت موسی (ع) زیر درختی برای استراحت نشستند و با خود این دعا را زمزمه می‌کردند ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾^۱

"پروردگارا! من نیازمند هر آن چیزی هستم که برایم حواله و روانه فرمائی."

این انتهای فقر است- یعنی ای الله هر خیر که در دامن من بیندازی من محتاج آن هستم، از طرفی دیگر آن دو دختر به خانه خود رفتند و برای پدر خود ماجرای موسی و خدمت اش را بیان نمودند- حالا از بین این دو دختر یک دختر هنگامیکه پیام را برای پدر خود گفت در مورد طرز و روش آن در قرآن کریم بیان شده است که نهایت زیبا است و معلوم می‌گردد که در رفتار آن دختر نیز حیاء وجود داشت- در قرآن کریم چنین ذکر گردیده است: ﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْثِلِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ﴾^۲

"یکی از آن دو (دختر) که با نهایت حیاء گام برمی‌داشت (و پیدا بود که از سخن گفتن با یک جوان بیگانه شرم دارد) به پیش او آمد"

قسمتی از داستان سیدنا موسی (ع) به این خاطر بیان شد، چراکه در باب شرم و حیاء پند و اندرزهای زیبایی به همراه دارد و از اهمیت خاص برخوردار است. در حال حاضر تمام تلاش غرب بر این متمرکز شده است که زن را بی حیاء

سازد، و دیده میشود که در کار خود در حد زیادی موفق بوده است، چرا که بی حیائی به انتهای خود رسیده است- و تلاش بر این دارند تا شرم و حیاء از تمام دنیا خاتمه پیدا کنند- در سال ۱۸۹۷ م در کنفرانس (Protocols of the elders of the Zion) در سویدزرنلند که در شهر (Basel) برگزار گردید، در این کنفرانس یهودیان بلند پایه نیز اشتراک کرده بودند که بیشتر آنان سرمایه داران و بانکداران بودند، حرکت صهیونستی (Zionist Movement) را نیز همین گروه ایجاد کردند و اینان یهودیان مذهبی نیستند بلکه سیکولران هستند- در آن کنفرانس قوانینی را که برای نوع انسانی طرح ریزی کردند یکی مواد آن این بود که باید شرم و حیاء را از بین مردم دور کنند، تا بدینوسیله انسانیت انسان را تبدیل به حیوانیت کنند و بعداً هر طوریکه بخواهند از این حیوان سود ببرند، این فلسفه و طرز دیدگاه یهود است که غیر از یهودی تمام انسانها دیگر انسان نبوده بلکه بخاطر خدمت به یهود به شکل انسان آفریده شده اند، آنان برای غیر یهودی الفاظ مانند (Gentiles) و (Goy'ims) را استفاده می کنند- آنان به این باوراند که انسان هر طوریکه خواسته باشد میتواند از حیوانات بهره ببرد، بناءً از غیر یهودی به هر شکلی که میشود باید بهره برد و از آن در جهت منافع خود استفاده کرد.

و این باور در کتاب مذهبی یهودیان "تلمود" که کتاب احکام آنان است، ذکر گردیده و کتاب مذکور از لحاظ مذهبی کتاب بسیار مهم یهودیان است- در آن کتاب ذکر گردیده است که فریب دادن، سود حاصل کردن، دزدی مال غیر یهودی جایز است- قرآن کریم این دیدگاه و عملکردشان را چنین یاد آور شده است ﴿قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيَّنَ سَبِيلٌ﴾^۱

"ما در برابر اُمّیها (یعنی غیر یهود) مسئول نبوده و بازخواستی نداریم!"

امروزه بنام آزادی زنان (Women Lib) حرکت بزرگ و خطرناکی جریان دارد، تا بوسیله این حرکت های شوم شرم و حیاء را کاملاً از دنیا ختم کنند- فعلاً پخش بی حیایی توسط سازمان ملل متحد (UNO-United Nations Organizations) تمویل می گردد و در اجندای ایشان قرار دارد- در تمام کنفرانس های که سازمان ملل متحد انجام داده است تصویب نموده که شرم و حیاء که زیور زن است باید کاملاً از بین برود- در جهان غرب برای پیاده کردن این نقشه شوم شان کاملاً موفق شده اند و حال می خواهند تا این پلان خطرناک شان در تمام دنیا عملی سازند و به این ترتیب شرم و حیاء را از جامعه انسانی تهی نمایند، در اصل این پلان از یهودیان است اما وسیله و ابزار این این پلان مسیحیان اند، در بین مسیحیان یک گروه خاص وسیله و ابزاری برای یهودیان اند که بنام (White Anglo Saxo Protestants) نامیده میشوند، و در میان این گروه اعلی ترین فرقه آن (Evangelists) می باشد که با دولت اسرائیل روابط بسیار تنگاتنگ دارند و برای تکمیل پلان های خرابکارانه یهود آله و ابزار آنان می باشند.

در غرب امروزی یک فکرة عام و رایج است و آن اینکه برای اطفال هیچگونه پابندی اخلاقی نباشد، چراکه نشو و نماى آنان به گونه مطلوب میسر نمی گردد، اما این نوع فکر سرتاسر حماقت و جهالت است، برعکس تعلیمات اسلامی است که نبی اکرم ﷺ ارشاد می فرمایند- در ارشادات آنحضرت صریحاً به این موضع اشاره شده که باید در قدم اول با اولاد خود محبت داشته باشیم، متوجه ادب و تعلیم شان باشیم و همیشه اوقات باید تحت مراقبت و نظارت باشند، تا با این نوع نظارت و تربیه روحیه شرم و حیاء در آن رشد نموده و با این روحیه مردان و زنان آینده جامعه اسلامی باشند، کسانی باشند که مایه رحمت برای خود، خانواده، جامعه اسلامی و انسانی باشند، نه مایه تنگ و عذاب!- یکی از

ارشادات مهم پیامبر اکرم ﷺ این است [مروا اولادکم بالصلاه و هم ابناء سبع سنین و اضربوهم علیها و هم ابناء عشر و فرقوا بینهم فی المضاجع] "اولادهای تان را امر به نماز کنید! آنگاه که به سن هفت سالگی رسیدند و اگر ده ساله شدند بر ترک نماز آنان را تنبیه کنید و بسترشان در سن ده سالگی جدا نمایید"

لهذا حماقت روان شناسان جدید اطفال این است که می گویند، باید بر اطفال هیچ نوع قید و بندی گذاشته نشود، تا شخصیت او مستقل و آزاد باشد و هرکاری که دلش خواست انجام دهد، باید بگوئیم این برداشت، نهایت غلط و قابل نقد جدی است، و مخالف با تعالیم ناب اسلامی می باشد.

به هر صورت حدیث شریف مملو است از درس ها و اندرزها! پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: در تعالیم همه انبیای کرام ﷺ این سخن مشهور بود (إذا لم تستحی فاصنع ما شئت) هر گاه حیاء نداشتی هر چه خواهی انجام بده، که در مثال فارسی بهترین ترجمه حدیث این جمله است "بی حیا باش هر چه خواهی کن!"

حدیث ۲۱

ایمان و استقامت

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾

بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبیله شما، و اموالی که فراچنگش آورده‌اید، و بازرگانی و تجارتی که از بی‌بازاری و بی‌رونقی آن می‌ترسید، و منازلی که مورد علاقه شما است، اینها در نظرتان از خدا و پیغمبرش و جهاد در راه او محبوب‌تر باشد، در انتظار باشید که خداوند کار خود را می‌کند (و عذاب خویش را فرو می‌فرستد). خداوند کسان نافرمان‌بردار را (به راه سعادت) هدایت نمی‌نماید.

عَنْ أَبِي عَمْرٍو، وَقِيلَ أَبِي عَمْرَةَ سُفْيَانُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ:
قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! قُلْ لِي فِي الْإِسْلَامِ قَوْلًا لَا أَسْأَلُ عَنْهُ

أَحَدًا غَيْرَكَ قَالَ: قُلْ: آمَنْتُ بِاللَّهِ ثُمَّ اسْتَقِمَّ^۱

از ابی عمرو و گفته‌اند ابی عمره که نامش سفیان پسر عبدالله ثقفی رضی الله عنه است که گفت: عرض کردم ای فرستاده برحق خدا صلی الله علیه و آله به من در باره اسلام گفتاری چنان روشن بگو که دیگر از کسی جز تو، درباره آن نپرسم. فرمود: بگو: ایمان آوردم به خدا، پس از آن بر ایمان خود استوار و پایدار باش.

این صحابی جلیل القدر از آن حضرت در خواست نصیحت نمود نصیحتی که جامع و شامل باشد و ضامن سعادت دنیا و آخرتش باشد، و پیامبر او را به استقامت در دین نصیحت کرد (قل امنت بالله ثم استقم) "بگو من ایمان آوردم بر الله و بعد ثابت قدم باش". اولین ثمره داخلی استقامت محبت الهی است، یعنی کسیکه بر ایمان به الله استقامت می‌کند در نتیجه این ایمان از خود ثمراتی بر جای می‌گذارد، ثمرات داخلی و ثمرات بیرونی، ایمان حقیقتی است که در قلب انسان تجلی می‌کند، و ظهور ایمان در بیرون از قلب مانند بیرون شدن گل از بوته است، ایمان مانند درختی است که گل‌های آن نشان از شخصیت انسان مومن است، از نشانه‌های ایمان در قلب انسان که آثارش در بیرون مشاهده می‌شود محبت به الله تعالی است، چراکه محبت به الله تعالی به انسان ثبات و استقامت می‌دهد ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾^۲ "و کسانی که ایمان آورده‌اند خدا را سخت دوست می‌دارند (و بالاتر از هر چیز بدو عشق می‌ورزند)"

اولین ثمره استقامت: لازمه محبت با خدا محبت با رسول الله صلی الله علیه و سلم و جهاد در راه خدا است ﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ

۱ - صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب جامع الاوصاف الاسلام

۲ - سوره بقره آیه/ ۱۶۵

وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تُرْضَوْنَهَا أَحَبُّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿١﴾

بگو: اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و قوم و قبیله شما، و اموالی که فراچنگش آورده‌اید، و بازرگانی و تجارتی که از بی‌بازاری و بیرونقی آن می‌ترسید، و منازلی که مورد علاقه شما است، اینها در نظر تان از خدا و پیغمبرش و جهاد در راه او محبوبتر باشد، در انتظار باشید که خداوند کار خود را می‌کند (و عذاب خویش را فرو می‌فرستد). خداوند کسان نافرمان‌بردار را (به راه سعادت) هدایت نمی‌نماید.

بناءً انسان با ادعای زبانی نمی‌تواند دعوای ایمان کند، بلکه باید ایمانش را با اعمال صالحه، محبت با خدا و رسول و جهاد و مبارزه در راه خدا ترجمه کند و این مفهوم در ایمان خود به نمایش بگذارد [لَا مَعْبُودَ إِلَّا اللَّهُ، لَا مَقْصُودَ إِلَّا اللَّهُ، لَا مَطْلُوبَ إِلَّا اللَّهُ، لَا مَحْبُوبَ إِلَّا اللَّهُ]

ثمره و نشان دوم استقامت، راضی شدن به رضای الله متعال است، و آنچه که از سوی او آید بدان رضا باید داشت و زبان شکوه و گلایه را نباید گشود، چراکه شکایت از الله منافی با ایمان و استقامت بر دین الله است، و باید یقین کامل داشت آنچه که در زندگی ما رخ می‌دهد و سبب آزار ما می‌گردد همه باذن او تعالی است ﴿قُلْ لَّنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾^۲

"بگو: هرگز چیزی (از خیر و شر) به ما نمی‌رسد، مگر چیزی که خدا برای ما مقدر کرده باشد (این است که نه در برابر خیر مغرور می‌شویم و نه در برابر

شر به جزع و فزع می پردازیم، بلکه کاروبار خود را به خدا حواله می سازیم،
(و او مولی و سرپرست ما است، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند و بس".
شاعری چه زیبا گفته؛

نشود نصیب دشمن که شود هلاکِ تیغت
سرِ دوستان سلامت که تو خنجر آزمایی
و علامه اقبال می فرماید:

برون کشید ز پیچاک هست و بود مرا
چه عقده ها که مقامِ رضا گشود مرا

مفهوم اشعار فوق این است، الله تعالی توسط ایمان من را از تمام پیچیدگی های
هست و بود بیرون نموده و مرا از مقام تسلیم و رضا بر خوردار نمود، آنچنانکه
هر چه از طرف پروردگارم بر من آید جز سر تسلیم چاره یی دیگر ندارم.
سومین ثمره استقامت توکل بر الله تعالی است، توکل یعنی، در عین فراهم
نمودن اسباب و وسائل عادی، استمداد از قدرت بی پایان پروردگار را فراموش
نمکن. البته معنای توکل این نیست که انسان از وسائل و اسباب پیروزی که
خداوند در جهان ماده در اختیار او گذاشته است، صرف نظر کند چنان که در
حدیثی از پیغمبر اکرم ﷺ نقل شده است که هنگامی که یک نفر عرب، پای
شتر خود را نبسته بود و آن را بدون محافظ رها ساخته بود و این کار را نشانه
توکل بر خدا می دانست به او فرمود: {اعقلها و توکل} یعنی پایش را ببند و
سپس توکل کن.

بلکه منظور این است که انسان در چهار دیوار عالم ماده، و محدوده قدرت و
توانایی خود محاصره نگردد و چشم خود را به حمایت و لطف پروردگار بدوزد،
این توجه مخصوص، آرامش و اطمینان و نیروی فوق العاده روحی و معنوی به
انسان می بخشد که در مواجهه با مشکلات اثر عظیمی خواهد داشت.

﴿أَلَا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكِيلًا﴾

"غیر ما را تکیه‌گاه و پشتیبان خود مسازید (و امور خویش را جز به ما مسپارید)"

ثمرات بیرونی استقامت

ثمره اول: اطاعت کامل و عبادت الله متعال است، و انجام اعمال و طاعت مطابق به فرموده و رهنمایی الله و رسول او تعالی است.

ثمره دوم: جهاد و انفاق مال فی سبیل الله است، ایمان انسان مومن زمانی ارزشمند است که با آنچه ادعا می‌کند جامه عمل بپوشد و ادعایش با عملکردش در تضاد نباشد، الله متعال چنین بیان کرده است: ﴿بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا...﴾

"بنابر این کسی که از طاغوت (شیطان و بتها و معبودهای پوشالی و هر موجودی که بر عقل بشورد و آن را از حق منصرف کند) نافرمانی کند و به خدا ایمان بیاورد، به محکم‌ترین دستاویز درآویخته است (و او را از سقوط و هلاکت می‌رهاند و) اصلاً گسستن ندارد..."

در این آیه ابتدا کفر به طاغوت و در ادامه ایمان به الله تعالی ذکر شده است، یعنی اگر با طاغوتی که با الله تعالی سر دشمنی دارد دست دوستی دراز نموده و از او پیروی کنیم حقا که در ایمان به الله صادق نخواهیم بود، در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده، (إذا مدح الفاسق اهتز لذلك العرش و غضب له الرب تبارک و تعالی) (رواه ابن حبان، راوی: انس بن مالک رضی الله عنه) یعنی "هنگامیکه مدح شخص فاسق و فاجر شود پس عرش الهی به جنبش می‌آید و الله تعالی بر آن غضب ناک می‌شود"

پیام حدیث شریف این است، با آنکه انسان ادعای ایمان کند امکان ندارد با

کسانی دست دوستی دراز کند معصیت خدا می کنند و از سبب خشم و غضب الله تعالی می گردند، و هرگاه کسی با این گونه افراد نزدیکی می کند و از آنان تعریف و تمجید می نماید، گویا به گونه یی الله را از خود ناراضی ساخته که عرش پروردگار به لرزه می افتد.

از الله متعال توفیق انجام اعمال صالح و ثبات و استقامت در مسیر بندگی اش را خواهانیم، آمین یا رب العالمین!

حدیث ۲۲

انسان با انجام دادن فرایض وارد بهشت میشود

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾

این که (به هنگام نماز) چهره‌هایتان را به جانب مشرق و مغرب کنید، نیکی (تنها همین) نیست (و یا ذاتاً روکردن به خاور و باختر، نیکی بشمار نمی‌آید). بلکه نیکی (کردار) کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورده باشد، و مال (خود) را با وجود علاقه‌ای که بدان دارد (و یا به سبب دوست داشت خدا، و یا با طیب خاطر) به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و واماندگان در راه و گدایان دهد، و در راه آزادسازی بردگان صرف کند، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و (نیکی کردار کسانی است که) وفاکنندگان به پیمان خود بوده هنگامی که پیمان بندند،

و (به ویژه کسانی نکنند و شایسته ستایشند که) در برابر فقر (و محرومیتها) و بیماری (و زیان و ضررها) و به هنگام نبرد، شکیبایند (و استقامت می ورزند). اینان کسانی هستند که راست می گویند (در ادّعیای ایمان راستین و پیجوئی اعمال نیک) و به راستی پرهیزکاران (از عذاب خدا با دوری گرفتن از معاصی و امثال اوامر الهی) اینانند.

﴿عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، فَقَالَ: أَرَأَيْتَ إِذَا صَلَّيْتُ الْمَكْتُوبَاتِ، وَصُمْتُ رَمَضَانَ، وَأَخْلَلْتُ الْحَلَالَ، وَحَرَمْتُ الْحَرَامَ، وَلَمْ أَزِدْ عَلَى ذَلِكَ شَيْئًا، أَدْخُلُ الْجَنَّةَ؟ قَالَ: (نَعَمْ) قَالَ: وَاللَّهِ لَا أَزِيدُ عَلَى ذَلِكَ شَيْئًا﴾^۱

"از ابو عبدالله سیدنا جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه روایت شده که مردی از رسول الله ﷺ پرسید: مرا خبر بده یا رسول الله! هرگاه نمازهای فرض را بخوانم و روزه ماه مبارک رمضان را بگیرم و حلال را روا بدارم و انجام دهم و حرام را حرام بدانم و از آن دوری کنم و بر آن چیزی نیفزایم، آیا به بهشت می روم؟ رسول الله فرمود: بلی. آن شخص گفت: قسم به الله، من بر این هیچ اضافه نمی کنم"

برای فهمیدن احادیث لازم است تا شان ورود و مخاطب حدیث را بشناسیم، جوانب حدیث را به بررسی گرفته و احادیث دیگری که در این مورد و یا موارد مشابه آن از پیامبر به ما رسیده را در کنار هم قرار دهیم تا به حقیقت موضوع دست پیدا کرده و از سر در گمی نجات پیدا کنیم. مثلاً در مورد ایمان و اسلام

این حدیث را داریم [من قال لا اله الا الله دخل الجنة]^۱
"هر کس کلمه لا اله الا الله را گفت وارد بهشت می شود"

اگر به ظاهر حدیث توجه نمایم و نظر خود را متمرکز سازیم، چنین برداشت میشود که ایمان به پیامبر و انجام اعمال هیچ نیازی دیده نمی شود و صرف با ادعا مقصد و هدف بر آورده میشود، حالانکه در حقیقت چنین نیست! مفهوم و حاصل حدیث شریف این است، هر انسانی که از خلوص نیت و با یقین قلبی کامل لا اله الا الله می گوید و بر تقاضای این کلمه عمل می نماید، بدین وسیله به بهشت پروردگار داخل می گردد، پیامی دیگری که حدیث شریف دارد این است، برای سعادت مندی و نجات انسان در آخرت ادای فرایض از جمله شرایط نجات و سعادت گفته شده است، اما باید سلسله مراتب حفظ گردد و اولویت ها در نظر گرفته شود، و مراتب احکام شرعی در انجام امور مراعات گردد، و چنین نباشد که فرایض و واجبات فدای سنن و مستحبات گردد، بلکه باید انجام سنن و مستحبات زمینه انجام فرایض را همواره نموده و کمبود و نقصانات آنان را جبران کند، و همین گونه در رعایت حلال و حرام ها و تفکیک بین آنان باید دقت لازم را در نظر داشته باشیم، چنانچه الله تعالی از ما می خواهد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾^۲

"ای کسانی که ایمان آورده اید! از چیزهای پاکیزه ای بخورید که روزی شما ساخته ایم، و سپاس خدای را بجا آورید، اگر او را پرستش می کنید"
باید تذکر دهیم که مبادا چنین برداشت شود که چون در حدیث شریف از

حج و زکات یادی نگردیده، پس انجام و ادای آن لازم نیست، خیر! جواب‌های که از طرف پیامبر اسلام داده شده مناسب حال و مطابق سوال‌های طرف مقابل بوده است، و یا شاید آن کسیکه این سوال‌ها را مطرح کرده، صاحب نصاب نبوده و ادای زکات بر وی لازم نبوده باشد، و یا توان مالی برای ادای حج نداشته، لهذا در این حدیث از پرداخت زکات و حج بیت الله هیچ ذکری به میان نیامده است، چون ایمان در قلب او وجود داشته و دیگر فرایض را نیز انجام می‌داده لذا با انجام دادن کارهای را که سوال کرده است مستحق بهشت می‌شده و نهایتاً پیامبر اکرم ﷺ فرمودند اگر اموری را که سوال نموده انجام دهد به بهشت داخل می‌گردد.

۲۳ حدیث

شتاب کردن در انجام کارهای خیر

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۱

"این که (به هنگام نماز) چهره‌هایتان را به جانب مشرق و مغرب کنید، نیکی (تنها همین) نیست (و یا ذاتاً رو کردن به خاور و باختر، نیکی بشمار نمی‌آید). بلکه نیکی (کردار) کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورده باشد، و مال (خود) را با وجود علاقه‌ای که بدان دارد (و یا به سبب دوست داشت خدا، و یا با طیب خاطر) به خویشاوندان و یتیمان و درماندگان و واماندگان در راه و گدایان دهد، و در راه آزادسازی بردگان صرف کند، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و (نیکی کردار کسانی است که) وفاکنندگان به پیمان خود بوده هنگامی که پیمان بندند، و (به ویژه کسانی

نیکند و شایسته ستایشند که) در برابر فقر (و محرومیتها) و بیماری (وزیان و ضررها) و به هنگام نبرد، شکیبایند (و استقامت می‌ورزند). اینان کسانی هستند که راست می‌گویند (در ادعای ایمان راستین و پیجوئی اعمال نیک) و به راستی پرهیزکاران (از عذاب خدا با دوری گرفتن از معاصی و امتثال اوامر الهی) اینانند"

عن أبي مالك - الحارث بن عاصم - الأشعريؒ، قال: قال رسول الله ﷺ: الطُّهُورُ شَطْرُ الْإِيمَانِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمَلُّدُ الْمِيزَانِ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَمَلُّدُ مَا بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَالصَّلَاةُ نُورٌ، وَالصَّدَقَةُ بُرْهَانٌ، وَالصَّبْرُ ضِيَاءٌ، وَ الْقُرْآنُ حُجَّةٌ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ، كُلُّ النَّاسِ يَغْدُو فَبَائِعٌ نَفْسَهُ فَمُعْتِقُهَا أَوْ مُوْبِقُهَا ۱

"از ابو مالک حارث بن عاصم اشعریؒ روایت شده که رسول الله ﷺ فرمود: طهارت و پاکیزگی نیمی از ایمان است؛ و الحمد لله، ستایش خداست که ترازوی نیکی‌ها را پر می‌کند و سبحان الله و الحمد لله، میان آسمان و زمین را پر می‌کند؛ و نماز، نور و روشنایی است؛ و صدقه، دلیل ایمان داشتن است؛ و شکیبایی، فروغ و پرتو ایمان است؛ و قرآن، دلیلی است به سود تو یا مدرکی به زیان تو. همه مردم چون بامداد شود از خانه بیرون رفته و به تلاش و کوشش می‌پردازند، پس خود را به خدا فروخته و آزاد می‌کنند، یا خود را به هوا و هوس و مخالفت با خدا فروخته و هلاک می‌کنند"

این حدیث یکی دیگر از گلدسته جوامع الکلم نبی اکرم ﷺ است - در هر

جمله این حدیث یک جهان معانی پنهان است - جوامع الکلم بودن احادیث نبوی به این معنی است که در دو، سه جمله کوتاه حقایق بزرگ به تعریف و بیان گرفته شده است، و این یکی از معجزات کلامی آنحضرت است که الله متعال برای شان عنایت فرموده است، قرآن کریم نیز جوامع الکلم است چنانچه در کوتاه ترین جملات، کلمات، آیات و سوره ها بزرگترین معانی و مفاهیم را به همراه دارد.

پیام های حدیث نبوی صلی الله علیه وسلم قرار ذیل اند.

پیام اول: رعایت نظافت و پاکیزگی است، که نصف ایمان معرفی شده است، و توصیه اکید برای حفظ طهارت و ملازمت آن در همه شرایط شده است، چنانچه عادت پیامبر اکرم ﷺ این بود که پیش از خواب وضوء می نمودند و بعداً به بستر خواب می رفتند، تا در حالت خواب نیز با طهارت باشند، چنانچه برای تان معلوم است که خواب های خوب از سوی فرشتگان است و خواب های بد از سوی شیطان و یا نفس است، لهذا برای حاصل نمودن قرب فرشتگان و آدم های نیک پاکیزه بودن ضروری است.

پیام دوم: اهمیت ذکر پروردگار؛ آنحضرت ﷺ ارشاد فرمودند، و ستایش خدا با گفتن «الْحَمْدُ لِلَّهِ» با فهم معنی آن ترازوی اعمال را پر می کند، زیرا در گفتن آن اثبات همه صفات پروردگار نهفته است، چون صفات بی مانند ذات پاک آفریدگار متعال را معترف بودن است که آدمی را به ستایش وادار می سازد، کسی که معترف به جمیع صفات پروردگار توانا باشد و در برابر آن صفات ستایش خدای متعال را به جای آورد، ثواب آن اگر مجسم شود، عظمتش به حدی است که ترازوی اعمال را با همه بزرگی که دارد، پر می نماید.

با گفتن ذکر مبارک سبحان الله و الحمد لله، ثواب آن به اندازه بین آسمان و زمین است، البته این اذکار زمانی مفید واقع میشود که با علم و یقین کامل

تکرار گردد، و بدانیم که در علم، قدرت و صفات الله تعالی هیچ گونه عیب و نقصی نیست! این قسمت اول از معرفت و شناخت الله تعالی است.
و اما قسمت دوم معرفت الله تعالی الحمد لله گفتن است، که مفهوم حمد بجای آوردن شکر نعمات او تعالی با زبان است.

پیام سوم: ارزش و جایگاه نماز؛ آنحضرت صلی الله علیه وسلم بیان داشتند، نماز نور است- نماز در انسان صلاحیت انجام دادن کارهای نیک و اجتناب از گناهان را به وجود می آورد، شرط تا نماز را به گونه درست ادا کنیم چنین نباشد که در نماز صرف حرکات خشک و خالی باشد و از حضور و فروتنی در نماز خبری نباشد، در صورتیکه نمازهای ما خالی از حضور قلب باشد چنین نماز ما را از انجام گناهان باز نمی دارد- به همین ترتیب نماز در انسان بصیرت باطنی ایجاد می کند- نماز نور است که توسط آن انسان می تواند قوه تشخیص حق و باطل را بدست آورد.

پیام چهارم: ارزش و اهمیت صدقه؛ آنحضرت ﷺ فرمودند! صدقه دلیل است، یعنی کسیکه صدقه می دهد در واقع نشان می دهد که در ایمان خود صادق است، چراکه هدف از انفاق اش کسب رضای خدا و بدست آوردن نعمات در آخرت است، به همین خاطر برای به اثبات رساندن این ادعا از مال خود که در زندگی انسان بسیار محبوب است به خاطر رضای خدا میگذرد و صداقت خود را به مولایش ثابت می کند.

پیام پنجم: اهمیت صبر در زندگی: آنحضرت ﷺ فرمودند! صبر مایه روشنی است، یعنی همانطوریکه در پرتو روشنایی میتوانیم راه خود را پیدا کنیم بوسیله صبر خیلی از راه های پر پیچ خم زندگی بر ما هموار میگردد.
صبر چندین نوع تعریف شده است.

نوع اول، صبر عن المعصیه یعنی خود را از گناه بازداشتن.

نوع دوم، صبر علی الطاعه یعنی صبر و استقامت در طاعت پروردگار است. نوع سوم، صبر علی الابتلاء یعنی در برابر بلاها و مصیبت ها شکیبایی و تحمل نمودن و شکایت نکردن از الله متعال.

نوع چهارم، صبر در میادین جهاد و مبارزه با کفر و شرک است، چنانچه در این آیه مبارکه انواع صبر را چنین بیان فرموده ﴿وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾

"و (به ویژه کسانی نیکند و شایسته ستایشند که) در برابر فقر (و محرومیتها) و بیماری (و زیان و ضررها) و به هنگام نبرد، شکیبایند (و استقامت می ورزند). اینان کسانی هستند که راست می گویند (در ادعای ایمان راستین و پیجونی اعمال نیک) و به راستی پرهیزکاران (از عذاب خدا با دوری گرفتن از معاصی و امثال اوامر الهی) اینانند"

پیام ششم: حجت و دلیل بودن قرآن کریم، آنحضرت ﷺ فرمودند که قرآن حجت است! و این قسمت حدیث مهمترین بخش آن می باشد، قرآن کریم برای تو و بر علیه تو دلیل شده میتواند، اگر از هدایت قرآن کریم استفاده نموده و آن را چراغ رهنما در زندگی دانستی پس برای تو در دنیا دلیل است و در آخرت شفاعت تو را خواهد نمود. اما اگر بر عکس! زندگی و رفتارت بر خلاف رهنمای های قرآن کریم باشد در این صورت در روز قیامت دلیلی بر علیه تو گردیده و شفیع ات در نزد پروردگار نخواهد شد. و خواهد گفت! ای الله! این انسان کسی بود که در دنیا ادعای ایمان به من را داشت اما تمام اعمال و کردارش عقاید و باورهایش مخالف با رهنمایی های من بوده، نه به من مراجعه میکرد و نه اعتنایی به من می نمود. از الله متعال عاجزانه می طلبیم که قرآن را در حق ما دلیل و حجتی قرار دهد نه بر علیه ما، آمین یا رب العالمین!

پیام هفتم: معامله ی همراه با مفاد: آنحضرت ﷺ فرمودند همه مردم چون بامداد شود، از خانه بیرون می روند و به تلاش و کوشش می پردازند و همه با شتاب و سرعت برای به دست آوردن مقاصد خود می کوشند. «فَبَائِعْ نَفْسَهُ فَمُعْتَقُهَا» پس کسی است که خود را به خدا می فروشد و خود را آزاد می کند، خود را از بردگی گناهان آزاد می سازد و از گرفتار شدن در عواقب گناهان از خشم خدا و عقاب شدید او خود را می رهااند.

به گونه مثال کسی از صبح تا شام کارگری و یا داکتری می کند و در مقابل آن پول کسب می کند، نتیجه یی که از این تلاش ها بدست می آید، یا سعادت دنیا و آخرت است و یا شقاوت دنیا آخرت، یعنی اگر انسان عمل خلاف شریعت را مرتکب نگردد و در کار خود خیانت نکند و از کذب و دروغ اجتناب کند در واقع اهل نجات و سعادت خواهد بود، اما اگر بر عکس در کار و معامله اش صداقت نداشت و در تلاش هایش اهداف درست را دنبال نمیکرد خود را با تباهی دنیا و آخرت دچار ساخته است.

الله تعالی حساب روز حشر را بر ما آسان بگرداند و برای ما توفیق دهد تا در راه حق، و دین الله تعالی زحمت بکشیم، آمین یا رب العالمین!

حدیث ۲۴

ناروا بودن ظلم

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾^۱

"ما به لقمان فرزانی بخشیدیم (و بدو دستور دادیم) که خدا را سپاسگزاری کن و (بدان که) هر کس سپاسگزاری کند، به سود خویش سپاسگزاری می‌کند، و هر کس ناسپاسی کند (به خود زیان می‌رساند نه به خدا) چرا که خدا بی‌نیاز و ستوده است"

﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾^۲

"کسی که تلاش و کوششی (در راه پیشرفت دین خدا، و انجام عبادات تقبل) کند، در حقیقت برای خود تلاش و کوشش کرده است (و سود آن عائد خودش می‌گردد). چرا که خدا بی‌نیاز از جهانیان (و طاعت و عبادت ایشان) است"

۱ - سوره لقمان آیه/ ۱۲

۲ - سوره عنکبوت آیه/ ۶

﴿عَنْ أَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ، فِيَمَا يَرُويهِ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ: أَنَّهُ قَالَ: (يَا عِبَادِي! إِنِّي حَرَمْتُ الظُّلْمَ عَلَى نَفْسِي، وَجَعَلْتُهُ بَيْنَكُمْ مُحَرَّمًا، فَلَا تَظَالَمُوا. يَا عِبَادِي! كُلُّكُمْ ضَالٌّ إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ فَاسْتَهْدُونِي أَهْدِكُمْ. يَا عِبَادِي! كُلُّكُمْ جَائِعٌ إِلَّا مَنْ أَطْعَمْتُهُ، فَاسْتَطْعَمُونِي أَطْعِمَكُمْ. يَا عِبَادِي! كُلُّكُمْ عَارٍ إِلَّا مَنْ كَسَوْتُهُ، فَاسْتَكْسُونِي أَكْسُكُمْ. يَا عِبَادِي! إِنِّكُمْ تُخْطِئُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَأَنَا أَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا، فَاسْتَغْفِرُونِي أَغْفِرْ لَكُمْ. يَا عِبَادِي! إِنِّكُمْ لَنْ تَبْلُغُوا ضَرِّي فَتَضُرُّونِي، وَلَنْ تَبْلُغُوا نَفْعِي فَتَنْفَعُونِي. يَا عِبَادِي! لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوا عَلَى أَتَقَى قَلْبَ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا زَادَ ذَلِكَ فِي مُلْكِي شَيْئًا. يَا عِبَادِي! لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ كَانُوا عَلَى أَفْجَرِ قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِنْ مُلْكِي شَيْئًا. يَا عِبَادِي! لَوْ أَنَّ أَوْلَكُمْ وَأَخْرَكُمْ وَإِنْسَكُمْ وَجِنَّكُمْ قَامُوا فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَسَأَلُونِي، فَأَعْطَيْتُ كُلَّ إِنْسَانٍ مَسْأَلَتَهُ، مَا نَقَصَ ذَلِكَ مِمَّا عِنْدِي إِلَّا كَمَا يَنْقُصُ الْمَخِيطُ إِذَا أُدْخِلَ الْبَحْرَ. يَا عِبَادِي! إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ أَحْصِيهَا لَكُمْ ثُمَّ أَوْفِّكُمْ بِهَا، فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ، وَمَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ﴾^۱

أبی ذر غفاری رضی اللہ عنہ از پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم نقل کرده از جمله آنچه پیغمبر از پروردگار عزوجل روایت می‌کند که فرمود: ای بندگان من، ظلم و ستم را بر خود حرام

نمودم و میان شما نیز آن را حرام کردم، پس به همدیگر ظلم و ستم نکنید. ای بندگان من، همه شما گمراه هستید مگر کسی که من او را هدایت نموده‌ام؛ پس از من راه راست بخواهید تا شما را به آن راهنمایی کنم. ای بندگان من، همه شما گرسنه‌اید مگر کسی که من او را غذا داده‌ام؛ پس از من غذا بخواهید تا شما را اطعام کنم. ای بندگان من، همه شما برهنه‌اید مگر کسی که من او را پوشانده‌ام؛ پس از من لباس بخواهید تا شما را بپوشانم. ای بندگان من، در حقیقت همه شما شب و روز خطا می‌کنید و من گناهان را می‌آمرزم؛ پس از من آمرزش بخواهید تا شما را بیامرزم. ای بندگان من، شما هرگز نمی‌توانید به من زیان برسانید، و هرگز نمی‌توانید به من فایده و سودی برسانید. ای بندگان من، اگر از نخستین شما تا آخرین شما و انس و جن شما، همه بر پرهیزگارترین قلب باشید، مانند اینکه یک به یک شما پرهیزکار باشید، این تقوا و پرهیزکاری شما بر مُلک من نمی‌افزاید. ای بندگان من، اگر اول و آخرتان و انس و جن شما همه بر بدترین و ناپاک‌ترین قلب باشید، این بدی شما، از ملک من چیزی کم نخواهد کرد. ای بندگان من، اگر اولین فرد تا آخرین فردتان، از انس گرفته تا جن، همه در میدانی ایستاده و از من خواهش کنند و من به هر یک از شما آنچه خواهد بدهم، این خواهش و خواسته، از آنچه در نزد من است نمی‌کاهد؛ چنان که هرگاه سوزن به دریا فرو برده شود، کم نخواهد شد. ای بندگان من، این همان است که می‌بینید؛ درو شده‌ کردارتان است که برای شما به وفا و تمام می‌شمارم و به شما می‌رسانم. پس کسی که خوبی را یافت، باید خدا را ستایش کند، و کسی که غیر از آن یافت، نباید غیر خود دیگری را سرزنش نماید.

از بررسی و مطالعه حدیث قدسی نبوی ﷺ به این نتیجه می‌رسیم که تشریح و توضیح آن بر مبنی اسم مبارک "الغنی" است، یعنی الله تعالی از هر چیز

بی نیاز است- در قرآن کریم در جاهای مختلف این اسم مبارک ذکر گردیده است- در سوره لقمان الله تعالی می فرماید: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾^۱ "ما به لقمان فرزانی بخشیدیم (و بدو دستور دادیم) که خدا را سپاسگزاری کن و (بدان که) هر کس سپاسگزاری کند، به سود خویش سپاسگزاری می کند، و هر کس ناسپاسی کند (به خود زیان می رساند نه به خدا) چرا که خدا بی نیاز و ستوده است"

اگر انسان شکر خداوند متعال را بجای آورد، این کار به سود خودش است و برای صحت روحی و باطنی او بسیار مفید است- برعکس اگر کسی ناشکری خداوند متعال را کند در حقیقت خود را تباه نموده و به زیان خودش است. در تشریح حدیث نبوی و پیام نهفته در دل آن چندی از آن را در ذیل به بیان می گیریم

اول: الله تعالی فرموده که ای بندگان من! من ظلم را بر خود حرام نمودم، و در بین شما نیز آنرا حرام قرار دادم، پس بر یکدیگر ظلم نکنید. بر ما لازم است تا با هیچکس ظلم و بی انصافی نکنیم، اگر بی مورد در باره کسی شک داریم این در حقیقت ظلم است، اگر غیبت کسی را می کنیم در حقیقت این هم یک نوع ظلم است.

دوم: گفته شده، همه تان گمراه هستید مگر کسی را که الله تعالی او را هدایت کند، بر ما می فهماند تا همیشه از خداوند طلب هدایت نمایم چرا که انسان به هدایت الله تعالی نیازمند است، هرگاه انسان بهره مند از هدایات الهی گردید باید شکر گذار آن باشد.

سوم: تذکر داده شده، ای بندگان من! همه تان گرسنه اید مگر کسی که من

خوراکش داده ام، پس از من خوراک بخواهید تا شما را خوراک دهم. اگر انسان از الله تعالی طلب رزق کند در خزانه های الله تعالی هیچ کمبودی وجود ندارد.

چهارم: ای بندگان من! همه تان برهنه اید مگر کسی که من پوشاکش دادم، پس پوشاک از من بخواهید تا بپوشانم تان.

پنجم: ای بندگان من! در حقیقت شما در شب و روز خطا می کنید، و منم که همه گناهان را می آمرزم، پس از من آمرزش بخواهید تا شما را بیامرزم. از حضرت انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: [کل بنی آدم خطاء و خیر الخطائین التوابون]^۱

"تمام بنی آدم بسیار خطا کار اند، اما بهترین خطاکاران آن است که بار بار توبه می کنند"

ششم: ای بندگان من! محققاً شما هرگز نمی توانید زیانی به من برسانید تا این کار را نکنید، و هرگز قادر به فایده رسانیدن به من نیستید تا مرا نفعی برسانید! یعنی ای بنده تو هرگز توان این را نداری که برایم نقصان و ضرری برسانی، و اگر تو کفر را اختیار می کنی در این کار من ضرر نمی بینم، و اگر تو در مقابل جناب من گستاخی کنی باز هم من ضرر نمی کنم. به همین ترتیب الله تعالی فرمود! توبه من هیچگونه منفعتی رسانده نمی توانی چرا که من غنی ام و بی نیاز از همه چیز و به هیچ کسی احتیاج ندارم.

هفتم: حال می رسیم به مهمترین قسمت حدیث که اوج (Climax) پیام ها را در خود گنجانیده است، ای بندگان من! اگر در حقیقت از نخستین شما تا آخرین فردتان و انس و جن تان همه بر پرهیزگارترین قلب یکی از شما باشند و همه پرهیزگارترین باشید، آن در ملک من چیزی نخواهد افزود. ای بندگان من!

اگر در حقیقت اول و آخرتان و انس و جن‌تان همه بر ناپاکترین قلب یکی از شما باشند به این که همه ناپاکترین باشید، آن از ملک من چیزی کم نخواهد کرد. یعنی اگر معاذ الله همه ما ابوجهل و شیطان لعین و عزازیل شویم باز هم در سلطنت الله تعالی هیچ کمی به وجود نخواهد آمد.

هشتم: ای بندگان من! اگر در حقیقت اولین تا آخرین فردتان از انس گرفته تا جن‌تان همه در یک میدان به پا خیزید و همه از من خواهش کنید و به هریک از شما آنچه را که می‌خواهید بدهم، آن همه خواهش از آنچه نزد من است چیز نخواهد کاست، مگر آنچنان که سوزن از آب دریا هرگاه در آن فرو برده شد کم می‌کند.

نهم: ای بندگان من، اگر اولین فرد تا آخرین فردتان، از انس گرفته تا جن، همه در میدانی ایستاده و از من خواهش کنند و من به هریک از شما آنچه خواهد بدهم، این خواهش و خواسته، از آنچه در نزد من است نمی‌کاهد؛ چنان که هرگاه سوزن به دریا فرو برده شود، کم نخواهد شد. این نشان دهند غنای الله تعالی، که او تعالی بی نیاز از هر چیز و همه مخلوق اش است.

دهم: در آخر حدیث الله تعالی می‌فرماید! ای بندگان من! آنچه می‌بینید، نتیجه کردارتان است که برای شما می‌شمارم و پس از آن به وفا و تمام به شما می‌رسانم، پس کسی که خوبی یافت، باید خدا را ستایش گوید، و کسی که غیر از آن یافت، نباید غیر از خودش را سرزنش کند. یعنی الله تعالی پاداش همه اعمال ما را می‌دهد و هر کس که در نامه اعمال خود خیر دریافت کند باید شکر الله تعالی را بجا آورد بخاطریکه توفیق از جانب الله است، بر عکس آن اگر کسی شر، بدی حاصل نمود باید غیر از خود کسی دیگر را ملامت نکند، چراکه همه بدیهایش کشتی است که خود بدست خود پاشیده است و

در نتیجه حاصل اش را هم باید خود بدرود.

الله تعالی در این حدیث «یا عبادی» یعنی ای بنده گان من را بسیار تکرار نموده است و این نشان از مظهر شفقت الهی بر ما است - الله تعالی می فرماید: ﴿مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا﴾^۱ "خداوند چه نیازی به عذاب دادن شما دارد اگر شکرگزاری کنید و ایمان بیاورید؟ پروردگار شکرگزار (طاعت و عبادت بندگان و) آگاه (از اعمال و نیات همگان) است"

الله تعالی هیچگاه از تکلیف بنده اش خوش نمی شود، هر آن چه که دامنگیر ما میشود در واقع نتیجه اعمال ما است. الله تعالی تمام اعمال ما را به گونه زره زره نزد خود حفظ می نماید و آن را پیش ما حاضر می کند پس هر کسیکه در نامه اعمال خود خیر حاصل کند باید شکر الله تعالی را بجای آورد، و اگر در نامه اعمال خود شر بیابد پس جز ملامت کردن خویش کسی دیگر را ملامت نکند. یک نکته را باید به یاد بسپاریم هنگامیکه ما گناه و معصیت می کنیم در نتیجه الله متعال ما را در این دنیا عذاب می دهد، چرا اینطور؟ در پاسخ باید گفت که در این کار حکمت و مهربانی الهی نهفته است و آن محبت الله متعال با بنده اش است، الله متعال می خواهد که آخرت ما خراب نگردد به این سبب هنگامیکه معصیت می کنیم در دنیا دوچار مشکلات و فتنه ها می شویم تا ما متوجه شویم و از گناه و معصیت دست برداریم و سوی الله متعال رجوع کنیم تا باشد در دنیا و آخرت کامیاب شویم. الله تعالی برای ما توفیق عنایت فرماید، تا پیام ها و اندرزهای نهفته حدیث شریف را به گونه درست بفهمیم و به آن عمل خالصانه بنمائیم، آمین یا رب العالمین!

۲۵ حدیث

راه های صدقه

﴿إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾

"مردان بخشنده و زنان بخشنده‌ای که (با دادن صدقات و انجام خیرات و حسنات) به خدا قرض نیکویی می‌دهند (پاداش بخشش و وامشان) برای ایشان چندین برابر می‌شود، و مزد بزرگ و قابل توجهی دارند"

عن أبي ذرٍّ رضي الله عنه، أَنَّ نَاسًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالُوا لِلنَّبِيِّ ﷺ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! ذَهَبَ أَهْلُ الدُّثُورِ بِالْأَجُورِ؛ يُصَلُّونَ كَمَا نَصَلِّي، وَيَصُومُونَ كَمَا نَصُومُ، وَيَتَصَدَّقُونَ بِفُضُولِ أَمْوَالِهِمْ. قَالَ: (أَوَلَيْسَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَا تَصَدَّقُونَ بِهِ؟ إِنَّ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ صَدَقَةٌ، وَكُلِّ تَكْبِيرَةٍ صَدَقَةٌ،

وَكُلِّ تَحْمِيدَ صَدَقَةٍ، وَكُلِّ تَهْلِيلَ صَدَقَةٍ، وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ
 صَدَقَةٍ، وَنَهْيٌ عَنِ مُنْكَرِ صَدَقَةٍ، وَفِي بَضْعٍ أَحَدِكُمْ صَدَقَةً.
 قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَيَّاتِي أَحَدُنَا شَهْوَتُهُ وَيَكُونُ لَهُ فِيهَا
 أَجْرٌ؟ قَالَ: (أَرَأَيْتُمْ لَوْ وَضَعَهَا فِي حَرَامٍ أَكَانَ عَلَيْهِ وَزْرٌ؟
 فَكَذَلِكَ إِذَا وَضَعَهَا فِي الْحَلَالِ كَانَ لَهُ أَجْرٌ)

از ابی ذر غفاری رضی الله عنه نقل است که گروهی از یاران رسول الله صلی الله علیه و آله به پیغمبر صلی الله علیه و آله گفتند: یا رسول الله! صاحبان مالها أجرها را بردند یعنی ثروتمندان همه ثوابها را بردند، نماز می خوانند همانطوری که ما نماز می خوانیم، و روزه می گیرند همانطور که ما روزه می گیریم با زیادتی مال هایشان صدقه می دهند. فرمود: آیا چنین نیست که خداوند آن چه را که صدقه می هید برای شما قرار داد؟ شما در برابر هر سبحان الله گفتن صدقه ای دارید، و در برابر هر الله اکبر گفتن صدقه ای، و با هر الحمد لله گفتن صدقه ای، و در مقابل هر لا إله إلا الله گفتن صدقه ای، و در برابر هر واداشتن به خوبی صدقه ای و در هر بازداشتن از زشتی صدقه ای و در نزدیکی که یکی از شما با همسرش می کند صدقه ای هست.

گفتند: یا رسول الله! آیا ما در رفع شهوت پاداشی داریم؟ فرمود: آیا اگر شهوت خود را در حرام بگذارد، آیا گناهی دارد؟ پس همچنان است که هرگاه شهوتش را در حلال رفع کند، پاداش و ثواب دارد.

این حدیث گلدسته یی دیگر از احکام، هدیای و تعلیمات است که در بین هم بسیار متوازن است. حضرت ابوذر غفاری رضی الله عنه می فرماید که بعضی از صحابه رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفتند، ای رسول الله! مردم ثروتمند در اجر ثواب از ما پیشی گرفتند، یعنی ایشان مال خود را در راه الله متعال انفاق کردند و

اجر و ثواب کسب نموده و ما از آنان عقب مانده ایم، و عرض کردند که نماز می خوانند همانطوری که ما نماز می خوانیم، و روزه می گیرند همانطوری که ما روزه می گیریم با زیادتی مال هایشان صدقه می دهند، یعنی نزد ما اموالی نیست که با آن صدقه بدهیم. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: آیا الله تعالی برای شما سامان صدقه را مهیا نکرده است؟ یعنی الله تعالی برای شما راه های صدقه را باز نموده است، بعداً توضیح دادند که هر سبحان الله گفتن ات صدقه است، هر الله اکبر گفتن ات صدقه است، هر الحمد لله گفتن ات صدقه است، هر لا اله الا الله گفتن ات صدقه است، و هر قدر که این اذکار را بگویی و با ایمان بر آن تکرار کنی برایت صدقه است- و اگر برای کسی مشوره نیک دادی برایت صدقه است- و اگر کسی را از گناه منع کنی برایت صدقه است، به همین ترتیب همبستر شدن با همسرت صدقه است، هنگامیکه آنحضرت این جمله اخیر را ایراد فرمودند یاران کنجکاو شدند و پرسیدند: ای رسول الله ﷺ اگر یکی از ما نیاز شهوت خود را با همسرش بر آورده کند آیا در مقابل این عمل هم پاداش داده می شود؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: اگر همین کار را از راه حرام می کرد آیا برایش گناه نبود؟ یعنی اگر کسی از راه حرام خواهشات نفسانی خود را تسکین کند پس مرتکب گناه کییره شده است، و به همین ترتیب اگر از راه حلال تسکین کند برایش اجر و پاداش است. پیامی مهمی که این حدیث با روشنی کامل به همراه دارد، این است که باید دنیا در خدمت دین قرار داده شود و آن کس که دنیا را تابع دین می کند در حقیقت تمام دنیاداری او به دینداری مبدل می شود. الله تعالی برای ما توفیق دهد تا به خواسته های این حدیث مبارک به معنای صحیح آن عمل کنیم- آمین یا رب العالمین!

حدیث ۲۶

برقراری صلح میان مردم و فضیلت کارهای خوب

﴿وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ﴾^۱

"و از تو می پرسند: چه چیز را صدقه و انفاق کنند؟ بگو: مازاد (نیازمندی خود)"

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (كُلُّ سُلَامَى مِنَ النَّاسِ عَلَيْهِ صَدَقَةٌ كُلَّ يَوْمٍ تَطْلُعُ فِيهِ الشَّمْسُ) قَالَ: (تَعْدِلُ بَيْنَ اثْنَيْنِ صَدَقَةٌ، وَتُعِينُ الرَّجُلَ فِي دَابَّتِهِ فَتَحْمِلُهُ عَلَيْهَا، أَوْ تَرْفَعُ لَهُ عَلَيْهَا مَتَاعَهُ صَدَقَةٌ) قَالَ: (وَالْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ، وَكُلُّ خُطْوَةٍ تَمْشِيهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ، وَتَمِيطُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ صَدَقَةٌ)^۲

۱ - سوره بقره آیه / ۲۱۹

۲ - صحیح بخاری

از ابی هریره رضی الله عنه نقل است که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر پیوندی از بدن مردم بر آن صدقه‌ای واجب است، هر روزی که آفتاب طلوع می‌کند و بین دو تن را اصلاح می‌نمایی، صدقه‌ای است و به شخص کمک می‌کنی تا بر حیوانش سوار شود، یا کالایش را بر حیوانش می‌نهی صدقه‌ای است و به هر گامی که برمی‌داری به سوی نماز صدقه‌ای است و دورکردن آزار از راه مردم صدقه‌ای است.

پیام نبوی صلی الله علیه و آله در این حدیث مبارک این است، که در هر بند عضوی از اعضای بدن انسانها هر روز که آفتاب طلوع می‌کند صدقه‌ای واجب است، یعنی اگر یکی از بندهای عضو شما از حرکت باز ایستد شما نهایت در مانده می‌شوید، و هرگاه بندهای اعضای بدن شما بطور درست کار می‌کند پس بر شما لازم است تا شکر الله تعالی را اداء کنید و بهترین صورت ادای شکر آن، همانا دادن صدقه است که مصداق‌های از خود دارد که در ذیل حدیث شریف به این مصداق‌ها اشاره شده است، در مورد صدقه قبلاً تذکر داده شد که تنها انفاق مال صدقه نیست بلکه از مصداق‌های صدقه یکی،

ذکر الله تعالی [سبحان الله، الحمد لله، الله اکبر، لا اله الا الله] مصداق دیگرش کسی را به خیر و نیکی دعوت دادن و از بدی منع کردن نیز بذات خود صدقه است.

از مصداق‌های دیگر، هم بستری با همسر خویش نیز صدقه است.

از مصداق‌های دیگر صدقه، آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند که حکم کردن عادلانه در بین دو کس نیز صدقه است به این معنی اگر بین دو مسلمان اختلاف و جنگ جاری است و برای رفع اختلاف شان بین آنان بر مبنای عدل و عدالت فیصله کنی این کار برایت صدقه در نزد الله محسوب می‌گردد.

از مصداق‌های دیگر صدقه، اگر مسلمانی که توان سوار شدن بر وسیله اش

برقراری صلح میان مردم و فضیلت کارهای خوب | ۱۵۷

را نداشته و تو او را در این کار کمک میکنی و یا توان حمل بار بر روی سواری اش را نداشت و تو او را در این کار همکاری و مدد میکنی انجام این کارها نیز برایت صدقه در نزد پروردگار محسوب میگردد سبحان الله!

از مصداق های دیگر صدقه، سخن نیکو و خوب گفتن نیز صدقه است.

و دیگر مصداق صدقه، هر قدم را که به سوی نماز بر می داریم صدقه است. و دیگر مصداق صدقه، هر چیز موزی و آزار دهنده یی را که بر سر راه مردم انداخته و ما آن را دور میکنیم نیز صدقه است. الله تعالی برای ما توفیق عنایت فرماید تا به مطالب و خواسته این حدیث نبوی صلی الله علیه و سلم به معنای صحیح آن عمل کنیم - آمین یا رب العالمین!

حدیث ۲۷

نشانه های نیکی و گناه

﴿لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾^۱

"این که (به هنگام نماز) چهره هایتان را به جانب مشرق و مغرب کنید، نیکی (تنها همین) نیست (و یا ذاتاً روکردن به خاور و باختر، نیکی بشمار نمی آید). بلکه نیکی (کردار) کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورده باشد، و مال (خود) را با وجود علاقه ای که بدان دارد (و یا به سبب دوست داشت خدا، و یا با طیب خاطر) به خویشاوندان و یتیمان و درمندگان و واماندگان در راه و گدایان دهد، و در راه آزادسازی بردگان صرف کند، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و (نیکی کردار کسانی است

که) وفاکنندگان به پیمان خود بوده هنگامی که پیمان بندند، و (به ویژه کسانی نیکند و شایسته ستایشند که) در برابر فقر (و محرومیتها) و بیماری (و زیان و ضررها) و به هنگام نبرد، شکیبایند (و استقامت می ورزند). اینان کسانی هستند که راست می گویند (در ادّعیای ایمان راستین و پیجویی اعمال نیک) و به راستی پرهیزکاران (از عذاب خدا با دوری گرفتن از معاصی و امتثال اوامر الهی) اینانند"

عن النَّوَّاسِ بْنِ سَمْعَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ:
الْبِرُّ حُسْنُ الْخُلُقِ، وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ وَكَرِهْتَ أَنْ
يَطْلُعَ عَلَيْهِ النَّاسُ^۱

از نواس بن سمعان رضی الله عنه از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: نکوکاری خوش خلقی است، و گناه چیزی است که در سینه ات گره می شود، دوست نمی داری مردم بر آن آگاه شوند.

وعن وَابِصَةَ بْنِ مَعْبُدٍ رضی الله عنه قَالَ: أَتَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ
فَقَالَ: (جِئْتَ تَسْأَلُ عَنِ الْبِرِّ؟) قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: اسْتَغْفِرِ
قَلْبَكَ، الْبِرُّ مَا أَطْمَأْنَنْتَ إِلَيْهِ النَّفْسُ وَأَطْمَأَنَّ إِلَيْهِ الْقَلْبُ،
وَالْإِثْمُ مَا حَاكَ فِي النَّفْسِ وَتَرَدَّدَ فِي الصَّدْرِ وَإِنْ أَفْتَاكَ
النَّاسُ وَأَفْتَوْكَ^۲

و از وابصة بن معبد رضی الله عنه روایت شده که گفت: به خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله آمدم،

فرمود: آمده‌ای که از نکوکاری پرسی؟ گفتم: بلی. از دلت پرس، نکوکاری هر چیزی است که روح به آن آرام می‌گیرد و دل به آن آسوده می‌شود، و گناه هر چیزی است که خارش در دل و دودلی و تردد در سینه ایجاد می‌کند، و اگرچه همه مردم تو را برخلاف شعور قلبیت فتوی دهند، به آن فتوی اعتماد مکن.

این حدیث از جمله احادیث جوامع الکلم است، در این حدیث پیامبر اکرم ﷺ ارشاد می‌نمایند که اصل نیکی حسن اخلاق است، و آیه ۱۷۷ که در این باب ذکر گردیده است، به نام آیه البر معروف است این آیه انعکاس دهنده شخصیت کامل انسان مومن است، در این حدیث پیامبر ﷺ فرمودند که بعد از نیکی گناه است، و گناه آن است که در دلت تشویش ایجاد شود، چراکه با انجام دادن گناه در دل یک نوع (تنگی) و تشویش را احساس کنیم و از جانب دیگر نمی‌خواهیم که دیگران از آن گناه آگاه شوند.

در انجام نیکی و گناه به دلت مراجعه کن!

روای حدیث بیان می‌کند که نزد رسول الله ﷺ آمدم ایشان من را دیده فرمود: "تو آمدی تا در مورد نیکی پرسان کنی؟" بنید حضرت پیامبر اکرم ﷺ قبل از این که و ابصه سوال خود را پرسان کند پیامبر اکرم ﷺ درک کردند که و ابصه چی می‌خواهد بگونه‌ی که بر آنحضرت ﷺ الهام یا وحی شده باشد، چراکه اهل ایمان با نور ایمان شان قدرت تشخیص میداشته باشند، و تا حدی روان دیگران را میتوانند بخوانند، به همین دلیل حضرت پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: [اتقوا فراسه المومن فانه ينظر بنور الله]

"بترسید از فراست و هوشیاری انسان مومن چراکه او با نور الله تعالی می‌بیند" یعنی آنچه که در دل تو می‌گذرد بر مومن نمایان می‌گردد، پیامبر اکرم

ﷺ فرمودند، ای وابصه! تو آمدی تا در مورد نیکی از من بپرسی؟ "من عرض کردم: بلی!" من برای دریافت همین مطلب نزد شما حاضر شدم- در جواب آنحضرت ﷺ فرمود: تو از دل خود پرسان کن! یعنی اگر دل تو با نور ایمان منور باشد قادر بر این کار خواهی شد، و اگر در غلاف های تاریک باشد قادر به این کار نخواهد بود، در ادامه پیامبر اکرم ﷺ فرمودند! نیکی آن است که از انجام آن به تو اطمینان حاصل گردد و به همین ترتیب دل تو را مطمئن کند" و بعداً فرمودند! گناه آن است که در دل تو دغدغه و تشویش ایجاد کند و در سینه ات شک و تردید پیدا شود که من چه کار غلط و اشتباهی انجام دادم و این خود یک کیفیت باطنی است.

فتوی دل را ترجیح بده!

در اخیر حدیث شریف پیامبر اکرم ﷺ فرمودند! هر گاه در مقابل امری قرار گرفتی که امر جواز آن از سوی مفتی های صادر شود، برای آرام شدن نیاز است به دلت نیز سر بزنی در صورتیکه دلت آرام گرفت و خوشنود بر انجام آن کار شد در این صورت میتوانی انجام دهی، اما اگر در دلت تردید داشتی از انجام آن اجتناب کردن کاری است مطلوب! الله تعالی بر ما توفیق دهد تا به مطالب این حدیث به معنای صحیح آن عمل کنیم- آمین یا رب العالمین!

حدیث

۲۸

پایبندی به سنت

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾

"ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیغمبر (خدا محمد مصطفی با تمسک به سنت او) اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید (مادام که دادگر و حَقّ‌گرا بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند) و اگر در چیزی اختلاف داشتید (و در امری از امور کشمکش پیدا کردید) آن را به خدا (با عرضه به قرآن) و پیغمبر او (با رجوع به سنت نبوی) برگردانید (تادر پرتو قرآن و سنت، حکم آن را بدانید. چرا که خدا قرآن را نازل، و پیغمبر آن را بیان و روشن داشته است. باید چنین عمل کنید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این کار (یعنی رجوع به قرآن و سنت) برای شما بهتر و خوش فرجام‌تر است"

عَنْ أَبِي نَجِيحٍ الْعَرَبَاضِ بْنِ سَارِيَةَ رضی اللہ عنہ قَالَ: وَعَظَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَوْعِظَةً وَجِلَّتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ، وَذَرَفَتْ مِنْهَا الْعَيْونُ فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَأَنَّهَُا مَوْعِظَةُ مُودِعٍ فَأَوْصِنَا، قَالَ: (أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ، وَإِنْ تَأَمَّرَ عَلَيْكُمْ عَبْدٌ حَبَشِيٌّ، فَإِنَّهُ مَنْ يَعْشُ مِنْكُمْ بَعْدِي فَسِيرَى اخْتِلَافًا كَثِيرًا، فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمُهَدِّينَ تَمَسَّكُوا بِهَا، وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ، وَإِيَّاكُمْ وَمُحَدَّثَاتِ الْأُمُورِ؛ فَإِنَّ كُلَّ مُحَدَّثَةٍ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ) ۱

از ابونجیح عرباض بن ساریه رضی اللہ عنہ روایت شده که گفت: حضرت رسول الله ﷺ ما را پند داد، پندی که از آن دل‌ها به لرزه افتاد، و چشم‌ها از آن اشک ریخت. پس گفتیم: یا رسول الله! چنین می‌نماید که این پندگفتن خدا حافظی است. پس ما را مزید سفارش ده. فرمود: شما را به ترس از خداوند سفارش می‌کنم و فرمانبری امیر سفارش می‌کنم و اگرچه برده‌ای بر شما امیر شود، زیرا به حقیقت هرکس از شما که بماند اختلاف بسیاری خواهد دید، شما را به گرفتن راه من و راه خلفاء راشدین که هدایت‌یافتگانند تشویق می‌کنم، سنت من و سنت آنها را به دندان محکم بگیرید، و شما را از راه‌های تازه که برابر راه من و خلفاء نیست، بر حذر می‌دارم؛ زیرا هر راه تازه‌ای بدعتی است و هر بدعتی گمراهی است.

حدیث فوق در سنن ابی داود و جامع ترمذی هر دو موجود است، و امام ترمذی فرموده که این حدیث "حسن صحیح" است، یعنی از اعتبار سند پخته

است، در این حدیث سخن های متعدد بیان شده است که هر یک آنها جوامع الکلم است- همچنان در آیه مبارکه ۵۹ سوره النساء این چیز واضح گردیده که اطاعت از الله تعالی و حضرت پیامبر اکرم ﷺ مطلق، دائمی و مستقل است. در شرح حدیث باید بگوئیم که، راوی می فرماید پیامبر اکرم ﷺ به گونه وعظ و ارشاد فرمودند که دلهای ما به لرزه در آمد و در چشمان ما اشک جاری شد، ما عرض کردیم: ای رسول الله ﷺ! گویا این وعظ و ارشاد تان آخرین موعظه جناب عالی باشد و این آخرین پیام تان باشد و از آن معلوم میشود که در حال سفر به دیار ابدی هستید، بناءً ای رسول خدا اگر واقعاً چنین است پس بر ما موعظه و نصیحت بیشتر بنمائید"

آنحضرت نصایح ذیل را بر یاران و امت شان بیان فرمودند!

نصیحت اول: تقوی الله تعالی را اختیار کنید!

رسول الله ﷺ اولتر از همه این نصیحت را کرد، "من شما را نصیحت می کنم تا تقوی الله تعالی را اختیار کنید، آن ذاتی که بسیار زبردست و بلند و بالا است" - یعنی انسان همیشه محاسبه اعمال خویش را کند و به این فکر باشد که او الله تعالی را می بیند و یا الله تعالی او را می بیند، و در دل و یا اعضا و جوارح (زبان، دست، پای، چشم، دهان) اعمالی انجام نگیرد که سبب خشم خداوند متعال گردد و یا حرمت های الله تعالی شکستاده شود.

نصیحت دوم: از امیر و امام تان حرف شنوی کنید. و از اوامر شان اطاعت کنید

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند "من شما را نصیحت می کنم به سمع و طاعت یعنی شنیدن و قبول نمودن" دساتیر و فرمان اولی الامر تان "البته تا زمانی که به معصیت امر نکنند فرمان آن واجب الاطاعت است. چراکه گفته شده [لا طاعه لمخلوق فی معصیه الخالق]

هیچ طاعت از مخلوق صورت نمیگیرد آنگاه که در انجام آن معصیت خالق

باشد" به گونه مثال اگر شوهر خلاف احکام الله تعالى و پیامبر اکرم ﷺ را به همسرش حکم کند، زن مسلمان باید حتی اطاعت از شوهرش را نکند، به همین ترتیب اگر امیر هم خلاف شریعت حکمی صادر کند از آن حکم پیروی صورت نمی‌گیرد.

اطاعت از غلام حبشی لازم است اگر او حاکم شود و مطابق به شرع حکم کند
پیامبر اکرم ﷺ می فرمودند "در صورتیکه بر شما کسی گمارده شد که او غلام سیاه پوست بود و سرش مانند کشمش بود، هرگاه دستوری صادر نمود که موافق شرع الهی باشد باید از او اطاعت صورت گیرد"

به وجود آمدن فتنه اختلافات بعد از رحلت پیامبر اکرم ﷺ
بعداً آنحضرت ﷺ خبر دادند که "هر کس بعد از من زنده باشد شاهد اختلافات بسیار زیادی خواهد گردید"

راه نجات از اختلافات
هنگام بروز اختلافات چه کنیم؟ و راه حل چیست؟ آنحضرت ﷺ راه بیرون رفت و نجات از اختلافات را بر ما نشان دادند و فرمودند: "پس در این حالات مراجعه به سنت من و سنت هدایت یافته خلفای راشدین را بر خود لازم بگیرید".

نصیحت آخر: از انجام بدعت اجتناب کن!
پیامبر اکرم ﷺ هشدار دادند تا در دین از ایجاد نمودن اعمال و ایراد سخنان جدید و نوپیدا خود داری کنیم" در مورد بدعت در حدیث شماره پنج به تفصیل بحث کردیم، باید توجه داشت، یک سری مسایل با گذشت زمان به وجود می آید که در قرآنکریم و سنت نبوی صریحاً حکمی در مورد آن نیامده است، در این صورت با اجازه صاحب شریعت حق داریم تا موضوع جدید را بوسیله اجتهاد و قیاس البته توسط مجتهدین حکم موضوع را روشن سازیم که این کار

البته با شرایط آن جواز داشته و کدام مشکلی ندارد، اما اگر در حوزه دین عمل و یا قولی مطرح نمودیم که با اساسات دین سر سازگاری نداشت و هیچ مصداقی در قرآن و حدیث برایش یافت نمی شد، این کار بدعت دانسته شده و باید با آن مبارزه صورت گیرد، مثلاً در حوزه عبادات برای کسب ثواب بیشتر یک سری اعمال وضع شده که دلیلی برای آن از قرآن کریم، سنت نبوی و عملکرد خلفای راشدین موجود نمی باشد، پس این کار بذات خود بدعت محسوب گردیده و مردود شمرده شده و گمراهی می باشد، در حدیثی این الفاظ نیز آمده است: "وکل بدعة ضلالة و کل ضلالة فی النار" "هر بدعتی گمراهی است و جایگاه گمراهی در آتش جهنم است! از الله تعالی می خواهیم بر ما توفیق دهد تا به مطالب این حدیث به معنای صحیح آن عمل کنیم و وزندگی خویش را مطابق با راهنمودهای نبوی ﷺ عیار کنیم - آمین یا رب العالمین!

حدیث ۲۹

اعمالی برای ورود به بهشت

﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾

"عربهای بادیه‌نشین می‌گویند: ایمان آورده‌ایم. بگو: شما ایمان نیاورده‌اید، بلکه بگوئید: تسلیم (ظاهری رسالت تو) شده‌ایم. چرا که ایمان هنوز به دل‌هایتان راه نیافته است (و نور ایمان سراجی که قلبتان را روشن نکرده است). اگر از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کنید، خدا از (پاداش) کارهایتان چیزی نمی‌کاهد. بی‌گمان خداوند آمرزگار و مهربان است"

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾

"مؤمنان (واقعی) تنها کسانی‌اند که به خدا و پیغمبرش ایمان آورده‌اند،

سپس هرگز شك و تردیدی به خود راه نداده‌اند، و با مال و جان خویش در راه خدا به تلاش ایستاده‌اند و به جهاد برخاسته‌اند. آنان (بلی آنان، در ایمان خود) درست و راستگویند"

عن معاذِ بنِ جَبَلٍ ؓ قَالَ كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ فِي سَفَرٍ فَاصْبَحْتُ يَوْمًا قَرِيبًا مِنْهُ وَنَحْنُ نَسِيرُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَخْبِرْنِي بِعَمَلٍ يَدْخُلُنِي الْجَنَّةَ وَيُبَاعِدُنِي عَنِ النَّارِ، قَالَ: (لَقَدْ سَأَلْتُ عَنْ عَظِيمٍ، وَإِنَّهُ لَيْسَ بِشَيْءٍ عَلَى مَنْ يَسْرُهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ؛ تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتَقِيْمُ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ، وَتَحُجُّ الْبَيْتَ).

ثُمَّ قَالَ: (أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى أَبْوَابِ الْخَيْرِ؟ الصَّوْمُ جُنَّةٌ، وَالصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ، وَصَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ). ثُمَّ تَلَا (تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ). حَتَّى بَلَغَ (يَعْمَلُونَ) [السجدة: ٦١، ٧١] ثُمَّ قَالَ: (أَلَا أَخْبِرُكَ بِرَأْسِ الْأَمْرِ وَعَمُودِهِ وَذِرْوَةِ سَنَامِهِ؟) قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: (رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ، وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ، وَذِرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ) ثُمَّ قَالَ: (أَلَا أَخْبِرُكَ بِمِلَاكِ ذَلِكَ كُلِّهِ؟) قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ! (فَأَخَذَ بِلِسَانِهِ) وَقَالَ: (كُفَّ عَلَيْكَ هَذَا) قُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ! وَإِنَّا لَمَوْأَخِذُونَ بِمَا نَتَكَلَّمُ بِهِ؟ فَقَالَ: (ثَكَلَتْكَ أُمُّكَ يَا مُعَاذُ! وَهَلْ يَكُفُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ أَوْ قَالَ عَلَى مَنَآخِرِهِمْ، إِلَّا خَصَائِدُ السِّنْتِهِمْ)¹

از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت شده که من در یک سفر با حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودم - یک صبح ما همه می رفتیم پس من نزدیک آنحضرت صلی الله علیه و آله شدم و گفتم: یا رسول الله! مرا از کارهایی که مرا به بهشت برساند و مرا از دوزخ دور کند خبر ده. حضرت رسول الله فرمود: هرآینه از کاری بس بزرگ پرسیدی، و در حقیقت بر کسی که خدای تعالی آن را بر او آسان کند، آسان است. آن کار چنین است که خدای یکتا را بندگی نمایی و هیچ چیز را شریک او ندانی، و نماز را برپا بداری، و زکات را بدهی و ماه مبارک رمضان را روزه بگیری، و حج خانه خدا را به جا بیاوری. پس از آن فرمود: آیا ترا بر همه درهای خیر آگاه نسازم؟ روزه سپری است که روزه دار را ننگه می دارد و صدقه آتش گناه را خاموش می سازد، آن چنان که آب آتش را خاموش می سازد، و نماز خواندن در دل شبها. پس از آن تلاوت فرمود: (دور می شوند پهلوهائشان از بسترها) این آیه را خواند تا این که پس از آن فرمود: آیا ترا به سرآمد کارها و بالاترین کوهان خبر ندهم؟ گفتم: بلی یا رسول الله! مرا خبر ده. فرمود: سرآمد کارها اسلام است، و ستون اسلام همانا نماز است و بالاترین کوهان آن، تلاش برای پیشرفت دین است، پس از آن فرمود: آیا ترا خبر ندهم به سر رشته همه آنها؟ گفتم: بلی مرا خبر ده یا رسول الله! پس حضرت رسول زبان خود را بگرفت و فرمود: خودت این را ننگه دار. گفتم: ای رسول الله! آیا در حقیقت ما بر سر گفتارهایمان مورد بازپرسی قرار می گیریم؟ فرمودند: مادرت به داغت بنشیند، آیا چیزی جز محصول زبان هایشان مردم را به رویشان در آتش می اندازد؟

حدیث فوق در باره حمکت و نیکی ها سخنانی زیبا و پیامهای مهم به همراه دارد، همچنان در ابتدای حدیث به دو آیات از سوره مبارکه حجرات استناد شده است و فرق بین ایمان و اسلام را بیان نموده و نتیجه گیری که از آیات میشود این است که اسلام و ایمان از خود تعاریف مختلفی دارند.

پس منظر حدیث

هنگامیکه پیامبر اکرم ﷺ با لشکر اسلام به سوی تبوک می رفتند، در آن وقت گرمای شدید بود به حدی که سیر و حرکت شان از شدت گرما در شب بود، حرکت در شب سبب خستگی آنحضرت و همراهان شان شد، هنگامیکه تمام شب آنحضرت ﷺ در سیر و حرکت بودند نماز صبح را با جماعت اداء نمودند بعد از ادای نماز صبح همه با سرعت بر سواری های شان بالا شده و آماده حرکت شدند تا قبل از بر آمدن آفتاب و شدت گرما از فرصت استفاده کنند، چون اصحاب کرام تمام شب را نخوابیده بودند، این حالت سخت بر ایشان دشوار آمده و با همان حالت حرکت بر روی شترهای خود، به حالت نیمه خواب و یا نعاس رفتند، به گونه ایکه کنترل شترها از دست شان خارج شده و شترهای شان در صحرا پخش شدند، و هم به علت اینکه شترها نیز گرسنه شده بودند و برای سیرکردن شکم شان به خار و خاشاکی روی می آوردند، از طرف دیگر ناگهان شتر حضرت معاذ ؓ با چیزی تصادم کرد و این کار سبب شد تا شتر پیامبر اکرم ﷺ نیز تکان بخورد هنگامیکه آنحضرت ﷺ متوجه شدند دیدند که غیر از معاذ ؓ هیچ کس دیگر نزدیک او نبود، تمام صحابه کرام این طرف و آنطرف پراکنده شده بودند، معاذ میگوید! آنحضرت ﷺ صدا کردند: (ای معاذ): گفتم (ای نبی الله ﷺ حاضر و در خدمتم)، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: (به من نزدیک شو) من به ایشان نزدیک شدم به حدیکه شترم شتر پیامبر را لمس میکرد، پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: "من گمان نمی کردم که مردم تا این حد از من فاصله داشته باشند" عده یی از منافقان قصد سوء جان آنحضرت را داشتند و تعدادی از صحابه بخاطر حفاظت جان پیامبر اکرم ﷺ مانند حضرت معاذ بن جبل باید بیدار می ماندند. حضرت معاذ ؓ از مدتها این آرزو را داشت تا با پیامبر اکرم ﷺ تنها بوده تا راحت تر سوالاتی که نزد شان از آنحضرت بپرسند

و نهایتاً این فرصت در سفر مبارک و پر ماجرا برای شان دست داد. حال بر میگردیم به شرح حدیث، حضرت معاذ رضی الله عنه می فرماید وقتی که برایم شانس خلوت با حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله میسر گردید! گفتم: یا رسول الله! من را به عملی رهنمایی کنید که با انجام آن به جنت داخل و از دوزخ نجات یابم، آنحضرت صلی الله علیه و آله جهت تحسین از سوال معاذ در جوابش فرمودند، از کار بزرگی سوال نمودی، اما برای کسیکه الله تعالی بخواهد آن را آسان می کند. بعداً آنحضرت به عنوان رهنمای و ارائه جواب به سوال این صحابی جلیل القدر چنین ارشاد فرمودند!

۱- بجای آوردن عبادت الله تعالی و اجتناب از شرک

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب حضرت معاذ فرمودند: برای رفتن به بهشت و نجات از آتش جهنم بندگی و پرستش الله تعالی را بنما بر او کسی را شریک قرار نده!

۲- انجام ارکان اسلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ارکان اسلام اشاره نمودند "و نماز را برپای دار، زکات اموات را پرداخت نما، روزه ماه رمضان را بگیر و در صورت استطاعت حج بیت الله الحرام را بجای آور، این راه دیگر برای نجات از جهنم و ورود به بهشت جاویدانه است.

۳- روی آوری به ابواب خیر

آنحضرت صلی الله علیه و آله راه متعدد انجام خیر را به معرفی گرفتند "آیا به تو نگویم و خبر ندهم که دروازه خیر کدام است؟" اولین چیزی که به معرفی گرفتند "روزه سپر است" یعنی روزه از طغیان نفس مانند سپر جلوگیری می کند، و فرمودند "صدقه گناهان را محو و نابود می کند آنچنانکه آب آتش را از بین می برد" یعنی هرگاه از تو گناه سرزد با دادن صدقه در محو آثار آن اقدام نما.

۴- تهجد، وسیله رسیدن به رضای الله متعال است

چهارمین نصیحت آنحضرت ﷺ برای حضرت معاذ کردند این بود! مسلمانیکه در قسمتی از شب برای ادای نماز تهجد بر می خیزد از ثواب و فضیلت فراوانی برخوردار میگردد، عده‌یی از مردم پیش از نماز فجر بر می خیزند و هشت رکعت نماز می خواند و فکر می کنند که این نماز تهجد است حالانکه ادای این رکعات نماز در این وقت ضمیمه نوافل نماز صبح بشمار می رود، و خالی از فضیلت هم نیست، اما باید بگوئیم که جایگاه و فضیلت نماز تهجد را ندارد، نماز تهجد آن است که نیمه‌ی از شب بگذرد بعداً برای ادای آن بلند شویم و تا ثلثی از شب برای انجام نماز نفل مشغول شده و بعداً برای مدت اندکی به استراحت پرداخته و برای ادای نماز صبح آماده گردیم، پیامبر اکرم ﷺ برای نماز تهجد جوف اللیل می گفتند، و کلمه جوف معنی شکم و یا وسط را می دهد" به همین خاطر این نماز در دل شب ادا میگردد. بعداً آنحضرت برای گفته‌هایشان از قرآن کریم استناد نموده و به آیات ۱۶ و ۱۷ از سوره مبارکه السجده که در آن مواصفات بندگان محبوب خدا ذکر شده اشاره نمودند.

۵- بنیاد و ستون دین

پیامبر اکرم ﷺ از حضرت معاذ رضی الله عنه سوال کردند: "ای معاذ! آیا تو را خبر ندهم که (بنیاد) و ستون این امر چیست و بلند ترین عمل آن چی می باشد؟" معاذ رضی الله عنه در جواب رسول خدا می گوید گفتم چرانه یا رسول الله آنحضرت ﷺ فرمودند "اساس و ستون همه کارها دین اسلام است" به این معنی که ما باید تمام زندگی خود را مطابق به اطاعت الله تعالی عیار نموده و خویشتن را به الله تعالی تسلیم نمائیم. و در مورد ستون دین آنحضرت ﷺ فرمودند که "ستون آن نماز است".

افضل ترین عمل دین: جهاد در راه الله تعالی

پیامبر اکرم ﷺ جهاد را از افضل ترین عمل قرار داده است و فرمودند: "بلند ترین و افضل ترین عمل جهاد است". این را باید تذکر داد که جهاد در راه الله تعالی چیزی دیگر است و قتال در راه الله تعالی چیزی دیگر است. بعنوان مثال پیامبر اکرم ﷺ دوازده سال از دوران مکی را بوسیله قرآن کریم جهاد فی سبیل الله می کرد، دعوت و تبلیغ، تربیت و تزکیه و تنظیم امور دعوت الی الله را می نمودند، اما هنگامیکه به مدینه تشریف بردند جهاد "قتال" را در کنار جهاد دعوت نیز به دستور پروردگار آغاز نمودند. پس باید دانست که جهاد صرف به معنی جنگ و قتال نیست بلکه پیاده نمودن قانون الله تعالی از بزرگترین انواع جهاد محسوب میگردد- نوع دیگر جهاد در راه الله تعالی با دعوت و تبلیغ و صرف نمودن جان و مال خود را در راه آن است و نوع دیگر جهاد این است که برای غلبه دین الله تعالی از هیچ نوع تلاش و کوششی که در توان داریم دریغ نورزیم.

کنترل کردن زبان، ضامن دست یافتن به جنت

در قسمت اخیر حدیث پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند: "ای معاذ! تو را در مورد روح تمام این معاملات خبرندهم؟" یعنی آنچه که تمام این اعمال تو را قوام می بخشد و سبب میشود تا اعمال تو از ضایع شدن در امان بماند! حضرت معاذ می گوید که من عرض کردم: یا رسول الله ﷺ چرا نه منتظر شنیدن آن هستم- آنگاه آنحضرت ﷺ زبان مبارک خود را گرفت و فرمودند: "متوجه این تکه گوشت که در دهنت قرار دارد باش"- یعنی زبان خود را از استعمال نمودن آنچه که ضرر دین و دنیای توست نگهدار و با آن سخنان نابجا، غیبت و افتراء

بر دیگران را انجام مده، و در صورت نیاز جز سخن حق و راست چیزی دیگر را مگوی و همواره زبانت را در کنترل خویش نگهدار چراکه مردمان را چیزی جز محصول زبان شان آنان را به جهنم نبرده است. حضرت معاذ بن جبل از این سخن پیامبر تعجب کرد و فرمود، ای نبی الله ﷺ! آیا ما بر سخنی که از دهان مان بیرون می کنیم مورد مواخذه پروردگار قرار می گیریم؟ آنحضرت ﷺ به گونه محبت آمیز و توأم با شفقت فرمودند: "ای معاذ! تو را مادرت گم کند" - یعنی از برای گمشدگی و یا غیر حاضری تو مادرت به داغت بنشیند (در میان عربها رواج بود که از روی محبت این جمله را به همدیگر می گفتند) آنچه که سبب رفتن مردم به دوزخ میگردد همان بزرگترین عاملش زبان است، بناء انسان هر سخنی را که در دنیا می گوید در واقع مانند بذری است که آن را در زمین پاشیده و در سرای آخرت محصول کشت خویش را باید بدرد. الله تعالی برای ما توفیق دهد تا به حکمت و پیامهای این حدیث بگونه صحیح و با اخلاص کامل عمل نمایم - آمین یا رب العالمین!

حدیث ۳۰

حقوق خداوند

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ
وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ﴾^۱

"ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیغمبرش (محمد) و کتابی که بر پیغمبر نازل کرده است (و قرآن نام دارد) و به کتابهایی که پیش‌تر (از قرآن) نازل نموده است (و هنوز تحریف و نسیان در آنها صورت نگرفته است) ایمان بیاورید."

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾^۲
"و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و با نمازگزاران (به صورت جماعت) نماز بخوانید"

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۳

۱ - سوره نساء آیه/ ۱۳۶

۲ - سوره بقره آیه/ ۴۳

۳ - سوره حج آیه/ ۷۷

"ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (برای آفریدگار خویش) رکوع (و کرنش برید،) و سجده کنید (و به خاك افتید،) و پروردگار خود را پرستش نمائید و کارهای نيك انجام دهید، تا این که رستگار شوید"

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾

"و در راه خدا جهاد و تلاش کنید آن گونه که شایسته جهاد و بایسته تلاش در راه او است"

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱

"ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر شدائد و ناملایمات) شکیبایی ورزید و (در مقابل دشمنان) استقامت و پایداری کنید و (از مرزهای مملکت خویش) مراقبت به عمل آورید و از (خشم) خدا بپرهیزید، تا این که رستگار شوید"

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾^۲

"مؤمنان (واقعی) تنها کسانی‌اند که به خدا و پیغمبرش ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شك و تردیدی به خود راه نداده‌اند، و با مال و جان خویش در راه خدا به تلاش ایستاده‌اند و به جهاد برخاسته‌اند. آنان (بلی آنان، در ایمان خود) درست و راستگویند"

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾^۳

ای مؤمنان! آیا شما را به بازرگانی و معامله‌ای رهنمود سازم که شما را از عذاب بسیار دردناك دوزخ رها سازد؟

﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ

۱ - سوره حج آیه/ ۷۸

۲ - سوره آل عمران آیه/ ۲۰۰

۳ - سوره حجرات آیه/ ۱۵

۴ - سوره صف آیه/ ۱۰

ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١﴾

"(و آن این است که) به خدا و پیغمبرش ایمان می آورید، و در راه خدا با مال و جان تلاش و جهاد می کنید. اگر بدانید این برای شما (از هر چیز دیگری) بهتر است"

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ﴾^۱

"خداوند کسانی را دوست می دارد که در راه او متحد و یکپارچه در خط و صف واحدی می رزمند، انگار دیوار سربی بزرگی هستند"

عَنْ أَبِي ثَعْلَبَةَ الْخُسَيْنِيِّ جُرْثُومِ بْنِ نَاشِرٍ رضی الله عنه عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا، وَحَدَّ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا، وَحَرَّمَ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا، وَسَكَتَ عَنْ أَشْيَاءَ رَحْمَةً لَّكُمْ غَيْرَ نَسْيَانٍ فَلَا تَبْحَثُوا عَنْهَا رضی الله عنه^۲

«از ابو ثعلبه خسنی (نسبت به قبیله خسنیه)، جرثوم پسر ناشر رضی الله عنه از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: بی گمان خدای تعالی فریضه های را فرض فرمود، پس آنها را ضایع نکنید، و از کارهایی منع فرمود و برای آنها حدودی معین فرمود، پس از آنها تجاوز مکنید، و چیزهایی را حرام فرمود، پس احترام آنها را نگه دارید، و از چیزهایی برای مهربانی به شما، نه از روی فراموشی سکوت فرمود، پس در آنها کنجکاوی مکنید"

۱ - سوره صف آیه / ۱۱

۲ - سوره صف آیه / ۴

۳ - دار قطنی

آیاتی که در ابتدای حدیث شریف ذکر گردیده است فرایض مهمی اسلامی در آنها ذکر گردیده است، در تشریح این حدیث باید گفت، حدیث به چهار قسمت تقسیم شده است.

قسمت اول: (الله تبارک و تعالی فرایضی را بر بنده گانش مقرر نموده است آنها را ضایع مکن!)

در قسمت دوم: (الله تعالی حدودی را مقرر نموده است از آنها تجاوز نکن!)

قسمت سوم: (الله تعالی چیزها را حرام قرار داده است حرمت آنها را پایمال مکن!)

قسمت چهارم: (و الله تعالی بر تو شفقت نموده و در بعضی چیزها سکوت نموده است، لهذا تو در مورد آنها کنجکاوی نکن).

برای فهم درست از احکام و فرایض شما می توانید که یک نقشه تعمیر سه منزله را در ذهن خود در نظر بگیرید، ابتدا تعمیر از تهداب که در زیر زمین است شروع می شود و هر قدر شما تعمیر بزرگ بخواهید باید تهداب آن به همان مقدار بزرگ و قوی باشد و این تهداب شامل (ایمان حقیقی و تصدیق بالقلب) است و این تهداب را کسی دیده نمی تواند و سپس بالای تهداب تخت و یا سقف آن وجود دارد که عبارت است از (کلمه، یعنی به زبان گواهی دادن به وحدانیت الله و رسالت رسول الله). بعداً چهار ستون بالای سقف تهداب تعمیر گذاشته شده است که این چهار ستون شامل (نماز، روزه، حج و زکات) است. بعداً سقف منزل اول دین یا (بندگی رب) که شامل (اسلام، اطاعت، تقوی و عبادت) تعمیر گردیده است، و بعداً سقف منزل دوم دین یا (دعوت بندگی) که شامل (تبلیغ، دعوت، امر بالمعروف و نهی عن المنکر، و شهادت علی الناس) است تعمیر گردیده است. بعداً سقف منزل سوم دین یا (نظام بندگی) که شامل (تکبیر رب، اقامه دین، اظهار دین الحق علی الدین کله،

حتی ی‌کون الدین کله لله) است تعمیر گردیده است. این همه نقشه‌ی کامل فرایض دینی ما است که باید بر آن عمل نماییم، اما باید بخاطر بسپاریم که یک زینه‌ی نیز وجود دارد که از تهداب شروع می‌شود و به منزل سوم ختم می‌شود و آن شامل (قرآن کریم و جهاد فی السبیل الله) است. زینه‌ی منزل اول جهاد با نفس سرکش است که شامل (جهاد با نفس اماره بالسوء، جهاد با ترغیبات شیطانی و جهاد با فحشاء و منکرات و ماحول فاسد) است. زینه‌ی منزل دوم جهاد با نظریات باطل است که شامل (انذار، تبشیر و تذکیر بالقرآن که بر بنیاد حکمت، موعظه حسنه، جدال حسنه باشد) است. زینه‌ی منزل سوم جهاد بر علیه نظام طاغوتی که شامل (صبر، اقدام، تصادم یعنی اگر ضرورت باشد جهاد بالسیف قتال فی سبیل الله) است. بعضی‌ها جهاد را شامل ارکان اسلام می‌دانند که این درست نیست، اما جهاد در اسلام از مقام و منزله‌ی خاص خود برخوردار است، در مرحله سوم جهاد، یعنی قتال اگر جنگ یکطرفه باشد و یا دوطرفه باید جان خود را قربان کنیم تا دین الله تعالی بر باطل غالب گردد و این آخرین درجه جهاد است. برای تشریح سه جمله آخر این حدیث شما می‌توانید که به احادیث ششم و نهم اربعین نووی که قبلاً خوانده ایم رجوع نمائید.

الله تعالی توفیق نصیب ما نماید تا فرایض دین را بطور صحیح بفهمیم و بر آن عمل کنیم - آمین یا رب العالمین!

حدیث

۳۱

زهد واقعی

﴿كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ﴾ ﴿وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ﴾^۱

"نه چنین است (که شما درباره معاد می‌پندارید)! اصلاً شما دنیای گذرا را دوست می‌دارید * و آخرت را رها می‌سازید"

﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾ ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾^۲

"بلکه (بنا به سرشت انسانی) زندگی دنیا را (که محسوس و نقد است، بر زندگی آخرت که نامحسوس و نسیه است) ترجیح می‌دهید و برمی‌گزینید * در حالی که آخرت (از دنیا) بهتر و پاینده‌تر است (عاقل چرا باید فانی و گذرا را بر باقی و پایا ترجیح دهد؟"

﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾^۳

"ما همه چیزهای روی زمین را زینت آن کرده‌ایم (و جهان پرزرق و برق، و پر نعمتی را برای انسانها آراسته‌ایم) تا ایشان را بیازمائیم (و ببینیم از آنان) کدام

۱ - سوره قیامه آیات ۲۰ و ۲۱

۲ - سوره اعلی آیات ۱۶ و ۱۷

۳ - سوره کهف آیه ۷

يك كار نيكوتر مى كند"

عن أبي العباس سهل بن سعد الساعدي رضي الله عنه قال جاء رجل إلى النبي ﷺ فقال: يا رسول الله! دلني على عمل إذا عملته أحبني الله وأحبنى الناس فقال: (ازهد في الدنيا يحبك الله، وازهد فيما في أيدي الناس يحبك الناس)

از ابوالعباس که نام او سهل پسر سعد از قبیله ساعده است رضي الله عنه گفت: مردی به خدمت پیغمبر ﷺ آمد و عرض کرد: یا رسول الله! مرا بر کاری راهنمایی کن که هرگاه انجام دهم خدا تعالی مرا دوست بدارد و مردم نیز مرا دوست بدارند. پس رسول الله بفرمود: به دنیا دل میند، تا خدای تعالی تو را دوست بدارد، و در آنچه نزد مردم است بی میل شو تا مردم ترا دوست بدارند.

در تشریح این حدیث دکتر اسرار احمد می فرماید که لب لباب حصه‌ی عملی تعلیمات اسلامی این است که انسان طالب دنیا نباشد بلکه طالب آخرت باشد، و اگر شما می خواهید که کیفیت باطنی یک انسان را بدانید پس شما حال طلب دنیا و طلب آخرت او را ببینید. در مورد زندگی آخرت و زندگی دنیوی در قرآن کریم آیات زیاد وجود دارد که بطور نمونه آیات فوق ذکر گردیده است.

در این حدیث شریف که توسط سیدنا ابوالعباس سهل بن سعد الساعدی رضي الله عنه روایت گردیده است، گفته شده "کسی نزد پیامبر اکرم ﷺ حاضر شد و گفت: ای رسول الله! برایم انجام عمل را رهنمائی فرمائید که با انجام آن مورد محبوب خدا و مخلوق خدا قرار گیرم. از طرح این سوال معلوم می شود که این صحابه

جلیل القدر چقدر به فکر سعادت دنیا و آخرت بوده است و آخرت را بر دنیا ترجیح داده همانطوریکه الله متعال آخرت را بر دنیا مقدم نموده است- رسول اکرم اسباب محبت خدا به بنده را این طور معرفی نمودند (از دنیا زهد اختیار کن، الله تعالی با تو محبت می کند" یعنی از آسایش، آرایش، لذت ها، و عیش و نوش دنیا خود را نگه دار الله تعالی با تو محبت می کند- در ادامه حدیث پیامبر اکرم ﷺ آمده است که چی چیزی سبب میشود تا نزد مردم محبوب قرار گیریم و فرمودند (به داشته های مردم طمع نداشته باش و خود را بی نیاز احساس کن تا محبوب شان قرار گیری و با تو محبت کنند"

برای اینکه در بین مردم قدر و محبوبیت حاصل کنیم باید حسرت مال، جاه و داشته های مادی شان را نخوریم، با آنان از در حسادت وارد نشویم چراکه این اعمال خلاف زهد و تقوا است. هرگاه ارتباط تو با دنیا داران و توانمندان جامعه این گونه باشد و چشم طمع به دنیا و داشته های شان نداشته باشی، آنگاه اگر با آنان رابطه برقرار کنی به احوال پرسی شان بروی، عیادت مریض شان را بنمایی و دعوت و تبلیغ و نصیحت شان کنی آنگاه محبت خالصانه شان را با خود خواهی دید. به هر صورت پیام حدیث شریف این است، اگر ما بگونه مجموعی از آسایش، آرایش، نعمات، لذت های دنیوی خویشتن را نگه داریم در نتیجه الله تعالی با ما محبت می کند و اگر زهد و بی نیازی در خود را از آنچه که نزد مردم است اختیار کنیم آنگاه محبت ما در دل مردم جای خواهد گرفت و محبوب خدا و بندگان خدا میگردیم. الله تعالی چنین زهدی برای ما عنایت فرماید. - آمین یا رب العالمین!

حدیث ۳۲

نباید به خود و دیگران آسیب رساند

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾

"مردمان! ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حواء) آفریده‌ایم، و شما را تیره و قبیله و قبیله نموده‌ایم تا همدیگر را بشناسید (و هر کسی با تفاوت و ویژگی خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود، و در پیکره جامعه انسانی نقشی جداگانه داشته باشد). بی‌گمان گرامی‌ترین شما در نزد خدا متقی‌ترین شما است"

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ سَعْدِ بْنِ سِنَانٍ الْخُدْرِيِّ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ)^۱

۱ - سوره حجرات آیه/۱۳

۲ - حدیث حسن رواه ابن ماجه و الدارقطني

"از ابوسعید که نام او سعد بن مالک بن سنان خدری رضی الله عنه است، روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: نه به کسی زیان برسانید و نه خود زیان بردارید" حدیث مبارکه فوق اشاره صریح به نظام عادلانه اسلام در سطوح مختلف داشته که در ذیل به آن اشاراتی خواهیم داشت.

عدالت در نظام اقتصادی اسلام

عدالت در نظام اقتصادی این است که الله تعالی هر چیز را که در دنیا پیدا کرده است تقسیم آن باید منصفانه باشد، اینگونه نباشد که یک گروه از مردم اجاره داری کند که در نتیجه در یک سو انبار دولت جمع شود و از سوی دیگر مردم در فقر زندگی کنند، در نظام عادلانه اسلام رفع نیازمندی های مردم به عهده دولت می باشد، و در نظام اقتصادی اسلام همه مردم آزاداند و حق دارد که تجارت نمایند و از اموال و دارایی شان برای طبقه فقرا زکات بدهند.

تامین نظام اجتماعی در اسلام

تامین نظام اجتماعی (Social Security) در عصر خلافت سیدنا حضرت عمر فاروق رضی الله عنه ایجاد گردیده است، حضرت عمر فاروق رضی الله عنه می فرماید که اگر در کنار دجله فرات کدام حیوانی از گرسنگی بمیرد در روز قیامت عمر در مورد آن بازخواست خواهد شد. اگر چه تامین نظام اجتماعی را اسلام برای دنیا معرفی کرده است اما امروزه مع الاسف در این عرصه ما مسلمانان بسیار عقب مانده ایم، و در مقابل جهان غرب این نظام را عملی کرده است، کشورهای مانند ناروی، سویدن و دنمارک بهترین نظام تامین اجتماعی را دارند.

عدل در سطح اجتماعی

عدل در سطح اجتماعی بین انسانها مساوات است، انسان اگر سیاه باشد و یا

سفید، از هر نسلی که باشند از دیدگاه اسلام همه با هم برابرند مگر با تقوا- و همچنان از دیدگاه اسلام زن و مرد از حیث انسان بودن با هم برابر هستند.

عدالت در محاکم و نظام جزایی اسلام

اگر کسی در محکمه کدام قضیه بی داشته باشد برای محکمه لازم است تا خود را از قضیه با خبر کند و هر گاه جرم مجرمین به اثبات رسید مرتکبین و مجرم باید جزای مناسب حال شان داده شود، و روند اثبات جرم باید مراحل شرعی و قانونی اش را طی کند. در مورد نظام عادلانه و اصول و ضوابط آن امام نووی دو احادیث بسیار مهم را در کتاب شان روایت نموده اند، یکی از آنها حدیث مورد مطالعه که از حضرت ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت شده است، و ایشان بیان می فرمایند که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: (نه کدام ظلمی را مرتکب شو و نه هیچ گونه ظلمی را بپذیر) یعنی نه برای کسی نقصان برسان و خود نقصان را بردار! است و دومین آن حدیث شماره سی و سوم است، که ان شاء الله در ذیل به آن خواهیم پرداخت.

در قصاص زندگی است!

آنچه که در قسمت دوم حدیث شریف بیان شده ظاهراً عجیب بنظر میرسد- بطور عام از تعلیمات اخلاقی این است که گفته شده بر کسی ظلم نکن، اما در قسمت دوم موضوع مسکوت گذاشته شده در حالیکه الله تعالی این را هم خواسته تا ظلم کسی دیگری را بر خود نپذیریم- برای حق خود تمام جهد و تلاش خویش را بکار اندازیم، و حتی اگر نیاز شد می توانیم به راه های مانند جنگ نیز متوسل شده تا حق خود را بدست آوریم، چراکه با سکوت و میدان دادن به ظالم سبب جرات و جولان دادن وی خواهیم شد که این کار نیز بذات خود گناه می باشد.

الله متعال می فرماید: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱

"ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص، حیات و زندگی است تا از تجاوز و خونریزی پرهیزید.) باشد که تقوا پیشه کنید."

اما از جانبی دیگر در نظام اخلاقی اسلام عزیز در کنار این که قصاص را حق مسلم وارثین مقتول میدانند باز هم به عفو و گذشت توصیه نموده است و قرآن کریم می فرماید: ﴿وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۲

"اگر عفو کنید و چشم پوشی نمایید و ببخشید (خدا هم شما را مشمول عفو و مرحمت و مغفرت خود می نماید) چرا که خداوند بخشاینده مهربان است."

یعنی اگر می خواهی که خداوند تو را ببخشد و مورد عفو او قرار گیری، باید در انتقام و قصاص گذشت داشته باشی و تسامح را بر انتقام ترجیح دهی که این کار نه به عنوان قانون بلکه به عنوان یک اصل اخلاق از سوی اسلام تشویق شده است و همچنان میتوانی به عوض قصاص دیه گرفته و از قتل قاتل جلوگیری کنی.

جاری نمودن حدود جزا وسیله اصلاح جامعه

حدود الله تعالی و اجرای جزا به این هدف است تا جرم از اجتماع ریشه کن گردد، اجرای حدود جزا برای این نیست تا با مجرم دشمنی صورت گیرد، بلکه همانطوریکه گفتیم هدف از اجرای حدود بر مجرمین اصلاح آنان و آرامش جامعه انسانی و اسلامی است به عنوان مثال اگر کسی دست به ارتکاب دزدی میزند باید دست او قطع شود که از این کار در واقع دو هدف بر آورده میگردد، یکی جلوگیری از اعمال جرمی و دیگر درس عبرتی برای مردم تا هیچگاه چنین چیزی در ذهن شان ایجاد نگردد.

۱ - سوره بقره آیه/ ۱۷۹

۲ - سوره تغابن آیه/ ۱۴

در انجام وکالت باید عدالت را مراعات کنیم!

یکی دیگر از مواردی که شریعت اسلام به آن توجه نموده است، موضوع وکالت امور دیگران است، یعنی اگر در وکالت دروغ و کدام فریبی در کار نباشد و امور وکالت به گونه صادقانه پیش برده شود پس این پیشه جایز است، اما آنچه در عصر ما دیده میشود که بعضاً در کار وکالت صادق نبوده و حتی در دعوی وکالت دیگران از دروغ کار گرفته میشود تا به اهداف شان دست پیدا نموده و یا دعوی را به نفع موکل اش پیش ببرد که چنین عملی قطعاً از نگاه آموزه های اسلامی مردود است.

الله تعالی برای ما توفیق بدهد تا بر بنیاد همین اصول زندگی خود را پیش ببریم - آمین یا رب العالمین!

حدیث ۳۳

شیوه اثبات دعوی

﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱

ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص، حیات و زندگی است (بنابر مصلحت و حکمتی که در آن، و دقائق و نکاتی که در همه احکام است. این است که قانون قصاص را برای شما وضع کردیم تا از تجاوز و خونریزی پرهیزید.) باشد که تقوا پیشه کنید.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رضی الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: (لَوْ يُعْطَى النَّاسُ
بِدَعْوَاهُمْ، لَدَعَّى رَجَالٌ أَمْوَالَ قَوْمٍ وَدِمَاءَهُمْ، لَكِنَّ الْبَيِّنَةَ
عَلَى الْمُدَّعِي وَالْيَمِينَ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ)^۲

"از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت شده: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اگر خواسته‌های

۱ - سوره بقره آیه/ ۱۷۹

۲ - (حدیث حسن، رواه البيهقي و غيره هكذا، و بعضه في الصحيحين)

مردم به محض درخواست‌شان به آنها داده می‌شد، هرآینه مردمی مال‌های مردم دیگر و خون‌هایشان را ادعا می‌کردند، ولی اصول این است که مدعی ثبوت پیش کند و مدعا علیه اگر انکار کند پس قسم بگیرد."

در تشریح این حدیث باید بگوئیم که هر کس دعوی چیزی را کرد برای‌ش لازم است برای اثبات مدعایش دلیل اقامه کند و بر مدعا علیه لازم است تا قسم یاد کند- مثلاً اگر کسی دعوی کند که این خانه مال من است، و قسم یاد کرد که بخدا قسم از من است! برایش گفته می‌شود که این قسم اینجا بدر نمی‌خورد، اگر تو دعوی ملکیت این خانه را می‌کنی پس باید دلیل و یا ثبوت و یا گواه بیاوری، در غیر آن صورت دعوی تو قابل قبول نیست یعنی تنها بر بنیاد قسم خوردن ادعای مدعی ثابت نمی‌شود.

تنها عدلیه آزاد می‌تواند فساد را متوقف سازد!

این را باید تذکر داد که تنها عدلیه آزاد می‌تواند فساد را ریشه کن کند به شرطیکه در آن عدلیه فساد نباشد، بهترین اصول آنرا حضرت پیامبر اکرم ﷺ عرضه نموده‌اند، که امروز هم در دنیا قابل تطبیق است، اصل اول این است تا آنگاه که سخن هر دو طرف مدعی و مدعی علیه شنیده نشود باید دعوا فیصله نگیرد! اصل دوم این است که بر اساس شک و گمان حق فیصله دعوی را کسی ندارد، باید شواهد و اسناد موجود بوده و بر اساس آن فیصله صورت گیرد، به همین ترتیب اصل سوم این است که اگر کسی کدام دعوی نمود باید برای ثبوت آن اسناد و شواهد پیش کند غیر آن از دعوی خارج می‌شود، البته قسم مدعا علیه اعتبار دارد.

تنها وارثین مقتول اختیار دارند که قاتل را ببخشند!

بنابر تعلیمات اسلامی در مقدمه قتل وارثین مقتول مدعی اند و ایشان این حق را دارند که قاتل را به قصاص می‌رسانند و یا او را بدون کدام چیزی رها می‌کنند و یا بهای خون مقتول را گرفته و قاتل را رها می‌کنند، در مورد حق قصاص که به وارثین مقتول داده شده حکومت جز تطبیق قصاص و پیاده کردن عدالت کاری دیگر کرده نمی‌تواند، و حق بخشش و عفو را ندارد، در صورتیکه وارثین مقتول قاتل را می‌بخشند شما در نظر بگیرید که بر خاندان قاتل چقدر اثر عمیق از خود بر جای می‌گذارد و تا چه حد آنان شکر گزار احسان شان قرار خواهند گرفت- به این ترتیب سلسله زنجیره‌ی قتل از جامعه خود بخود ریشه کن می‌شود. الغرض حضرت پیامبر اکرم ﷺ در سطوح مختلف موضوع عدالت را به گونه بسیار با ارزش اساس گذاری نمودند که با عمل کردن به آن نیازهای عدل انسانی را به پایه کمال می‌رساند. الله تعالی برای ما توفیق عنایت فرماید تا بر بنیاد همین اصول زندگی خود را پیش ببریم- آمین یا رب العالمین!

حدیث ۳۴

تغییر منکر

﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾

"ای پسر عزیزم! نماز را چنان که شاید بخوان، و به کار نیک دستور بده و از کار بد نهی کن، و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد شکیبا باش. اینها از کارهای (اساسی و مهمی) است که باید بر آن عزم را جزم کرد و ثبات ورزید"

﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾

"آن مؤمنانی که خدا بدیشان وعده یاری و پیروزی داده است کسانی هستند که هرگاه در زمین ایشان را قدرت بخشیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند، و امر به معروف، و نهی از منکر می‌نمایند، و سرانجام همه کارها به خدا برمی‌گردد (و بدانها رسیدگی و درباره آنها داوری خواهد کرد، همان گونه که آغاز همه کارها از ناحیه خدا است"

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ﴾^۱

"شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده‌اید (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید و به خدا ایمان دارید"

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^۲ "باید از میان شما گروهی باشند که (تربیت لازم را ببینند و قرآن و سنت و احکام شریعت را بیاموزند و مردمان را) دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و آنان خود رستگارانند"

﴿لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَنْبِيَاءُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾^۳

"چرا پیشوایان مسیحی و علماء یهودی آنان را از سخنان گناه‌آلود و خوردن مال حرام نهی نمی‌کنند و باز نمی‌دارند؟ آنان (هم با ترك نهی و لب فرو بستن از اندرز و ارشاد) چه کار زشتی می‌کنند"

﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾^۴

"آنان از اعمال زشتی که انجام می‌دادند دست نمی‌کشیدند و همدیگر را از زشتکاریها نهی نمی‌کردند و پند نمی‌دادند. و چه کار بدی می‌کردند! (چرا که دسته‌ای مرتکب منکرات می‌شدند و گروهی هم سکوت می‌نمودند، و بدین وسیله همه مجرم می‌گشتند)"

۱ - سوره آل عمران آیه/ ۱۱۰

۲ - سوره آل عمران آیه/ ۱۰۴

۳ - سوره مائده آیه/ ۶۳

۴ - سوره مائده آیه/ ۷۹

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا دُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾^۱

"اما هنگامی که پندها و اندرزهایی را نشنیدند که بدانها تذکر داده شدند، کسانی را که (دیگران را نصیحت می نمودند و آنان را) از بدی نهی می کردند از (عذاب به دور داشتیم و از بلا) رهانیدیم، و کسانی را که (مخالفت فرمان می کردند و بیشتر و بیشتر گناه می ورزیدند و بدین وسیله بر خود و جامعه) ستم می نمودند، به خاطر استمرار بر معاصی و نافرمانی، به عذاب سختی گرفتار ساختیم"

﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ﴾^۲

"چرا نمی بایست که در میان ملت‌های (گذشته) پیش از شما فرزاندانی باشند که از فساد در زمین نهی کنند (تا دیگران را از گرفتار آمدن به عذاب و نابود شدن رهائی بخشند؟) مگر مردمان کمی که (به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل کردند و) ما نجاتشان دادیم"

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: (مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ)^۳

۱ - سوره اعراف آیه ۱۶۵

۲ - سوره هود آیه ۱۱۶

۳ - صحیح مسلم، کتاب الایمان، باب بیان کون النهی عن المنکر من الایمان

"از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده که من از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هرکس از شما کار زشتی را ببیند، پس باید آن را با دستش تغییر دهد، و اگر نتوانست به زبانش آن را تغییر دهد، باز اگر نتوانست پس به دلش آن را انکار کند، و آن انکار که به دل باشد ضعیف ترین ایمان است"

این حدیث در مورد امر به معروف و نهی از منکر است، برای اینکه در جامعه خوبی ها برقرار باشد و بدی ها از بین برود آیات قرآن کریم نیز در این مورد فراوان است، یک دسته از کوتاهی ها و تقصیرات جرم است و دسته دیگر از آنها گناه، به عنوان مثال اگر کسی نماز نمی خواند پولیس او را به نماز خواندن مجبور کرده نمی تواند، باید در جامعه گروهی از مردم باشند تا او را به نماز خواند دعوت کنند و اگر نماز نخواند باید او را مورد ملامت و سرزنش قرار داده و از گزینه های که شریعت تعیین نموده استفاده نمایند در صورتیکه نزد شما کدام اختیار و صلاحیت باشد شما او را جزا داده می توانید، مثلاً بچه فرزندان که سن اش از ده به بالا باشد و در ادای نماز سستی می کند شما او را تنبیه کرده می توانید به همین دلیل در حدیث آمده است اگر بعد از سن ده سال بچه نماز نمی خواند پدر اجازه دارد تا او را در مورد کوتاهی اش تنبیه نموده تا پابند نماز شود. این گونه شیوه زندگی با زندگی و شرایطی که در غرب حاکم است کاملاً متفاوت است، اگر پسر شما نماز نمی خواند شما حق تنبیه او را ندارید و اگر چنین کردید آنگاه پولیس آن فرزند را از شما می گیرد و خود شان او را بزرگ می کند و دیگر شما حق سرپرستی از فرزندان را ندارید، و این کار از دیدگاه قوانین غربی جرم محسوب می گردد یعنی بر خلاف آموزه های دین مبین اسلام، از دیدگاه دین اسلام بزرگ خانواده حق نظارت و در صورت غفلت از اوامر پروردگار حق تنبیه و اصلاح را دارا می باشد. اگر نزد شما در سطح حکومت اختیاراتی است پس بر شما فرض است تا در سطح اجتماعی این گونه یک

اداره تحت نام امر به معروف و نهی از منکر تاسیس کنید تا این فریضه بسیار مهم در بین جامعه اسلامی اجرا گردد و این کار یکی از مسئولیت‌های ریاست دولت اسلامی شمرده می‌شود.

در تشریح حدیث فوق باید گفت، این حدیث در کتاب صحیح مسلم توسط حضرت ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت گردیده است - ایشان می‌فرمایند! من از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌گفت: "هر کس از شما منکری دید مسئولیت اوست تا با امکانات دست داشته خود منکر را تغییر دهد" در اینجا باید بسیار متوجه باشیم این فرض است - باید ما اینطور فکر نکنیم که هر کس مرتکب منکری شد تنها گناه و نتایج اش به مرتکبش بر میگردد هرگز! متوقف ساختن آن منکر بر شما فرض است و اگر شما این کار را نکنید مرتکب گناه شده اید - در جایی که اختیار داشتید باید با قوت بازو آن بدی را متوقف سازید - اگر قوت ندارید: "پس با زبان در تغییر منکر اقدام کنید" و برایش بگویید که ای بنده خدا این کار غلط است، این کار را انجام نده، و اگر توان تغییر منکر با زبان را نداشت، باید کم از کم در دل خود (بر علیه منکرات) نفرت داشته باشد، و این ضعیف ترین درجه ایمان است - و اگر در دل از انجام گناه و منکرات نفرت نداشته باشیم پس این کار نشان از ضعف و نقص ایمان است.

امر به معروف و نهی از منکر، یک اصطلاح جامع

امر به معروف و نهی از منکر یک اصطلاح جامع قرآن کریم است - چنانچه در ده جای قرآن کریم هر دوی این کلمه ها بشکل جامع و اصطلاحات مربوط آن آمده است که در ابتداء ذکر گردید.

امر به معروف و نهی از منکر خصوصیت و ویژگی امت اسلامی

در دو آیه سوره آل عمران که در ابتدا ذکر گردیده است معلوم می‌شود که

دعوت مردم به سوی خیر و و منع شان از بدی از خصوصیات برتر این امت بر سایر امت ها است.

سرانجام عابدی که نهی از منکر نمی‌کرد

در مورد موضوع حدیث قدسی داریم که بسیار تکان دهنده است - از حضرت جابر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله ارشاد فرمودند: [اوحی الله عزوجل الی جبریل علیه السلام: ان اقلب مدینه کذا و کذا با هلهما] "الله تعالی برای حضرت جبریل علیه السلام وحی فرمود که فلان و فلان شهر را با باشندگان آن زیر و رو کن" قابل یاد آور است که اینگونه عذاب برای قوم لوط و بسیاری دیگر از اقوام گذشته نیز آمده است. ﴿قال یارب! ان فیهم عبدک فلانا لم یعصک طرفه عین﴾ جبرائیل علیه السلام عرض کرد! پروردگار! در میان اینها فلان بنده تو نیز است (که او شخص نیک است، زاهد و عبادت گزار است) و او هرگز به اندازه یک پلک چشم مرتکب معصیت نشده است" ﴿فقال: اقلبها و علیهم، فان وجهه لم یتمعرفی ساعه قط﴾^۱ الله متعال در جواب جبرئیل فرمود! در قدم اول به حساب او برس! چراکه در انجام منکرات مردم او حتی چهره اش نیز تغییر نمی‌کرد و از انجام منکرات آنان ناراحت نبود، به عنوان مثال اگر کسی شما را دشنام می‌دهد و شما توان مقابله با او را دارید آیا او را به حالش رها میکنید؟ و در صورتیکه شما توان مقابله با او را نداشته باشید کم از کم آثار آن در چهره تان هویدا میگردد و غیرت تان نیز به حرکت در می‌آید. حدیث فوق این پیام را بر ما دارد، اینکه اگر تنها خود اصلاح شویم و به اصلاح دیگران توجه نداشته باشیم در صورتیکه توانایی نیز داشته باشیم پس ما نزد الله متعال مسئول و پاسخگو خواهیم بود.

در اخیر باید تذکر داد که نفرت از منکرات پائین ترین درجه ایمان است، و تقاضای آن این است تا با کسانی که مرتکب منکرات میشوند دوستی نکنیم، شما هر شب در نماز وتر با الله تعالی این عهد را می بندید [و نخلع و نترک من یفجرک] "ای الله! هر کس که نافرمانی تو را می کند ما با او ترک تعلق می کنیم و از او جدا می شویم" این یک پیمان بسیار بزرگ است. اما اگر این کار را نکنیم و با چنین افرادی بطور آزادانه ارتباط و رفت آمد داشته باشیم پس این نشان از ضعف ایمان است! اما اگر ملاقات و ارتباطات با آنان برای دعوت شان به معروف و ترک منکرات باشد کاری درست و نیک است، بناءً ترک تعلقات در صورت عاجز بودن از اصلاح شان با این چنین افراد وسیله فشاری بر آنان خواهد بود و به نوعی تحریم اجتماعی محسوب میگردد. الله تعالی برای ما توفیق دهد تا به خواسته و تقاضاهای حدیث شریف بگونه صحیح عمل نمائیم. آمین یا رب العالمین!

حدیث ۳۵

حقوق مسلمانان بر یکدیگر

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

"فقط مؤمنان برادران همدیگرند، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید، و از خدا ترس و پروا داشته باشید، تا به شما رحم شود"

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾

"مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند"

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾

"تنها خدا و پیغمبر او و مؤمنانی یاور و دوست شما هستند که خاشعانه و خاضعانه نماز را به جای می آورند و زکات مال به در می کنند"

﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾

۱ - سوره حجرات آیه / ۱۰

۲ - سوره توبه آیه / ۷۱

۳ - سوره مائده آیه / ۵۵

۴ - سوره مائده آیه / ۵۶

"و هرکس که خدا و پیغمبر او و مؤمنان را به دوستی و یاری بپذیرد (از زمره حزب الله است و) بی تردید حزب الله پیروز است"

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (لَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَنَاجَشُوا، وَلَا تَبَاغَضُوا، وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا يَبْعَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ، وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا، الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ، وَلَا يَخْذُلُهُ، وَلَا يَحْقِرُهُ. التَّقْوَى هَهُنَا) وَيَشِيرُ إِلَى صَدْرِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (يَحْسِبُ امْرَأً مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ، كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ، دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِرْضُهُ)^۱

"از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله ﷺ فرمود: نسبت به همدیگر حسد مورزید و به زیان یکدیگر سازش مکنید و کینه همدگر را به دل نگیرید، و پشت به همدیگر مکنید، و معامله همدیگر را بر هم مزینید، بر دست همدیگر مزینید. ای بندگان خدا! برادر همدیگر باشید، مسلمان برادر مسلمان است، به برادر خود ستم نمی‌کند، دست از یاری او نمی‌کشد، به او دروغ نمی‌گوید، او را خوار نمی‌شمارد، پرهیزگاری اینجاست، یعنی در دل است و به سوی سینه‌اش اشاره فرمود و سه بار آن را تکرار کرد، در پستی و شرارت شخص همین بس که برادر مسلمانش را خوار بدارد، خون و مال و شرف و ناموس هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است»

موضوع حدیث فوق اصول معاشرت اسلامی است- یعنی اخوت در بین مسلمانان، خلوص و اخلاص داشتن با همدیگر و نحوه ارتباطات و تعلقات

مسلمین بین همدیگر است، در قرآن کریم در مقاطع مختلف روی اخوت و برادری و همکاری و اتفاق به برادر مسلمان تاکید شده است.

حدیث فوق از حضرت ابوهریره رضی الله عنه مروی است- ایشان می فرمایند که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند "بین هم دیگر حسد نکنید"- حسد و تکبر بدترین گناه است و این همان مرضی است که به واسطه آن عزازیل (شیطان) رانده درگاه پروردگار شد- او در بارگاه مقربین قرار داشت و قرب الله متعال را حاصل کرده بود- بین جنیات و ملائکه فرق وجود دارد، جنیات از آتش و ملائکه از نور آفریده شده اند، و اما انسان از آب و گل آفریده شده است، این نکته باید واضح گردد که ماده خلقت انسان گل است، ماده خلقت ملائکه نور است و ماده خلقت جن آتش است و آتش و نور در مقابل ماده خلقت انسان بسیار لطیف اند، به این ترتیب بین نور و آتش یک نوع نزدیکی نیز و لطافت وجود دارد اما عزازیل بنابر عبادت و علم زیادی که داشت در صف ملائکه شامل شده بود اما او گرفتار حسد و تکبر شد و فریب خورد و گفت که برای آدم چرا مقام خلافت داده شده است حالانکه این حق از من بود، الغرض حسد و تکبر او را از کجا به کجا رساند او در اسفل السافلین افتاد. همین حسد و تکبر بود که یهودیان بطور مجموع از ایمان آوردن به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محروم ماندند- صرف چند یهودی بر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آوردند که بین آن حضرت عبدالله بن سلام رضی الله عنه نیز بود ایشان یک عالم بزرگ یهودی بود اما اکثر یهودیان ایمان نیاوردند.

بعداً حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: "به زیان یکدیگر سازش نکنید" یعنی در کدام جایی چیزی لیلام می شود و شما بالفعل خریدار نیستید ولی بخاطر جلب مشتری اعلان می کنید که به این نرخ می خرم تا قیمت جنس بالا برود. اگر شما حقیقتاً آن جنس را خریدار باشید پس گفته می توانید در غیر آن

حضرت پیامبر اکرم ﷺ از این کار منع نموده اند که نباید به دروغ اعلان کنید که این جنس را خریدارم.

در ادامه سخنان شان آنحضرت ﷺ فرمودند "با یک دیگر بغض و کینه نداشته باشید" در اصل این طور است مردم اکثراً بر همدیگر ظلم می کنند، اسلام برای ما دستور می دهد اگر کسی برای تان ظلمی و یا کدام کوتاهی دیگر روا داشت، حتی الامکان از انتقام اجتناب کنید و بالاتر از آن او را از ته دل ببخشید چرا که اگر بین دو مسلمان اختلافی وجود داشته باشد فضای اخوت و برادری مکرر خواهد شد و وظیفه سایر مسلمین است تا بین آنان صلح و آشتی بیاورند و نگذارند تا فضای کینه و کدورت همه چیز را از بین ببرد.

و بعداً فرمودند: "بریکدیگر پشت نکنید" یعنی همانگونه که در نحوه ارتباطات دوستی با دوستان تان رو در رو صحبت میکنید با برادر مسلمان تان همانگونه باشید. چراکه پشت کردن با مسلمان عادتی است که به اخلاق مسلمان نمی زبید و نشان از انزجار و تنفر دارد.

در ادامه سخنان و ارشادات شان آنحضرت ﷺ فرمودند "و هیچ یک از شما بر فروش دیگری نفروشد" یکی از نکات برجسته ای که در معاملات آنحضرت تاکید داشتند تا در رعایت آن کوشا باشیم همانا دخالت نکردن در معامله دو برادر مسلمان است، هرگاه دو مسلمان وارد معامله شدند طرف ثالث حق وارد شدن به آن را نداشته تا زمانی که آن دو نفر از هم جدا نگردند، چراکه دخالت در بین معامله دو برادر مسلمان سبب تنش و ایجاد کینه در بین شان میگردد و اخلاقاً نباید چنین کاری صورت گیرد.

در ادامه حدیث بعد از آنکه پیامبر ﷺ ما را از اموری که سبب ایجاد کینه و خصومت بین مسلمانان می گردند نهی نمودند، این ارشاد است "و بندگان الله و برادران همدیگر باشید!" یعنی شما همه اول بنده الله تعالی شوید در نتیجه

تمام شما برابر هستید. و فرمودند: "مسلمان برادر مسلمان است" اینجا از مومن درجه پایین تر در مورد مسلمان سخن زده می شود- درجه ایمان بسی بالاتر از اسلام است، در اینجا فرمودند که مسلمان برادر مسلمان دیگر است، هنگامیکه باهم برادرانند در نتیجه در مقابل یکدیگر مسئولیت دارند، اولین مسئولیت آن این است که "بر او ظلم نمی کند" یعنی او برادر تو است چطور بالایش ظلم می کنی؟ مسئولیت دوم این است "و هیچ وقت او را بی یار و مددگار رها نمی کند"- یعنی هیچ وقت برادر خود را در میدان مشکلات و مصایب تنها رها نمی کند- اگر در جایی با او ظلم می شود در کنار او قرار می گیرد و او را حمایت می کند. مسئولیت سوم یک مسلمان بر مسلمان دیگر این است: "او را حقیر فکر نمی کند"- یعنی شاید برادر مسلمان ما غریب باشد و ما برخوردار از ثروت و سرمایه باشیم اما این کار نباید سبب شود تا برادر مسلمان خود را به خاطر فقر و یا دیگر مسایل مورد تحقیر قرار دهیم، یا شاید تو عالم باشی و او بی سواد، پس باید او را حقیر نشماری چرا که امکان دارد که در دل او محبت الله تعالی و پیامبرش ﷺ از تو بیشتر باشد.

در مقطع پایانی حدیث آنحضرت ﷺ (سه مرتبه سوی سینه خود اشاره نموده و فرمودند که تقوی اینجاست، تقوی اینجاست، تقوی اینجاست". ما در ذهن خود از متقی بودن تصور خاص داریم کسی که لباس خاص بپوشد، ریش داشته باشد، عمامه بپوشد این نوع شخص را ما متقی می گوئیم، اما پیامبر اکرم ﷺ فرمودند که تقوی در دل است، امکان دارد که کسی از برای ریاکاری آن چیزها را انجام دهد در حالیکه ریای و خودنمای از اعمال شرک محسوب می گردد.

و فرمودند "برای بد بودن انسان همین کافی است که برادر مسلمان خویش را حقیر و کوچک شمارد" بلی یکی از علایم بد بودن انسان نزد پروردگار این

حقوق مسلمانان بر یکدیگر | ۲۰۳

است که نسبت به برادر مسلمان خود دید حقارت داشته باشد. و نهایتاً در اخیر ارشادات شان آنحضرت ﷺ فرمودند "خون، مال، شرف و ناموس هر مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است" یعنی جان، عزت، مال و ناموس هر مسلمان بر مسلمان دیگر امانت است. و حق تعرض برای هیچ کس داده نشده تا به این امور تجاوز صورت گیرد.

الله تعالی برای ما توفیق دهد تا به اصول معاشرت اسلامی و تعلقات دینی و ایمانی و اخوی اسلامی عمل کنیم تا به سبب آن بر خوردار از یک زندگی با عزت و شرافتمند گردیم. آمین یا رب العالمین!

حدیث ۳۶

آسانگیری بر تنگدستان، پوشیدن عیوب و خواندن قرآن کریم بصورت دستجمعی

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۱
 "فقط مؤمنان برادران همدیگرند، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید، و از خدا ترس و پروا داشته باشید، تا به شما رحم شود"
 ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^۲

"ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگری را استهزاء کنند، شاید آنان بهتر از اینان باشند، و نباید زنانی زنان دیگری را استهزاء کنند، زیرا چه بسا آنان از اینان خوبتر باشند، و همدیگر را طعنه نزنید و مورد عیبجویی قرار ندهید، و یکدیگر را با القاب زشت و ناپسند مخوانید و منامید.

۱ - سوره حجرات آیه/ ۱۰

۲ - سوره حجرات آیه/ ۱۱

(برای مسلمان) چه بد است، بعد از ایمان آوردن، سخنان ناگوار و گناه‌آلود (دالّ بر تمسخر، و طعنه زدن و عیبجویی کردن، و به القاب بد خواندن) گفتن و بر زبان راندن! کسانی که (از چنین اعمالی و اقوالی) دست برندارند و توبه نکنند، ایشان ستمگرند (و با سخنان نیشدار، و با خرده‌گیریها، و ملقب گرداندن مردم به القاب زشت و توهین‌آمیز، به دیگران ظلم می‌کنند)"

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾^۱

"ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها پرهیزید، که برخی از گمانها گناه است، و جاسوسی و پرده‌داری نکنید، و یکی از دیگری غیبت ننماید؛ آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین همه شما از مرده‌خواری بدتان می‌آید (و از آن بیزارید، غیبت نیز چنین است و از آن پرهیزید و) از خدا پروا کنید، بی‌گمان خداوند بس توبه‌پذیر و مهربان است"

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رض، عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: (مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ يَسَّرَ عَلَى مُعْسِرٍ يَسَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ، وَمَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يُلْتَمَسُ فِيهِ عِلْمًا سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ بِهِ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ

وَيَذَرُ سُوْنَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَغَشِيَتْهُمْ
الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ، وَمَنْ
بَطَأَ بِهِ عَمَلُهُ لَمْ يُسْرِعْ بِهِ نَسَبُهُ^۱

از أبوهریره رحمه الله روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که از برادر مؤمن خود یک سختی و دشواری را در دنیا بر طرف کند، خداوند یک دشواری و سختی روز قیامت او را رفع می‌کند. کسی که بر فقیر و بینوایی آسان بگیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت. کسی که بدی و زشتی مسلمانی را پنهان کند، خداوند در دنیا و آخرت، بدی و زشتی او را می‌پوشاند [این زشتی و بدی برای کسانی است که دارای کارها و مناصب بزرگ هستند، از قبیل امیران که به فساد مشهور نیستند و ممکن است اتفاقی آن را انجام داده باشند؛ البته در صورت انجام آن کار. ولی اگر در حال انجام زشتی دیده شود، باید منع شود و اگر توانایی بازداشتن از آن کار زشت وجود نداشت، به فرمانروا و حاکم شهر شکایت نمود] و کسی که قدمی در آموختن علم بردارد، خدا راه بهشت را بر او آسان گرداند، و هرگاه گروهی از مردم در خانه‌ای از خانه‌های خدا [مساجد] گرد آیند تا قرآن کریم بخوانند و درس‌های قرآن کریم را به هم بیاموزند، دل‌ها بر ایشان فرود آید، و مهر و محبت و رحمت خداوندی بر آنان فراگیرد، و فرشتگان آنان را در برگیرند، و خداوند آنان را به کسانی که نزد او هستند یاد کند، و کسی که عمل و کردارش بر او پیشی گرفت و او را به دنبال انداخت، به یقین نسب و قبیله‌اش او را به جلو نمی‌برد. این حدیث با حدیث شماره سی و پنجم با همدیگر نسبت و تناسب دارند، در حدیث سی و پنجم نکات منفی موضوع بیان شده بود و در این حدیث نکات مثبت بیان شده است. این

۱ - (صحیح مسلم، کتاب الذکرو الدعاء و التوبه و الاستغفار، باب فضل الاجتماع علی تلاوه القرآن....)

حدیث در مورد تعلق بین مسلمانان بر بنیاد محبت، اخوت اسلامی، همدردی، نصرت و حمایت از برادر مسلمان است. در حدیث گذشته از بعضی از امور نهی شده بودیم اموری که منافی با روح اخوت اسلامی بود و در میان دلها فاصله ایجاد می کرد و سبب ایجاد کدورت بین دلهای مومنین میشد. آیاتی که از سوره مبارکه حجرات در ذیل موضوع این حدیث ذکر گردیده است حامل و پیام آور اصول حسن معاشرت اسلامی است. اینکه باید بین مسلمانان اختلاف وجود نداشته باشد، و اگر کدام خصومتی وجود داشت باید بین آنان صلح ایجاد گردد، همچنان مسلمانان از تمسخر به یکدیگر منع گردیده اند. به همین ترتیب از عیب گرفتن و گذاشتن نام بد نیز منع شده اند. مسلمانان باید نسبت به یکدیگر شک و تردید نداشته باشند و از سوء ظن به همدیگر منع شده اند. همچنان از غیبت برادر مسلمان نیز منع شده ایم، به هیچ صورت غیبت برادر و خواهر مسلمان خود را نکنیم. حدیثی که تحت مطالعه قرار دارد توسط حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت شده و در کتاب صحیح مسلم موجود است. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: "هر شخص که از یک مؤمن از سختی دنیا دور کند الله تعالی در روز قیامت از سختی ها آن کم می کند". در دنیا اگر با اهل ایمان حسن سلوک داشته باشیم پس پاداش آن را از نزد الله تعالی حاصل می کنیم و در نتیجه الله تعالی سختی های روز قیامت را از ما دور می سازد. دومین فرموده آنحضرت صلی الله علیه و آله "و هر کس بر انسان تنگدستی آسان بگیرد، الله تعالی در دنیا و آخرت بر او آسان خواهد گرفت" - یعنی کسانی که در گرداب مشکلات زندگی گرفتار آمده اند و ما با آنان همکاری نموده در حل مشکلات شان به حد توان خویش اقدام کنیم، خدای تعالی در ازای آن بسیاری از سختی های زندگی ما را حل و آسان خواهد کرد. سومین سخنی جناب حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: "هر کس عیب برادر مسلمانش را بپوشد الله تعالی در دنیا

و آخرت عیوب اش را می پوشاند". یعنی اگر کدام وقتی عیب کسی را دیدی تلاش نکن تا عیب برادر مسلمان آشکار گردیده و در نزد مردم آبرو و شرف اش به مخاطره بیفتند، در چهارمین ارشاد شان آنحضرت ﷺ فرمودند "والله تعالی تا وقتی به بنده خود کمک می کند که آن بنده با برادر مسلمان خود کمک کند" یعنی نصرت و معیت الله متعال در زندگی با ما مشروط و منوط به همکاری و همدلی با برادر مسلمان است، در پنجمین ارشاد و هدایت شان آنحضرت ﷺ فرمودند "هر کسیکه که برای کسب علم و دانش بار سفر می بندد الله تعالی در ازای آن برایش راه بهشت را آسان می کند"، انسان به ذریعه علم و دانش محبوب خدا و بندگان خدا قرار میگیرد و راه کسب هدایت علم و دانش است، در این جا مراد از علم قرآن کریم و سنت نبوی صلی الله علیه و سلم است، دیگر رشته های مانند انجیری، طب و غیره از جمله فنون حساب می شود. در ششمین فرمایش، آنحضرت ﷺ فرمودند "و هرگاه کسانی از مردم در خانه یی از خانه های الله تعالی برای تلاوت و فهم کلام الله جمع می گردند، جز این نیست که" از جانب الله بر آنان سکینه نازل می گردد". یعنی بر ایشان سکون و اطمینان قلبی و روحی از سوی الله تعالی نازل می شود. و در هفتمین فرمایش و بیانات شان آنحضرت ﷺ فرمودند "و رحمت خداوندی آنان را احاطه می کند" بلی چنین کسانی که قسمتی از اوقات روز شان در کنار کتاب خدا سپری می کنند آنان خود را لایق رحمت پروردگار جهانیان می نمایند، و در هشتمین فرمایش شان آنحضرت ﷺ می فرمایند: "و از هر طرف فرشتگان رحمت الله تعالی آنان را احاطه می نمایند" یعنی هم مشمول رحمت بیکران خدا قرار میگیرند و از جانبی دیگر خود را در معرض دعای ملائک پروردگار قرار میدهند و از همه بالاتر چیزی دیگری که خداوند نصیب این دسته از مردم می کند این است که "الله تعالی نام شان را در کنار کسانی که نزد او هستند یاد می کند (ملائکه علیین

آسانگیری بر تنگدستان، پوشیدن عیوب و خواندن قرآن کریم بصورت دستجمعی | ۲۰۹

و مقربین بارگاه اش" و در نهمین و آخرین فرمایش شان فرمودند! "هر کسی که عملش او را عقب انداخت سبب و نسبش او را جلو نمی برد" یعنی آنچه نزد خدا مدار اعتبار است عمل و کار انسان می باشد، نه نسب، قوم و نژاد و معیار برتری نزد الله متعال همانا در تقوی است و بس. و این نکته را باید اضافه کنیم که حسب و نسب در دین مقدس اسلام جایگاه خود را دارد و اسلام در پی نفی آن نیست ولی شرط آن است که حسب و نسب ابزاری برای فخر فروشی و تکبر و خود را از دیگران برتر دانستن نباشد.

الله تعالی برای ما توفیق دهد تا بر همه تعالیم قرآن کریم و احادیث نبوی ﷺ عمل نماییم. آمین یا رب العالمین!

حدیث

۳۷

فضل و رحمت خداوند

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا
مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»

"هرکس کار نیکی انجام دهد (پاداش مضاعف، دست کم از دریای جود و
کرم خداوند معظم) ده برابر دارد، و هرکس کار بدی کند، پادافره او (به سبب
عدل و داد یزدان) جز هم سنگ و هم سان آن داده نمی شود و به (اینان با افزایش
کیفر، و به آنان با کاهش پاداش از) ایشان ظلم و ستم نمی گردد"
«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ
عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

"هرکس کار نیکی انجام دهد، پاداشی بهتر از آن دارد، (که اجر مضاعف
است، و این افزایش بستگی به میزان عمل و اخلاص و حسن نیت و صفای
قلب دارد) و هرکس کار بدی انجام دهد، به کسانی که کار بد کنند، جز اعمال
آنان، کیفر ایشان نیست (و کیفرشان درست به اندازه گناهشان است)"

۱ - سوره انعام آیه/ ۱۶

۲ - سوره قصص آیه/ ۸۴

﴿مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^۱

"هر کس عمل بدی انجام دهد، (در آخرت) جز همسان آن، کیفر داده نمی‌شود، ولی هر کس کار خوبی انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن - به شرط این که مؤمن باشد - چنین کسانی به بهشت می‌روند و در آنجا نعمت و روزی بدیشان بدون حساب و کتاب عطاء می‌گردد"

عن ابن عباس رضی الله عنه، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فِيمَا يَرَوِي عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ، ثُمَّ بَيَّنَّ ذَلِكَ. فَمَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، فَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمَلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ إِلَى سَبْعِ مِائَةٍ ضِعْفٍ إِلَى أَضْعَافٍ كَثِيرَةٍ، وَإِنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كَتَبَهَا اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنَةً كَامِلَةً، وَإِنْ هَمَّ بِهَا فَعَمَلَهَا كَتَبَهَا اللَّهُ سَيِّئَةً وَاحِدَةً^۲

"عبدالله بن عباس رضی الله عنه از رسول الله ﷺ و او از پروردگار تبارک و تعالی روایت می‌کند که فرمود: خدا خوبی‌ها و بدی‌ها را نوشته است، پس از آن این عبارت را توضیح داد، پس کسی که قصد خوبی کند و آن را انجام ندهد، خدای تعالی نزد خودش آن را یک خوبی کامل می‌نویسد، و اگر قصد خوبی کرد و آن را انجام داد، خدای تعالی نزد خودش ده خوبی تا هفتصد برابر تا چند برابر بسیار

۱ - سوره غافر آیه/ ۴۰

۲ - صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب من هم بحسنة او بسيئة - و صحيح مسلم، کتاب الايمان، باب اذا هم العبد بحسنة كتبت و اذا هم بسيئة لم تكتب

برای او می نویسد، و اگر قصد بدی کرد و آن را انجام نداد، آن را خدای تعالی نزد خودش یک خوبی کامل می نویسد، و اگر قصد بدی کرد و آن را انجام داد، خدای تعالی آن را یک بدی می نویسد"

حدیث شریف پیرامون و بیانگر دو مظهر از مظاهر بزرگ رحمت پروردگار است. و آیاتی که در ابتدای باب آمده است نیز گویا این موضوع می باشد. حدیث مبارکه، حدیث قدسی است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: "الله تعالی نیکی ها و بدی ها را در لوح محفوظ ثبت کرده است و به این ترتیب آنان را واضح ساخته است و گفته که کدام کار گناه است و کدام کار نیکی است بناءً هر کس نیت انجام کار نیکی را بنماید اما توفیق انجامش را بدست نیاورد الله تعالی بر نیتش ثواب و پاداش مرتب خواهد کرد، چراکه احتمال دارد کسیکه نیت انجام کار خیری نموده و به آن دست پیدا کرده نتوانسته حکمت های در آن باشد ولی الله بنابر لطفی که با بندگانیش دارد برایش اجر و پاداش می دهد. چنانچه از رحمتش اینگونه خبر می دهد [و رحمتی وسعت کل شیء] "رحمت من هر چیز را احاطه نموده است" و همچنین در حدیث شریف آمده است [سبقت رحمتی علی غضبی] "رحمتم بر قهر و غضبم سبقت نموده است" در ادامه حدیث آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند "و اگر بنده عمل نیکی را نیت کرده و آن را انجام داده پس الله تعالی برایش از ده تا به هفتصد پاداش بلکه از این هم اضافه تر در نامه اعمال او نوشته می کند" و دادن پاداش به الله تعالی مربوط می باشد. و باز آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمودند "و اگر کسی نیت بدی را کرد و بر انجام آن موفق نشد در نزد او تعالی گناهی بر او نوشته نمی شود و اگر نیت بدی را کرد و آن را عملی کرد در نزد پروردگار یک گناه نوشته میشود" بنابراین اگر کسی نیت دزدی را کرد و عملاً موفق به انجام آن نشد گناهی بر او نیست، اما اگر نیت دزدی کرد و عملاً موفق به انجام آن نیز شد برای او یک گناه نوشته می شود.

الله تعالی در سوره مبارکه نساء چنین می فرماید ﴿مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِن شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا﴾^۱ "خداوند چه نیازی به عذاب دادن شما دارد اگر شکرگزاری کنید و ایمان بیاورید؟ پروردگار شکرگزار (طاعت و عبادت بندگان و) آگاه (از اعمال و نیّات همگان) است .
الله تعالی برای ما توفیق اراده نیکی را عنایت. آمین یا رب العالمین!

حدیث ۳۸

عبادت، وسیله نزدیکی و محبت به خداوند

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾^۱

"خداوند متولی و عهده‌دار (امور) کسانی است که ایمان آورده‌اند. ایشان را از تاریکی‌های (زمخت گمراهی شک و حیرت) بیرون می‌آورد و به سوی نور (حق و اطمینان) رهنمون می‌شود"

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾^۲

"هان! بیگمان دوستان خداوند (سبحان) ترسی بر آنان (از خواری در دنیا و عذاب در آخرت) نیست و (بر از دست رفتن دنیا) غمگین نمی‌گردند (چرا که در پیشگاه خدا چیزی برای آنان مهیا است که بسی والاتر و بهتر از کالای دنیا است) (دوستان خداوند) کسانی‌اند که ایمان آورده‌اند و تقوا پیشه کرده‌اند"

۱ - سوره بقره آیه/ ۲۵۷

۲ - سوره یونس آیات/ ۶۲ و ۶۳

﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^۱

"برای آنان در دنیا (به هنگام مرگ) و در آخرت (در هنگامه رستاخیز) بشارت (به خوشبختی و نیکبختی) است. سخنان خدا (یعنی وعده‌هایی که خدا به پیغمبرانش مبنی بر پیروزی و بهروزی و سعادت دو جهان داده است) تخلف‌ناپذیر است. این (چیزی که در دنیا و آخرت بدانان مرده داده می‌شود) رسیدن به آرزو و رستگاری بزرگی است"

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تَوْسُوْسَ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾^۲

"ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که به خاطرش چه می‌گذرد و چه اندیشه‌ای در سر دارد، و ما از شاه‌رگ گردن بدو نزدیک‌تریم"

﴿كَأَلَّا لَا تُطَعُّهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾^۳

"هرگز! هرگز! از او اطاعت مکن و (به نماز خواندن خود ادامه بده و در برابر آفریدگار خویش) سجده ببر و (بدین وسیله به پروردگارت) نزدیک شو"

﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مُحْدُورًا﴾^۴

"آن کسانی را که به فریاد می‌خوانند (و خداگونه‌هایشان می‌دانند) آنان که از همه مقرب‌ترند (به درگاه یزدان، همچون عیسی و عَزِیز و فرشتگان) برای تقرب به پروردگارشان وسیله می‌جویند (که طاعات و عبادات است) و به رحمت خدا امیدوار و از عذاب او هراسناکند. چرا که عذاب پروردگارت (چنان شدید است

۱ - سوره یونس آیه/ ۶۴

۲ - سوره ق آیه/ ۱۶

۳ - سوره علق آیه/ ۱۹

۴ - سوره اسراء آیه/ ۵۷

که) باید از آن خویشتن را دور و برحذر داشت"

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضی اللہ عنہ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتُهُ بِالْحَرْبِ - وَمَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُهُ عَلَيْهِ، وَلَا يَزَالُ عَبْدِي يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّى أُحِبَّهُ، فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، وَرَجْلَهُ الَّتِي يَمْشِي بِهَا، وَإِنْ سَأَلَنِي لَأُعْطِيَنَّهُ، وَلَئِنْ اسْتَعَاذَنِي لَأُعِيذَنَّهُ^۱)

"از ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده که گفت: رسول الله ﷺ فرمود: خدای تعالی فرموده: کسیکه با دوست من دشمنی کند، با او اعلام جنگ می‌کنم، و بنده مؤمن با هیچ چیز محبوبی نزد من بهتر از فرائض با من نزدیک نمی‌شود، و او با انجام نوافل [عبادت‌های غیر واجب] به من نزدیک می‌شود تا این که من او را دوست بدارم، هنگامی که من او را دوست دارم، من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود، و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند، و دستش می‌شوم که با آن می‌گیرد، و پایش می‌شوم که با آن راه می‌رود؛ اگر چیزی از من بخواهد به او می‌دهم، و اگر پناه بخواهد پناهش می‌دهم"

در تشریح حدیث فوق که از حضرت ابوهریره رضی اللہ عنہ روایت شده است رسول الله ﷺ ارشادات جالب و زیبایی را از فرموده باری تعالی که در حدیث قدسی بیان شده اند را به امت شان ارائه میدارند از جمله "هر کس که با دوست من

دشمنی کند پس بر علیه او از سویم اعلان جنگ است" یعنی رشته ولایت و دوستی یک طرفه نیست الله تعالی دوست اهل ایمان است و اهل ایمان دوست الله تعالی اند- سوالی که در اینجا مطرح است این است که ولی چه کسی را می گویند؟ آیات فوق واضح می سازند که کسی ولی و (دوست) الله تعالی است که از ایمان حقیقی بهره مند باشد و شیوه تقوی را در زندگی اختیار کرده باشد، در قدم اول ایمان شهادت و گواهی با زبان است، در قدم دوم ایمان در دل یقین و باور داشتن است و در قدم سوم ایمان به احسان رسیدن است یعنی از عمق دل باور داشتن به وعده ها و اوامر الله تعالی به گونه یی که چنان عبادت و فرمانبرداری از الله متعال نماید که گویا الله تعالی را می بیند و اگر توان دیدن را نداشته باشد که چنین نیز است بداند و یقین داشته باشد که الله تعالی او را می بیند و زیر نظر دارد. پس سه درجه ایمان تکمیل شد (درجه اول گواهی زبانی، درجه دوم یقین قلبی، و درجه سوم عین یقین) و نام این احسان است و همین تصوف است که یقین به این درجه برسد به گونه یی که انسان الله تعالی را می بیند و یا کم از کم این احساس در انسان باشد که الله تعالی من را در همه امور زندگی ام زیر نظر دارد. و اما! ثمرات ظاهری ایمان اینها است (۱- سمع و طاعت از الله تعالی و حضرت پیامبر اکرم ﷺ ۲- جهاد فی سبیل الله، ۳- تسلیم و رضاء، ۴- امور زندگی خود را به الله تعالی سپردن، ۵- بر الله توکل نمودن، ۶- محبت با الله تعالی و حضرت پیامبر اکرم ﷺ داشتن، ۷- با احساس غیرت دینی داشتن و آنگاه که هتک حرمت های الهی را می بیند واکنش نشان دادن، ۸- در راه نصرت و پیروزی دین خدا خود را وقف کردن).

از متن بالا معلوم می شود که ولی و دوست خدا کسی است که تمام مراحل ایمان و تقوی را طی کند و اگر کسی با او دشمنی کند الله تعالی با او اعلان جنگ می کند.

در قسمت دوم حدیث دو مرحله از مراحل تقرب الی الله بیان شده است - مرحله اول، الله تعالی فرمود "مهمترین چیزی که بنده ام را به من نزدیک می کند همانا ادای فرایض است" یعنی محبوب ترین وسیله تقرب بنده به الله تعالی که سبب رضایت او تعالی می گردد همانا انجام فرایض الهی می باشد. و مرحله دوم این است، "و بسا اوقات بنده ام بوسیله نوافل تقرب به من را حاصل می کند تا اینکه من با او محبت می کنم" پس وقتی که با او محبت کردم، گوش او می شوم که با آن میشنود، چشم او می شوم که با آن می بیند، دست او می شوم که با آن لمس می کند، پای او می شوم که با آن راه می رود "الله اکبر! این همه لطف و احسان که پروردگار در این حدیث بیان نموده است نشان از کرامت و جایگاه اولیاء الله دارد.

باید بدانیم که الله تعالی به ما بسیار نزدیک است، چنانچه در سوره مبارکه "ق" الله متعال می فرماید "ما انسان را آفریده ایم و می دانیم که به خاطرش چه می گذرد و چه اندیشه ای در سر دارد، و ما از شاهرگ گردن بدو نزدیکتریم" پیام آیه مبارکه مفهوم اصلی تقرب الی الله را بیان می کند و آن این است تا این احساس در ما بوجود آید که الله تعالی برای ما از هر چیز نزدیک تر است و همواره در همه جا ما را زیر نظر دارد و برای نزدیک شدن به او تعالی نیاز به طی کردن مسافت نیست بلکه در هر جای که قرار داشته باشیم میتوان با او ارتباط برقرار کنیم.

در اخیر حدیث شریف ذکر گردیده است "اگر بنده ام از من چیزی بخواهد برایش می دهم" و "اگر از من پناه طلب کند پس من لزوماً پناه اش می دهم". و این نهایت درجه نزدیکی بنده با الله تعالی است. باید خاطر نشان کنیم که اولین وسیله نزدیکی بنده به الله تعالی ادای فرایض است و دومین وسیله بعد از ادای فرایض ادای نوافل می باشد.

عبادت، وسیله نزدیکی و محبت به خداوند | ۲۱۹

الله تعالی قلوب همه اهل ایمان را مملو از ثمرات ایمان ظاهری و باطنی
بگرداند و برای ما توفیق دهد تا به احسانِ اسلام و سلوکِ محمدی صلی الله علیه و آله عمل
نمائیم. آمین یا رب العالمین!

حدیث ۳۹

اجبار، فراموشی و اشتباه

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِكْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

"خداوند به هیچ کس جز به اندازه توانایش تکلیف نمی کند (و هیچ گاه بالاتر از میزان قدرت شخص از او وظائف و تکالیف نمی خواهد. انسان) هر کار (نیکی که) انجام دهد برای خود انجام داده و هر کار (بدی که) بکند به زیان خود کرده است. پروردگارا! اگر ما فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را (بدان) مگیر (و مورد مؤاخذة و پرس و جو قرار مده)، پروردگارا! بار سنگین (تکالیف دشوار) را بر (دوش) ما مگذار آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان) بر (دوش) کسانی که پیش از ما بودند گذاشتی. پروردگارا! آنچه را که یارای آن را نداریم بر ما بار مکن (و ما را به بلاها و محنتها گرفتار مساز) و از ما درگذر

و (قلم عفو بر گناهانمان کش) و ما را ببخشای و به ما رحم فرمای. تو یاور و سرور مائی، پس ما را بر جمعیت کافران پیروز گردان"
 ﴿مَنْ كَفَرَ بِاللّٰهِ مِنْ بَعْدِ اِيْمَانِهٖ اِلَّا مَنْ اُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْاِيْمَانِ وَلٰكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِّنَ اللّٰهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ﴾

"کسانی که پس از ایمان آوردنشان کافر می شوند - بجز آنان که (تحت فشار و اجبار) وادار به اظهار کفر می گردند و در همان حال دلهایشان ثابت بر ایمان است - آری! چنین کسانی که سینه خود را برای پذیرش مجدد کفر گشاده می دارند (و به دلخواه خود دوباره کفر را می پذیرند)، خشم تند و تیز خدا (در دنیا) گریبانگیرشان می شود، و (در آخرت، کیفر و) عذاب بزرگی دارند"

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: (إِنَّ اللَّهَ تَجَاوَزَ لِي عَنْ أُمَّتِي الْخَطَا، وَالنَّسِيَانِ، وَمَا اسْتَكَرَّهُوا عَلَيْهِ^۲

"از عبدالله بن عباس رضی الله عنه روایت شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که خدای تعالی به خاطر من از خطا و فراموشی اتمم و آنچه بر آن مجبور شده بودند گذشت فرمود"

در تشریح این حدیث شریف، باید گفت که این حدیث اگر چه کوتاه است اما از لحاظ محتوا دارای مفاهیم بسیار بزرگ است، راوی این حدیث سیدنا عبدالله ابن عباس رضی الله عنه می باشد، ایشان بیان می کنند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند "الله تعالی سه قسم از گناهان اتمم را معاف نموده است {خطا، نسیان

و جبر و اکراه { یعنی هرگاه انسان مسلمان عملی را انجام دهد که در ذیل یکی از این سه کار قرار گیرد به برکت طفیل حضرت پیامبر اکرم ﷺ، الله تعالی هیچ نوع جزا و گناهی را متوجه بنده اش نمی سازد. جبر و اکراه به کاری می گویند که انسان به انجام دادنش مجبور گردد و در صورت انجام آن جاننش در خطر باشد، بگونه مثال اگر انسان در مقابل انجام عمل کفری از طرف کافر و یا ظالمی مجبور گردد، انسان میتواند برای اینکه جاننش را نجات دهد مرتکب آن عمل کفری اما باید در دل به آن گفتن و یا انجام آن رضایت نداده و تسلیم نشود و از آن نفرت داشته باشد و این را جبر خارجی می گویند. و نمونه دیگر جبر داخلی است بعنوان مثال شما از فرط گرسنگی در شرایط بسیار تنگی قرار دارید و برای نجات جان و سد رمق چیزی جز خوردنی و یا نوشیدنی حرام نیست، شما در حدی که بتوانید خود را از این حالت نجات بدهید استفاده از آن حرام برای تان جایز می باشد اما باید دانست که از حد مجاز و سد رمق بیشتر استفاده ننمائید.

همچنان در آیات فوق تذکر داده شده که "الله تعالی هیچ کس را خارج از توانش مکلف و مسئول قرار نمی دهد". یعنی حساب و کتاب بنده گان الله تعالی همه یک قسم نیست بلکه هر یک مطابق به صلاحیت، قدرت و توانایی اش الله تعالی از او حساب می گیرد.

الله تعالی برای ما توفیق فهم دین، ایمانی لبریز از یقین و توفیق ادای فرایض را عنایت فرماید. آمین یا رب العالمین!

حدیث ۴۰

رهگذری بیگانه در صحنه زندگی

﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ﴾^۱

"و زندگی دنیا هم در برابر آخرت، کالای ناچیزی بیش نیست"
﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾^۲

"زندگی این دنیا جز لهو و لعب نیست، و زندگی سرای آخرت زندگی است، اگر فهم و شعور داشته باشند (چرا که به دنبال زندگی جهان مرگ است، ولی آخرت جاودانگی است)"

عن ابن عمر رضی الله عنهما قَالَ: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِمَنْكِبَيَّ فَقَالَ: (كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ أَوْ عَابِرُ سَبِيلٍ) وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ رضی الله عنهما يَقُولُ: إِذَا أَمْسَيْتَ فَلَا تَتَنَظَّرِ الصَّبَاحَ، وَإِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تَتَنَظَّرِ

۱ - سوره رعد آیه ۳۶/

۲ - سوره عنکبوت آیه ۶۴/

المساء، وَخُذْ مِنْ صِحَّتِكَ لِمَرَضِكَ، وَمِنْ حَيَاتِكَ لِمَوْتِكَ^۱

"از عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله دوش مرا گرفت و فرمود: در دنیا چنان باش که گویی غریب یا رهگذری هستی. عبدالله بن عمر رضی الله عنه همیشه می گفت: وقتی شب شد، به انتظار صبح مباش، و وقتی بامداد بر تو آمد، به انتظار شب منشین؛ در موقع تندرستی و سلامتی، برای روزهای بیماریت توشه بگیر، و در زندگی برای مرگ و مردنت توشه فراهم کن"

در تشریح این حدیث که از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت شده باید گفت، حضرت عبدالله ابن عمر از جمله یارانی هستند که جذبه اتباع شان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار بالا بود، ایشان می فرمایند که: رسول الله صلی الله علیه و آله شانه هایم را گرفت و خطاب به من فرمودند! "در دنیا غریبانه زندگی کن گویا که بیگانه و یا مسافری رهگذر هستی!" یعنی تعلق ما با دنیا باید همین قدر باشد و اگر از این بیشتر شود باعث تباهی و بربادی انسان می گردد. چراکه دنیا راه گذر است، منزل آرامیدن نیست، مانند مسافریکه در مسیر راه اندکی برای استراحت وقت می دهد و بعداً به راهش ادامه می دهد تا به منزل مقصود برسد.

قرآن کریم بی ثباتی دنیا را بیان می کند و القاب مختلف را برای دنیا می دهد، مثلاً در جای دنیا را به "سامان بازی" تعبیر نموده است، اگر انسان دنیا را برای آباد کردن آخرت خود استفاده کند در این صورت دنیا چیز بدی نیست، آنچه خداوند از ما می خواهد این است که در دنیا زندگی کنیم از نعمات اش بهره ببریم، اما نه آنکه استفاده از نعمات و لذت های دنیا سبب غفلت ما از دین و نصرت دین گردد. بعضی از بزرگان دین، دنیا را کشتی و آب تشبیه نموده اند، به این معنی که باید آب دریا همواره در زیر کشتی باشد، و اگر آب دریا به اندازه

۱ - (صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب قول النبی صلی الله علیه و آله کن فی الدنیا کانک غریب او عابر سبیل)

کمی وارد کشتی شد سبب هلاکت کشتی میگردد. یعنی اگر دنیا جای عبادت و محبت خدا را در قلب اشغال کند انسان را به هلاکت میرساند، اما اگر انسان از دنیا بعنوان وسیله‌ی برای نزدیک شدن به خدا استفاده کند کامیاب و موفق خواهد شد.

در اخیر حدیث پیامبر اکرم ﷺ مقوله حضرت عبدالله ابن عمر رضی الله عنهما بر آن افزوده شده که این را هم ما حدیث می‌گوییم- "هرگاه شام کردی پس به انتظار صبح نباش" یعنی به این فکر نباشی که صبح لزوماً خواهد بود، "و اگر صبح نصیب تو شد پس به انتظار شام نباش" بلکه هر لحظه آمدن مرگ را انتظار بکش، چه بسا بودند کسانی که با این روحیه صبح شان را آغاز نمودند ولی ناگه مرگ به سراغ شان آمد و همه آرزوهای شان به فنا رفت- در اخیر ارشادات شان فرمودند "از نعمت صحت و تندرستی که الله تعالی برایت داده قبل از اینکه دچار مریضی گردی استفاده کن" چراکه انسان وقتی مریض شود هیچ کاری کرده نمی‌تواند فلهمذا الله تعالی انسان را بر خوردار از صحت و سلامتی نموده تا باشد آن را غنیمت شمرده و از آن به نفع دین و آخرت خود استفاده نماید.

الله تعالی برای ما توفیق فهم درست دین، قلبی مملو از ایمان و توفیق انجام ادای فرایض را عنایت فرماید. آمین یا رب العالمین!

۴۱ حدیث

نشانه ایمان

﴿أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا﴾^۱

"به من بگو ببینم، آیا کسی که هوی و هوس خود را معبود خویش می‌کند (و آرزوپرستی را جایگزین خداپرستی می‌سازد، تا آنجا که سنگهای بی‌جانی را برمی‌گزیند و به دلخواه می‌پرستد) آیا تو وکیل او خواهی بود؟ (و می‌توانی او را از هواپرستی به خداپرستی برگردانی، و از ضلالت به هدایت بکشانی؟!)"

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾^۲

"هیچ دیده‌ای کسی را که هوا و هوس خود را به خدائی خود گرفته است، و با وجود آگاهی (از حق و باطل، آرزوپرستی کرده است و) خدا او را گمراه ساخته است، و بر گوش و دل او مهر گذاشته است و بر چشمش پرده‌ای انداخته است؟! پس چه کسی جز خدا (و خدا هم از وی رویگردان است) می‌تواند او را راهنمایی کند؟ آیا پند نمی‌گیرید و بیدار نمی‌شوید؟"

۱ - سوره فرقان آیه/ ۴۳

۲ - سوره جاثیه آیه/ ۲۳

﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ* وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا* فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ* وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ* فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾^۱
 "اما آن کسی که طغیان و سرکشی کرده باشد. و زندگی دنیا را (برگزیده باشد و بر آخرت) ترجیح داده باشد.

قطعاً دوزخ جایگاه (او) است و اما آن کس که از جاه و مقام پروردگار خود ترسیده باشد، و نفس را از هوی و هوس بازداشته باشد قطعاً بهشت جایگاه (او) است"

عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ^۲

"از ابو محمد که نام او عبدالله پسر عمرو بن العاص رضی الله عنه است روایت شده که گفت: رسول الله ﷺ فرمود: هیچ یک از شما ایمان نمی آورد تا این که هوای او پیرو آنچه باشد که من آورده ام."

حدیث که تحت مطالعه قرار دارد راوی آن حضرت عبدالله بن عمرو بن العاص رضی الله عنه است، ایشان بیان می نمایند که حضرت رسول الله ﷺ فرمودند "ایمان کامل ندارد هیچ کدام از شما مگر اینکه هوای نفسش را تابع آنچه که من آورده ام بگرداند"

۱ - سوره نازعات آیات / ۳۷ الی ۴۱

۲ - (رواه فی "شرح السنه" وقال النووی فی "الاربعةین" روبناه فی "کتاب الحجه" باسناد صحیح- مشکاه المصابیح، کتاب الایمان، باب الاعتصام بالکتاب و السنه، الفصل الثانی)

درجات خواهش نفس

در حدیث شریف لفظ "هوی" آمده است در فارسی ما این را خواهش نفس می‌گوییم. خواهش نفس دو درجه دارد، یکی از آن بطور فطری در انسان موجود است که به اصطلاح جدید روانشناسی فرائد آنرا (idd) یا (libido) می‌گوید. فطرتاً اگر انسان گرسنه می‌شود برای رفع گرسنگی اش باید غذا بخورد، برای رفع خواهش جنسی اش باید به ازدواج روی آورد تا در دام گناه نیفتد. اسلام دستور سرکوب نفس را بر ما نه بلکه دستور تریه و کنترل نفس را می‌دهد. دومین درجه خواهش نفس خواستن بیش از حد و یا خارج از چارچوبی است که شریعت برای ما تعیین نموده است، به عنوان مثال در خوردنی‌ها، نوشیدنی‌ها، پوشیدنی‌ها و دیگر نیازها زندگی برای انسان سقف معینی مشخص شده که با رعایت آن انسان میتواند نیازهایش را مرفوع سازد اما! اینجا خواهش و هوای نفس زیاده طلبی می‌کند و یا حتی از انسان میخواهد تا موازین شرعی و عقلی را کنار گذاشته و بر اشباع آن اقدام نماید و اینکه نتیجه چه میشود؟ هر چه بادا باد! در مورد آثار و نتایج مخرب خواهشات نفسانی در قرآن کریم آیات متعددی ذکر گردیده است که در ابتدای حدیث شریف به عنوان نمونه چند آیه ذکر گردیده است. همچنان شرک به الله متعال تنها بت پرستی نیست بلکه شرک انواع و اقسام مختلف داشته مانند نفس پرستی، دولت پرستی شخصیت پرستی و...

در مورد کسانی که از هوا و خواهشات نفس پیروی می‌نمایند و آنانی که نفس هوای آن را در کنترل خود دارند الله متعال هر دو نمونه را در سوره مبارکه نازعات بیان نموده و نتایجی که هر دو شیوه از خود بر جای می‌گذارند را نیز متذکر شده است. همچنان اسلام برای ما دستور می‌دهد که خواهشات مثبت نفس را بشیوه صحیح اشباع نمائیم مانند تجارت کردن بوسیله کسب حلال و مصرف

آن برای نیازهای روزمره زندگی و دیگر امور خیر و اشباع غریزه جنسی از طریق ازدواج و نکاح شرعی. به همین ترتیب در قرآن کریم از پیروی هوای نفس ما را بر حذر میدارد ﴿وَائْتِلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ * وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۱

(ای پیغمبر!) برای آنان بخوان خبر آن کسی را که به او (علم و آگاهی از) آیات خود را دادیم (و او را از احکام کتاب آسمانی پیغمبر روزگار خود مطلع ساختیم) اما او از (دستور) آنها بیرون رفت (و بدانها توجه نکرد) و شیطان بر او دست یافت و از زمره گمراهان گردید.

اما ما اگر می خواستیم مقام او را با این آیات بالا می بردیم و (دانشش را مایه سعادتش می نمودیم). اما اجبار برخلاف سنت ما است و لذا او را به حال خود رها ساختیم) لیکن او به زمین آویخت (و به پستی گرائید و به سوی آسمان هدایت بالا نرفت) و از هوی و هوس خویش پیروی کرد. مثل او بسان مثل سگ است که اگر بر او بتازی، زبان از دهان بیرون می آورد و اگر هم آن را به حال خود واگذاری، زبان از دهان بیرون می آورد. این داستان گروهی است که آیات ما را تکذیب می دارند. (چنین افرادی بر اثر آرزوپرستی و دنیاپرستی، دائماً در پی مال اندوزی روان و نالانند و از ترس زوال نعمت و هراس از مرگ بیقرار و بی آرامند). پس داستان را بازگو کن بلکه بیندیشند (و از کفر و ضلال برگردند).

در تفسیر انوار القرآن در مورد آیه ۱۷۵ سوره اعراف چنین داستان ذکر شده است:

از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده و فرمود: «او مردی به نام بلعم بن باعورا از اهالی بیت المقدس بود که اسم اعظم خداوند جل جلاله را می دانست، چون موسی علیه السلام با سپاه بنی اسرائیل به قصد حمله به جباران (عمالقه) فرود آمد، خویشان بلعم همراه با پسرعموهایش نزد وی آمدند و گفتند: موسی مردی تندمزاج و خشم آلود است و با او لشکری است بسیار، شکی نیست که اگر بر ما پیروز شود، همگی مان را نابود می کند؛ لذا به بارگاه خداوند دعا کن تا موسی و همراهانش را از ما برگرداند. بلعم گفت: اگر من به بارگاه الله جل جلاله چنین دعای بکنم، دنیا و آخرتم همه از دست می رود. بنابراین، این درخواست شان را رد کرد، اما آنها از وی دست برداشتند و پیوسته اصرار کردند تا سرانجام به خواسته آنان تسلیم شد و به بارگاه الهی دعا کرد.

در روایات آمده: هر دعایی که علیه موسی و همراهانش می کرد، خداوند جل جلاله زبانش را به سوی قوم خودش برمی گردانید و هر دعایی که به سود قوم خودش می کرد، خداوند جل جلاله زبانش را به سوی بنی اسرائیل برمی گردانید. قومش که ناظر این صحنه بودند، به او گفتند: ای بلعم! آیا می دانی که چه می کنی؟ آخر به نفع آنها و علیه ما دعا می کنی! گفت: این چیزی است که در اختیار من نیست، این چیزی است که خداوند جل جلاله بر آن غلبه کرده. راوی می افزاید: در این اثنا، زبانش از کامش بر روی سینه اش بیرون افتاد و به آنان گفت: حالا دیگر، دنیا و آخرت از دست من رفت و جز نیرنگ و حيله چیز دیگری برایم باقی نماند. پس به آنان این نیرنگ را آموخت که زنان را آرایش کرده به میان لشکر بنی اسرائیل بفرستند. آنها چنین کردند و مردی از بنی اسرائیل با یکی از آنان زنا کرد، آن گاه خداوند جل جلاله بر بنی اسرائیل طاعونی نازل کرد که در يك روز هزاران تن از آنان را به کام مرگ کشید.

﴿...وَلَا تُطِيعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾

"...و از کسی فرمان مبر که (به خاطر دنیا دوستی و آرزو پرستی) دل او را از یاد خود غافل ساخته ایم، و او به دنبال آرزوی خود روان گشته است (و پیوسته فرمان یزدان را ترک گفته است) و کار و بارش (همه) افراط و تفریط بوده است" در این حدیث شریف حضرت پیامبر اکرم ﷺ فرمودند "ایمان کامل ندارد هیچ کدام از شما مگر اینکه هوای نفسش را تابع آنچه که من آورده ام بگرداند" یعنی چیزی که آنحضرت ﷺ آورده اند قرآن کریم است که بر ایشان نازل شده و برای ما رسیده است، بنابراین بر ما لازم است تا برای فهم درست قرآن کریم در قدم اول زبان عربی را فرا بگیریم، و در قدم دوم به رهنمایی های عمل کنیم و آنرا به دیگران برسانیم تا هیچ یک از امت حضرت پیامبر اکرم ﷺ از این سعادت محروم نمانند. به همین ترتیب دومین چیزی را که پیامبر اکرم ﷺ با خود آورده اند، سنت، سیره و ورش عملی آنحضرت ﷺ است. پس بطور خلاصه باید گفت باید هوای نفس مانرا تابع هدایات قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ نمائیم، و وقتی هوی تابع هدی شد مشکل حل است، چنانچه شاعر میگوید:

با دو قبله در ره توحید نتوان رفت راست

یا رضای دوست باید یا هوای خویشتن

الله تعالی برای ما توفیق فهم درست دین عنایت فرماید و همچنان توفیق دهد تا مطابق به رهنمایی های قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ عمل نموده و زندگی خویش را مطابق با معیاری شرعی عیار نمائیم - آمین یا رب العالمین!

۴۲ حدیث

وسعت مغفرت خداوند و فضیلت توبه

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^۱

"(از قول خدا به مردمان) بگو: ای بندگانم! ای آنان که در معاصی زیاده‌روی هم کرده‌اید! از لطف و مرحمت خدا مأیوس و ناامید نگردید. قطعاً خداوند همه گناهان را می‌آمرزد. چرا که او بسیار آمرزگار و بس مهربان است"

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾^۲

"بیگمان خداوند (هرگز) شرک به خود را نمی‌بخشد، ولی گناهان جز آن را از هرکس که خود بخواهد می‌بخشد. و هر که برای خدا شریکی قائل گردد، گناه بزرگی را مرتکب شده است"

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^۳

۱ - سوره زمر آیه/ ۵۳

۲ - سوره نساء آیه/ ۴۸

۳ - سوره احزاب آیه/ ۲۱

سر مشق و الگوی زیبایی در (شیوه پندار و گفتار و کردار) پیغمبر خدا برای شما است. برای کسانی که (دارای سه ویژگی باشند) امید به خدا داشته، و جویای قیامت باشند، و خدای را بسیار یاد کنند.

عَنْ أَنَسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا ابْنَ آدَمَ! إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ مِنْكَ وَلَا أَبَالِي- يَا ابْنَ آدَمَ! لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ- يَا ابْنَ آدَمَ! إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقَرَابِ الْأَرْضِ خَطَايَا ثُمَّ لَقِيتَنِي لَا تَشْرِكَ بِي شَيْئًا لَأَتَيْتُكَ بِقَرَابِهَا مَغْفِرَةً^۱

"از آنس رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ خدمت کار پیغمبر ﷺ روایت شده که گفت: از حضرت رسول الله ﷺ شنیدم که می فرمود: خدای تعالی فرمود: ای بنی آدم، هرگاه مرا می خوانی و به من امید داری، تو را بر آنچه بوده [یعنی به خاطر اعمال] می آمرزم و از تو پروایی ندارم. ای فرزند آدم، اگر گناهان تو به ابرهای آسمان برسد و آنگاه از من طلب آمرزش کنی، تو را می آمرزم و گناهان تو را خواهم بخشید. ای انسان، اگر به سوی من آیی در حالی که زمینی پر از گناه و خطا داری ولی به من شرک نیاوردی، من با زمینی پر از مغفرت و بخشایش به سوی تو می آیم."

خوانندگان معرّز!

به فضل و کرم خاص الله تعالی به آخرین حدیث از مجموعه احادیث "اربعین نووی" که از امام یحیی بن شرف الدین النووی رحمته الله است رسیده ایم. به عنوان مسلمان باید همیشه در حالت ترس از الله تعالی و امید از الله تعالی باشیم، اینگونه نباشد که یکی بر دیگری غلبه کند. در مورد امید به الله تعالی در ابتداء آیات از قرآن کریم را یاد آور شدیم. در آیه اول الله تعالی وعده کرده است که تمام گناهان را می بخشد.

در حقیقت ارتکاب گناه بر ذات خود ظلم کردن است، اگر انسان گناه کند در حقیقت آینده خود را خراب می کند، و شخصیت خود را به طرف انحراف می کشاند.

حدیث مورد مطالعه در صدد بیان دو چیز است، اول امید به الله تعالی داشتن و دوم شان استغناء الله تعالی را بیان می کند!

راوی حدیث حضرت انس بن مالک رضی الله عنه است و این حدیث نیز از جمله احادیث قدسی می باشد- ایشان می فرمایند! من از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند: الله تعالی می فرماید: "ای فرزند آدم! تا وقتی که از من درخواست کنی و به من امید داشته باشی" "من تو را می بخشم اگر چه گناهانت به ابرهای آسمان برسد. اگر اعمال تو هر گونه باشد و من پروای گناهانت را ندارم"- یعنی اگر هر قدر انباشته گناهانت را نزد الله تعالی بیاوری پس تمام آنرا می بخشد مگر برای آن دو شرط گذاشته است، شرط اول این است: "تا وقتی که تو من را بخوانی، از من بخواهی، استغفار و طلب مغفرت کنی" و شرط دوم این است: "که امید داشته باشی الله تعالی غفور و رحیم است و او بر من رحم می کند و تمام گناهانم را می بخشد" به همین سبب الله تعالی در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾^۱ "رحمت من هر چیز را احاطه نموده است" این شانِ استغناء الله تعالی است- بعداً فرمود "ای فرزند آدم! اگر گناهانت تا بلندای آسمان هم برسد و توازن طلب آموزش کنی پس تو را می بخشم" و در آخر فرمود "ای فرزند آدم! اگر نزد آنقدر گناه بیاوری که روی زمین پُر شود و بعداً با من ملاقات کنی" بشرط آنکه بر من شرک نیاورده باشی من هم با مغفرتی به وسعت زمین و آسمان به سوی تو می آیم" برای بخشش گناهان شرط لازم این است که بنده شرک به الله تعالی نرزد. (این حدیث بیانگر غفران پروردگار در مقابل بندگان اش است، و لو که گناهان بنده به حجم وسعت زمین باشد). در باره شرک باید گفت که شرک در هر عصر و زمانه لباس های مختلف بر تن می کند و لازم است آنرا بشناسیم تا از شر شرک محفوظ بمانیم. در حال حاضر در سطح انفرادی بزرگترین شرک نفس پرستی و دولت پرستی است و در سطح اجتماعی بزرگترین شرک حاکمیت انسانی بجای حاکمیت خدا است، چراکه غیر از الله تعالی حاکم دیگری وجود ندارد. در نظام های غیر الهی دیده میشود که حاکمیت ها متفاوت است، بعضاً یک نفر ادعای حاکمیت مطلق می کند مانند فرعون و نمرود، و بعضاً به گونه جمعی مانند نظام جمهوریت که تمام انسانها را نمرود ساخته است- گویا در گذشته نجاست به اندازه تن ها بر سر یک شخص بود، اما در عصر حاضر این نجاست را به ماشه ماشه تقسیم نموده و بر سر تمام ملت ها گذاشته اند، حال آنکه نجاست نجاست است خواه کم باشد یا زیاد. دومین و بزرگترین شرک عصر امروزی، پرستش مادیات (Materialism) است، تمام توکل و اعتماد بر وسایل مادی شده است، به همین ترتیب نژاد پرستی نیز در ردیف شرک داخل میشود، در عصر حاضر عده یی وطن و نژاد را معبود ساخته اند. امروزه متاسفانه

شیرازه بندی قوم بر بنیاد وطن می شود، حالانکه شیرازه بندی باید بر اساس ایمان باشد. اقبال می فرماید:

نه افغانیم و نی ترک و تاتاریم
چمن زادیم و از یک شاخساریم
تمیزِ رنگ و بُورِ ما حرام است
که ما پرورده یک نو بهاریم!

یعنی ما افغان، ترک و تاتاری نیستیم، بلکه ما از شگوفه های چمنستانِ اسلام و از گل یک شاخ ایمان هستیم - بین این گل ها تمیز رنگ و بوبر ما حرام است، چراکه همه ما را یک بهار نشو نموده است. لهذا بر ما لازم است تا حقیقت شرک و اقسام آنرا (شرک فی الذّات، شرک فی الصّفات، شرک فی الحقوق، شرک فی العبادت، شرک فی الدعاء) را درست بفهمیم تا از شر شرک خود را نگه داریم چراکه شرک تنها گناهی است که الله تعالی آنرا نمی بخشد.

توبه: بزرگترین مظهر رحمت خداوندی

حال بر میگردیم به قسمت اخیر حدیث شریف که تحت مطالعه ما قرار دارد، قبلاً تذکر دادم که الله تعالی فرموده (و رحمتی وسعت کل شیء) "رحمت ام هر چیز را احاطه نموده است" و در حدیث شریف نیز بیان شده (انّ رحمتی سبقت غضبی) "رحمت ام بر قهرم غالب آمده است". حال فکر کنید که بزرگترین مظهر این رحمت خداوندی چیست؟ در جواب باید گفت که بزرگترین مظهر رحمت خداوند متعال "توبه" است. در مورد توبه مسیحیان در غلط فهمی بزرگی مبتلا شده اند، آنان بر این باوراند که حضرت آدم ﷺ دچار خطا شد و به همین سبب هر انسانی که به دنیا می آید او بار این خطا را با خود می آورد (یعنی انسان بطور بنیادی گناهکار است) - حال جبران این خطا چگونه میشود؟ به همین دلیل مسیحیان در یک باور باطل غوطه ور شده اند

و به این عقیده اند که الله تعالی به صورت حضرت عیسی علیه السلام پسرى خود را فرستاده و او قربانى و بر صلیب کشیده شده تا کفاره گناهان مردم باشد، مسیحیان به این فکر اند که حضرت عیسی علیه السلام، در مقابل گناهان ما قربانى شده است و کفاره گناهان مان را طور جبران نموده که بر صلیب میخ کوب شده و به قتل رسیده است. انا لله و انا الیه راجعون - نقل کفر کفر نباشد - مشکل در اینجا است که مسیحیان توبه حضرت آدم علیه السلام را درست نفهمیده اند، در سوره مبارکه بقره در رکوع چهارم گفته شده است که حضرت آدم علیه السلام مرتکب خطا شدند و اما بعداً آنحضرت طلب عفو و مغفرت از بارگاه الله متعال می کند و الله تعالی توبه ایشان را می پذیرد ﴿فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾^۱

"سپس آدم از پروردگار خود کلماتی را دریافت داشت (و با گفتن آنها توبه کرد) و خداوند توبه‌ی او را پذیرفت. خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است" حالا هیچ یک از فرزندان آدم بار گناه جدّ امجد خود آدم علیه السلام را در این دنیا با خود نمی آورد مانند آنچه را که مسیحیان ادعا دارند.

فضیلت توبه

در مورد توبه احادیث فراوانی وجود دارد که یکی از آنها قرار ذیل است:
[أَنَّ رَجُلًا قَالَ: وَاللَّهِ لَا يَغْفِرُ اللَّهُ لِفُلَانٍ، وَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: مَنْ ذَا الَّذِي يَتَأَلَّى عَلَيَّ أَنْ لَا أَغْفِرَ لِفُلَانٍ؟ فَإِنِّي قَدْ غَفَرْتُ لِفُلَانٍ وَاحْبَطْتُ عَمَلَكَ]^۲
"مردی گفت: قسم به الله تعالی، الله تعالی فلان شخص را هرگز نمی بخشد - بر این قسم اش الله تعالی فرمود: این چه کسی است که بر من دعوای حاکم بودن را دارد (یعنی از طرف من حکم صادر می کند) که من فلان شخص را

۱ - سوره بقره آیه ۳۷/

۲ - (صحیح مسلم، کتاب البر والصله و الاداب، باب النهی عن تقنیط الانسان من رحمه الله تعالی)

نمی بخشم! آن شخص را من بخشیدم و تمام اعمال این شخص را ضائع نمودم (یعنی آن شخص بنده من را از شانِ غفاری و رحمت ام نومید و مایوس کرد، به همین سبب تمام اعمال او را ضایع نمودم).

این شانِ غفار بودن و رحمت بی پایان الله تعالی است که او تمام گناهان را می بخشد، اما شرایطی را که در حدیث فوق به آن اشاره نمودیم باید تحت بررسی و مطالعه قرار دهیم و از طرف دیگر بر آن عمل کردن بسیار ضروری است: (۱) دعا و خواستن از الله (۲) استغفار و مغفرت خواستن از الله، (۳) امیدداشتن به الله، (۴) اجتناب از شرک به الله تعالی - الله تعالی بر همه ی ما توفیق دهد تا به شرایط فوق عمل نمائیم - آمین یا ربّ العالمین!

خاتمه

مطابق به رهنمود حدیث نبوی ﷺ که فرمودند: [بلغوا عنی ولو آیه]^۱ انسان مسلمان وقتی از حقایق دینی آگاهی حاصل می‌کند، به عنوان وجیه دینی بر وی لازم است تا پیام دین را به دیگران برساند. چنانچه در خطبه حجه الوداع پیامبر بزرگوار اسلام آنگاه که مطالب مهمی را به سمع یاران شان رساندند، از آنان تعهد گرفتند تا آنچه را که شنیده اند به دیگران برسانند، [أَلَّا يُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ، فَلَعَلَّ بَعْضٌ مِنْ يَبْلُغُهُ أَنْ يَكُونَ أَوْعَى لَهُ مِنْ بَعْضٍ مَنْ سَمِعَهُ] ثُمَّ قَالَ: «أَلَا هَلْ بَلَّغْتَ، أَلَا هَلْ بَلَّغْتَ؟» قُلْنَا: نَعَمْ، قَالَ: «اللَّهُمَّ أَشْهَدُ»^۲ آگاه باشید، پس باید شخصی که حاضر است به کسی که حاضر نیست، این پیام را برساند، شاید برخی از کسانی که پیام به او می‌رسد، آنرا بهتر حفظ کند از بعضی که آنرا شنیده اند. سپس فرمود: آیا تبلیغ کردم؟ گفتیم: بلی. فرمود: بار خدایا شاهد باش!

لازم به ذکر است که من حیث مسلمان باید کوشش کنیم که همه اعمال خود را طبق خواسته‌های قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ تنظیم نماییم، و نفس خود را

۱ - سنن ترمذی

۲ - سنن نسایی

در کار خیر مصروف کنیم در غیر آن نفس ما را به کارِ شر مصروف می‌کند. همچنان این نکته باید همیشه در ذهن ما محتضر باشد که برای اداره نفس، شیطان و شهوات عقل ضرورت نیست بلکه ایمان ضرورت است، بخاطریکه یک شخص خیلی عاقل و فلسفی می‌تواند گناهکار باشد، لیکن اگر دل سرشار از ایمان باشد انسان می‌تواند بالای نفس، شیطان و شهوات غالب گردد و منبع ایمان قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم ﷺ است، هر قدر آیات قرآن کریم در عمق قلب ما به درجه یقین جای بگیرد و اعمال ما طبق سنت نبوی ﷺ آراسته شود به همان اندازه ما می‌توانیم بالای نفس، شیطان و شهوات غالب گردیم و به این ترتیب کامیابی دارین را کسب می‌کنیم ان شاء الله. اخیرا احادیثی که در کتاب پیش رو خدمت شما گرامیان تقدیم شد، "اربعین نووی" اثر از امام یحیی بن شرف الدین النووی رحمه الله است که توسط دانشمند جهان اسلام دکتر "اسرار احمد" رحمه الله تشریح و توضیح گردیده است و بنده "مترجم" با تأسی از فرموده پیامبر اکرم ﷺ، و قتیکه کتاب را خواندم، احساس مسئولیت نموده و بر این شدم تا آن کتاب را از زبان اردو به زبان فارسی بطور خلاصه ترجمه نمایم و به دسترس همه پویندگان علم و دانش، خصوصا جوانان عزیز قرار دهم. امید است با این کار قدمی در راستای مسئولیت دینی و اسلامی خویش بر داشته باشم.

امیدوارم ترجمه این اثر برای خوانندگان مفید و نافع واقع گردیده و گامی باشد برای کارهای بعدی در عرصه خدمات احادیث نبوی و سنت حضرت پیامبر اکرم ﷺ.

و من الله التوفیق